



دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم
واشکدره مبد

سازمان
بسیج
دانشجویی

پيام الحمين السلام

نشریه سائین

مدیرمسئول: دکتر مجتبی محمدی مزرعه شاهی
صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشکده علوم قرآنی میبد
مدیر اجرایی: فاطمه فرهادی

شورای سردبیری: مهدی میرعلی بیداخویدی - فاطمه مداح احمدآبادی
ویراستار: زهرا رحمانی
طراح و صفحه آرایی: محمدرضا ولایتی
شماره نشریه: ۳۴

اعضای هیأت تحریریه: فاطمه ابوطالبی - معصومه سنجرى - صغرى رفیعی - علیرضا جزینی - محمدعلی فرهادی - مهدی میرعلی بیداخویدی - فریده میرزا طیبی - زهرا رضانژاد فهادان - راضیه دهقانی زاده بغدادآباد

بیانات رهبری

گزیده ای از بیانات در جلسه شورایی هماهنگی اقتصادی

تشکیل این جلسه بعد از یک رکود و توقیفی که آقای رئیس‌جمهور هم به آن اشاره کردند، بایستی انشاءالله این مژده را ما بدهد که از این پس این جلسه به صورت منظمی تشکیل بشود. ... من تأکید کردم این جلسه باید تشکیل بشود، به نظر من پیدرپی هم تشکیل بشود؛ دبیرخانه‌ی فعالی برایش معین کنید و دستورجلسه‌های پیدرپی.

* خب حالا برای کسانی که کارمندان دولتی و کارمندان رسمی بودند، یک اضافه‌های در نظر گرفته شده؛ آنهایی که کارمند رسمی نیستند چطور؟ کارمندان، اما رسمی نیستند. آنهایی که اصلاً کارمند نیستند چطور؟ آنهایی که مشمول بیمه [نیستند] و پوشش بیمه‌ای ندارند چطور؟ اینها کم نیستند، خیلی زیادند.

برخی آمارها، آمارهای خوبی است، منتها حقیقت مطلب در روی زمین را که انسان نگاه میکند [میبیند] این مشکلات باقی است. ... معیشت مردم حَقاً و انصافاً دچار ضیق و تنگی است.

* مسئله‌ی رفع تحریم را - که مسیر اول است - ما رفتیم. ما چند سال مذاکره کردیم، اثر نکرد؛ ملاحظه میکنید دیگر. ... رئیس‌جمهور آمریکا (۱) آن وقت به این شخص واسطه گفته بود [برای رفع تحریمها] هفت هشت ماه وقت میخواهم، که حالا هفت هشت سال بیشتر گذشته از آن وقت و تحریمها کم که نشده، زیاد هم شده.

* یک مسیر، مسیر خنثی کردن تحریم است. ... در هر صورت، ما بنا را بر این بگذاریم که بنا نیست گشایشی بشود. ... بله، [این مسیر] سختیهای دارد و ممکن است مشکلاتی را برای جامعه و برای مسئولین، در ابتدای کار به وجود بیاورد؛ اما خوشعاقبت است. ... آن طرف مقابلی هم که تحریم کرده، وقتی دید تحریمش بی‌اثر بوده، یواش‌یواش [آن را] برمی‌دارد.

* آنچه ما لازم داریم، همت و شجاعت و اهتمام جدی و پیگیری است؛ این متأسفانه در برخی از مسئولین بخشهای مختلف وجود ندارد. ... خیلی کار میتوانیم بکنیم، به شرطی که بخواهیم، به شرطی که همت کنیم، به شرطی که عزم داشته باشیم و از ورود در دل مشکلات هراس نکنیم. ... جهش تولید فقط یک آرزو نیست، یک شعار نیست، واقعاً یک چیزی است که کاملاً عملیاتی است. ... بلای مهم، چشم دوختن به خارج است. آقایان عزیز! من میدانم، میبینم و میشنوم - گزارش میرسد به ما - که بعضی از این کارها انجام نمیگیرد به خاطر اینکه مدیران قسمت مربوطه منتظر گشایشی از بیرون است؛ این کاری را که الان در اختیارش هست و میتواند انجام بدهد، انجام نمیدهد به خاطر اینکه انتظار دارد یک گشایشی از خارج انجام بگیرد. در هر صورت، ما بنا را بر این بگذاریم که بنا نیست گشایشی بشود.

* فرض کنیم گشایشی از بیرون بشود یا نشود؛ در هر صورت، ما [باید] بنا را بر این بگذاریم که بنا نیست گشایشی بشود، کارها را این جوری برنامه‌ریزی کنیم و کار کنیم. آن کسانی که به اینها چشم امید است، دارند با ما دشمنی میکنند. خب حالا وضع آمریکا که معلوم نیست، «زمانهای است که هر کس به خود گرفتار است»؛ (۲) گرفتاریشان اجازه نمیدهد که حالا دیربازی مسائل بینالمللی واقعاً یک حرفی بزنند، نظری ابراز کنند که آدم بتواند روی آن برنامه‌ریزی کند؛ اما میبینید که اروپاییها مرتباً دارند حرف میزنند و علیه ما اظهار وجود میکنند؛ اعلامیه میدهند که باید موشک چین بشود و از این قبیل. خودشان بیشترین دخالت‌های نادرست را در مسائل گوناگونی که به آنها هیچ ارتباط ندارد میکنند، از جمله مسائل منطقه‌ی ما. در مورد موشک، خودشان موشک‌های اتمی مخرب که عقل و نقل، دین و دنیا آنها را رد میکند، انبار میکنند و دارند - هم انگلیس دارد، هم فرانسه دارد، آلمان هم در صراط این چیزها است؛ حالا دارد یا ندارد خیلی روشن نیست اما در صراط این چیزها است - [اما] به ما میگویند موشک عادی هم نداشته باشید؛ خب به شما چه ربطی دارد؟ شما اول خودتان را اصلاح کنید، بعد در این زمینها اظهار نظر کنید. بنابراین میبینید اینها کسانی نیستند که بشود به اینها اطمینان کرد، [یا] بشود به امید گشایشی از ناحیهی اینها نشست.

* مشکل اقتصاد کشور نداشتن راهکار یا ندانستن راهکار نیست؛ راهکارها را کارشناسان میدانند. من میبینم از دولت‌ها، از کسانی که در بخشهای دولتی هیچ مسئولیتی ندارند اما اقتصاددانند، از دانشگاهیها، همه چیزهای مشترکی را بیان میکنند. هم آن که در دولت است، هم آن که در مجلس است یا آن که در دانشگاه است، وقتی میخواهند راهکار ارائه بدهند، راهکارهای مشترکی را، چیزهای مشترکی را [بیان میکنند]. بنابراین راهکارها معلوم است. ما چه کم داریم؟ آنچه ما نیاز داریم، یک همت و شجاعت و اهتمام جدی و پیگیری است؛ این را ما لازم داریم.

* یکی از پیشنهادهایی که شده و کاملاً عملیاتی است و همین امروز شما میتوانید اقدام بکنید، این است که بگویید حجمی از مصرف آب و گاز مجانی است؛ مثل اینکه برق را مجانی کردید، گفته بشود فلان حجم از مصرف آب و گاز هم مجانی؛ یک حجمی را مشخص کنید. ممکن است فرض کنید که این سه دهک، چهار دهک، پنج دهک را شامل بشود؛ خب این از صندوق دولت هم کم نمیکند، یعنی آقای درژپسند (۳) هم ناراحت نباشند از اینکه درآمد خزانه کم شود، نه.

گزیده ای از بیانات رهبری راجب انتخابات

انتخابات یکی از دو رکن مردم سالاری دینی است. مردم سالاری دینی روی دو ستون ایستاده است؛ یکی از این دو ستون رأی مردم است، انتخابات است.

انتخابات بسیار مهم است. مایه عزت ملی است؛ مایه تقویت ملت ایران است؛ مایه آبروی ملت ایران است. مردم سالاری دینی متکی است به انتخابات و باید در انتخابات واقعاً ملت ایران بدرخشد.

بنده در انتخاباتها دخالت نمی‌کنم؛ هیچ وقت به مردم نگفته‌ام و نمی‌گویم این کس را انتخاب کنید، آن کس را انتخاب نکنید. فقط یک جا بنده دخالت می‌کنم و آن جایی است که کسانی بخواهند در مقابل رأی مردم و انتخاب مردم بایستند و با مزاحمت در مقابل رأی مردم، رأی مردم را بشکنند. هر کس بخواهد با نتیجه آراء ملت دریفتد، بنده در مقابلش می‌ایستم. در همه این سالها بنده ایستادم و گفتم نتیجه انتخابات مردم هر چه هست باید تحقق پیدا کند؛ این آنجایی است که من در امر انتخابات دخالت می‌کنم و در مقابل مخالفین و معارضین انتخابات می‌ایستم؛ اما در بقیه امور دیگر نه، باید مرقانون عمل بشود؛ مردم تشخیص بدهند و حرکت کنند. به توفیق الهی انتخابات ما انتخابات پُرشوری خواهد بود، انتخابات فراگیری خواهد بود. امیدواریم ان شاءالله نتیجه انتخابات هم - چه در شوراها، چه در مورد ریاست جمهوری - چیزی باشد که موجب رضای الهی و سعادت ملت ایران باشد. من می‌گویم انتخابات را خوب برگزار کنید؛ ملت سرافراز خواهد شد، ملت با انتخابات خوب پیش خواهد رفت و دشمن هم به توفیق الهی هیچ غلطی نمیتواند بکند

تعریف آسیب های اجتماعی

آسیب های اجتماعی هرگونه رفتار فردی یا جمعی عنوان میشود که در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عمل جمعی رسمی و غیررسمی جامعه محل فعالیت کنشگران واقع نمیشود و در نتیجه با منع قانونی یا قبح اخلاقی و اجتماعی روبرو میشود.

به همین دلیل است که خاطیان سعی میکنند ناهنجاری خود را از دید ناظران قانون، اخلاق عمومی و نظم اجتماعی پنهان کنند؛ زیرا در غیراین صورت با پیگرد قانونی، تکفیر اخلاقی و طرد یا سایر واکنشهای منفی اجتماعی مواجه میشوند

گونه شناسی آسیب های اجتماعی

آسیبهای نوظهور | آسیب اجتماعی :

آسیب های اجتماعی نوظهور در واقع همان آسیب های مرتبط با فناوریهای جدید و به معنای عام آسیبهای اجتماعی مرتبط با اینترنت است که ماهواره، بازیهای رایانهای، تلفن همراه و برنامههای اجتماعی میتوانند در این مجموعه قرار گیرند که به عقیده عدهی زیادی میتواند جزو آسیب های اجتماعی و روانی قرار گیرد. حریم خصوصی افراد در همهی جوامع امروزی امری محترم و ارزشمند است و حتی آن قدر اهمیت دارد که احترام به آن در قرن حاضر از مرزهای سنتی دین و اخلاق فراتر رفته و در بیشتر کشورهای جهان ضمانت قانونی دارد.

از طرف دیگر شئونات انسانها و اهمیت محفوظ ماندن آنها در فضای مجازی و امنیت اطلاعات مبادله شده جدیداً با چالشهای زیادی مواجه شده و سلامت اخلاقی و مخصوصاً جسمانی و روانی کودکان و نوجوانان در جامعه در معرض خطرات فراوانی قرار گرفته است.

آسیب های اجتماعی (بزهکاری)

بزهکاری در معنای عام و در زیر مجموعه اش سرقت و دزدی هم از لحاظ عرفی و هم از لحاظ قانونی به عنوان یک آسیب اجتماعی جدی محسوب میشوند.

عوامل متعددی در بروز این مشکل شناخته شده اند مثل فقر و بیکاری، اعتیاد؛ فقر فرهنگی و شیوههای نادرست تربیتی. اما باید به این جنبه هم نگاه کرد که پایههای شخصیت اهمیت ویژه در ارتکاب دزدی دارند.

از عوامل روانی-عاطفی میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

محیط اجتماعی نادرست

محیط خانوادگی مختل شده

آسیبهای دوران کودکی

ناکامیهای متعدد

احساس نارضایتی

آسیب های اجتماعی

عوامل اجتماعی-محیطی نیز شامل موارد زیر است:

تفاوت طبقاتی و شکاف اقتصادی

زاغهنشینی شهرهای بزرگ

معاشرت با افراد ناصالح

آسیب های اجتماعی (انحرافات جنسی و روسپیگری)

از جمله آسیب های اجتماعی جدی روسپیگری یا تنفروشی یا به عبارتی دیگر بهره برداری جنسی و یا معامله پایاپای و بیندوباری جنسی توسط زنان برای کسب درآمد عنوان شده است.

تن فروشی معمولاً با سایر آسیب های اجتماعی مثل اعتیاد به مواد مخدر و الکل همراه است. زنان روسپی به درجات مختلف دارای اختلالات روانی مختلف مانند اختلالات شخصیت بوده و برخی از آنان به دلیل مخاصمهای که در قبال مردان دارند به همجنسگرایی روی میآورند و احساس خصومت خود با تحقیر مرد از طریق درگیر کردن وی در رابطهای غیراجتماعی ابراز میکنند.

از علل دیگر این آسیب اجتماعی میتوان موارد زیر را نام برد:

فقر و بیکاری

گرسنگی

جنگ

تنوع و تجمل طلبی

اعتیاد

کمرنگ شدن ازدواج

پایین بودن سطح سواد

سست بودن بنیان های خانوادگی

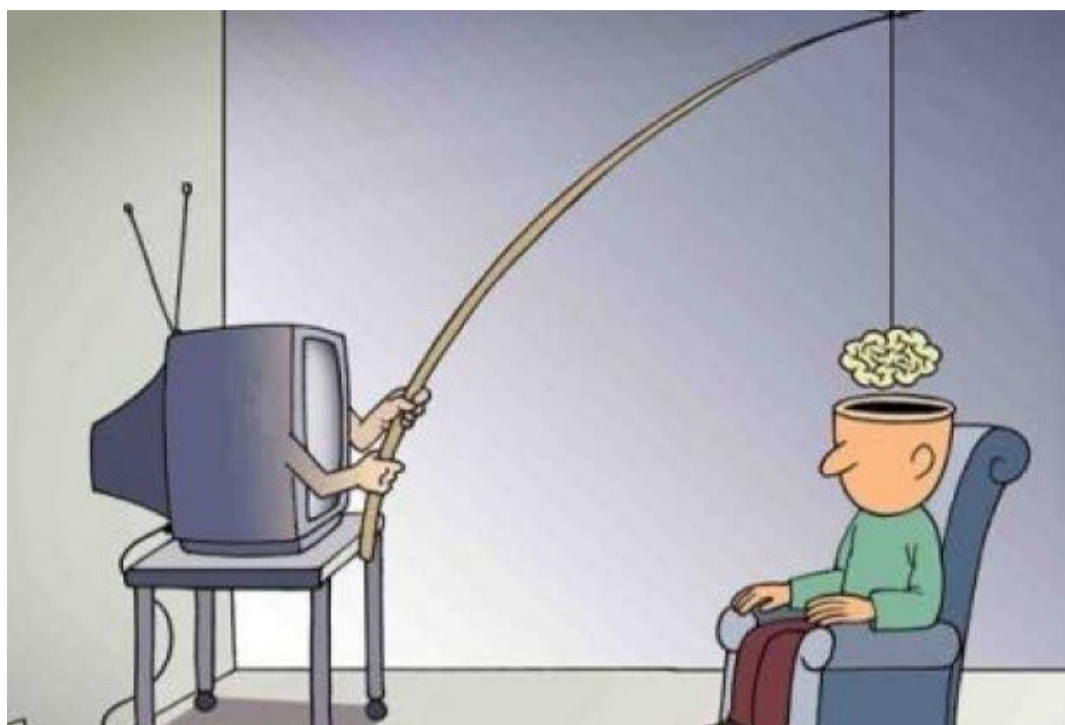
مشکلات زناشویی

آسیب های اجتماعی (طلاق)

طلاق بر انحلال یک ازدواج رسمی در زمانی که طرفین آن هنوز در قید حیاتند و بعد از آن آزادند تا دوباره ازدواج کنند دلالت دارد.

در واقع طلاق به معنای پایان قانونی یک ازدواج است. روان شناسان و جامعه شناسان، طلاق را یکی از آسیبهای اجتماعی مهم به شمار آورده و بالا رفتن آن را نشانه بارز اختلال در اصول اخلاقی و به هم خوردن آرامش خانوادگی و در مجموع دگرگونی در هنجارهای اجتماعی میدانند.





- آسیب های اجتماعی طلاق
- علل افزایش طلاق را میتوان به شرح زیر است:
- مشکلات اقتصادی
- عدم توافق اخلاقی
- ناکارآمدی و نارضایتیهای جنسی
- عدم علاقه و کراهت طرفین از یکدیگر در نتیجه ازدواجهای تحمیلی
- دخالت دیگران به ویژه خانوادهها
- عدم پایبندی به مذهب و ارزشهای اخلاقی و اجتماعی
- اعتیاد
- تنوع طلبی
- انتخاب نادرست اولیه
- پایین بودن سن ازدواج
- ناآگاهی
- تفاوت فرهنگی
- بیکاری و مشکلات اقتصادی
- مشکلات مربوط به مسکن و محل سکونت
- مقاله مرتبط:
- آسیبهای اجتماعی و رفتارهای پرخطر در مدارس
- آسیب های اجتماعی (خودکشی)

ممکن است در نگاه اول خودکشی یک مشکل شخصی به نظر برسد ولی از آنجایی که به هر حال افراد در اجتماع زندگی میکنند و تأثیرات متقابلی همواره بین فرد و جامعه برقرار است، به عنوان یک معضل و یکی از آسیبهای اجتماعی مورد توجه قرار میگیرد. آمار خودکشی معمولاً با سایر جرایم و آسیبهای اجتماعی ارتباط مستقیمی دارد، برای مثال در میان گروههای مبتلا به اعتیاد خودکشی بیشتر دیده میشود.

جامعه شناسان معتقدند هر اندازه همبستگی اجتماعی سست و ضعیف شود و ارتباط و تعلق فرد به جامعه کاسته شود، او آمادگی بیشتری برای پایان دادن به حیات خود پیدا میکند

- براساس مجموع تحقیقات که تاکنون انجام شده، علل و انگیزههای خودکشی در ایران را میتوان چنین برشمرد:
- مشکلات زناشویی و نامناسب بودن شرایط زندگی خانوادگی
- عدم موفقیت در عشق و علاقه
- اختلالات روانی و شخصیتی
- فقر و بیکاری
- اعتیاد

- تورم و شرایط نامساعد اقتصادی
- گذار جامعه از حالت سنتی به صنعتی
- حس پوچی و بیهوشی در جوانان
- آسیب های اجتماعی اعتیاد

آسیب های اجتماعی | وابستگی دارویی یا اعتیاد به مواد مخدر:

آسیبهای اجتماعی اعتیاد از مهمترین مشکلات در تمامی جوامع علیالخصوص جامعه ما به حساب میآید.

اعتیاد به دلیل ویژگیهای ذاتی خود، عموماً با سایر آسیب های اجتماعی همراه میشود و باعث به هدر رفتن نیروهای ثمربخش هر جامعههای میشود.

علل گرایش به اعتیاد از مسایل روانی و فردی تا مسایل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گسترده میباشد.

در نهایت باید گفت که دایرهی آسیبهای اجتماعی بسیار وسیع بوده و هرکدام از این آسیب ها نیز به خودی خود از اهمیت ویژهی برخوردارند چرا که حتی مسائلی که شاید آسیب جدیای نیز به شمار نروند چنان در بافت جامعه اثر میگذارند که ما پس از گذشت چندین سال شاهد تغییرات منفی زیادی در جامعه خواهیم بود



احکام

مفیدترین تخصص برای اسلام

س ۱. امروزه کدامیک از تخصص های علمی برای اسلام و مسلمین مفیدتر است؟
ج. شایسته است که علما و اساتید و دانشجویان دانشگاهها به همه ی تخصصهای علمی مفیدی که مورد نیاز مسلمانان است اهتمام بورزند تا از اجانب بهخصوص دشمنان اسلام و مسلمین بینباز شوند و تشخیص مفیدترین آنها با مسئولین ذی ربط با درنظرگرفتن شرایط موجود می باشد.

سستی و تنبلی

س ۲. سستی و تنبلی در تحصیل علم و تلف کردن وقت چه حکمی دارد؟ آیا حرام است؟

ج. تمبیع وقت به بطالت و بیکاری دارای اشکال است و دانشجو تا وقتی که از مزایای مخصوص دانشجویی استفاده می کند باید از برنامه های درسی مخصوص دانشجویان متابعت کند و الا استفاده از آن مزایا از قبیل شهریه و کمک هزینه و غیره برای او جایز نیست.

تدریس مباحث ربا

س ۳. در خلال بعضی از دروس دانشکده اقتصاد، استاد به بحث در مورد بعضی از مسائل مربوط به قرض ربوی و مقایسه راههای تحصیل ربا در تجارت و صنعت و غیر آن می پردازد، تدریس این درس و اجرت گرفتن در برابر آن چه حکمی دارد؟

ج. مجرّد تدریس و بررسی مسائل قرض ربوی، حرام نیست.

تحصیل فلسفه

س ۴. آیا تدریس و تحصیل فلسفه در حوزه های علمیه دینیّه جایز است؟

ج. یادگیری و تحصیل فلسفه برای کسی که اطمینان دارد که باعث تزلزل در اعتقادات دینی اش نمی شود اشکال ندارد و بلکه در بعضی از موارد واجب است. مطالعه کتب ضاله

س ۵. آگاه شدن از کتابهای گمراه کننده و کتابهای ادیان دیگر برای شناخت دین و عقاید آنها به قصد افزایش معرفت و اطلاعات چه حکمی دارد؟

ج. حکم به جواز خواندن این کتب فقط بهخاطر شناخت و افزایش اطلاعات، مشکل است، البته خواندن آنها برای کسی که قدرت شناخت و تشخیص مطالب باطل را دارد به قصد ابطال و رد آنها جایز است به شرطی که به خود مطمئن باشد که از حق منحرف نمی شود.

تحصیل علوم دینی

س ۶. دانشجویی به مدّت چهار سال است که در دانشکده پزشکی درس می خواند و علاقه شدیدی به فراگیری علوم دینی دارد، آیا ادامه تحصیل در رشته پزشکی برای او واجب است یا اینکه می تواند آن را رها کرده و به تحصیل علوم دینی بپردازد؟

ج. دانشجو در انتخاب رشته تحصیلی خود آزاد است ولی در اینجا نکته ای وجود دارد که شایسته است به آن توجه شود و آن اینکه اگر فراگیری علوم دینی بهخاطر توانایی خدمت به جامعه اسلامی اهمیت دارد، تحصیل در رشته پزشکی هم به قصد آمادگی برای ارائه خدمات پزشکی به امت اسلامی و درمان بیماری و نجات جان آنان از اهمیت زیادی برخوردار است.

تنبیه

س ۷. معلّمی دانش آموزی را در کلاس در برابر دانش آموزان دیگر به شدّت تنبیه کرده است آیا آن دانش آموز حق مقابله به مثل را دارد یا خیر؟

ج. دانش آموز حق مقابله و پاسخگویی بهگونه ای که شایسته مقام استاد و معلّم نباشد ندارد و براو واجب است که حرمت معلم را حفظ نموده و نظم کلاس را رعایت کند و می تواند از راههای قانونی اقدام نماید، همانگونه که بر معلّم هم واجب است احترام دانش آموز را در برابر همکلاسیهایش حفظ کرده و آداب تعلیم اسلامی را رعایت نماید.

نهی از منکر دانشجویان

س ۸. آیا جایز است دانشجویان یکی از مراکز آموزشی گزارشهایی از منکراتی را که مشاهده می کنند به مسئولین فرهنگی ارائه دهند تا از ارتکاب آنها جلوگیری شود؟

ج. اگر گزارشها راجع به امور علنی باشد و عنوان تجسس و غیبت بر آنها صدق نکند، اشکال ندارد و بلکه در صورتی که جزء مقدمات نهی از منکر باشد واجب است.

زندگی دانشجویی و معاشرت با کفار

س ۹. زندگی دانشجویی در خارج مستلزم ارتباط و معاشرت با کفار است، در چنین موردی استفاده از مواد غذایی ساخت آنها مشروط براینکه مواد حرام مثل گوشت تذکیه نشده در آنها نباشد، ولی احتمال تماس دست مرطوب کافرا با آنها داده شود، چه حکمی دارد؟

ج. مجرد احتمال تماس دست مرطوب کافر با مواد غذایی، برای وجوب اجتناب کافی نیست، بلکه تا یقین به تماس حاصل نشود، حکم به طهارت می شود. کافر اگر از اهل کتاب باشد، نجس ذاتی نیست و تماس دست مرطوب او باعث نجاست نمی شود



زندگی‌نامه شهید دکتر محسن فخری زاده

قرار گرفتن در لیست تحریم
در سال ۲۰۰۷

تنها دانشمندی که
نتانیاها در یک برنامه
از او نام برده بود

از فرماندهان سپاه پاسداران
در زمینه موشکی

جزو ۵ شخصیت ایرانی د
فهرست ۵۰۰ نفره قدرتمندترین
افراد جهان

ساخت کیت ایرانی تشخیص کر
تحت نظر شهید فخری زاده



محسن فخری زاده
مهابادی

رئیس سازمان پژوهش و نوآوری
وزارت دفاع

استاد فیزیک هسته‌ای در
دانشگاه امام حسین (ع)

تولد

۱۳۳۶
قم

دارنده لقب پدر برنامه
هسته‌ای نظامی ایران
در منابع غربی

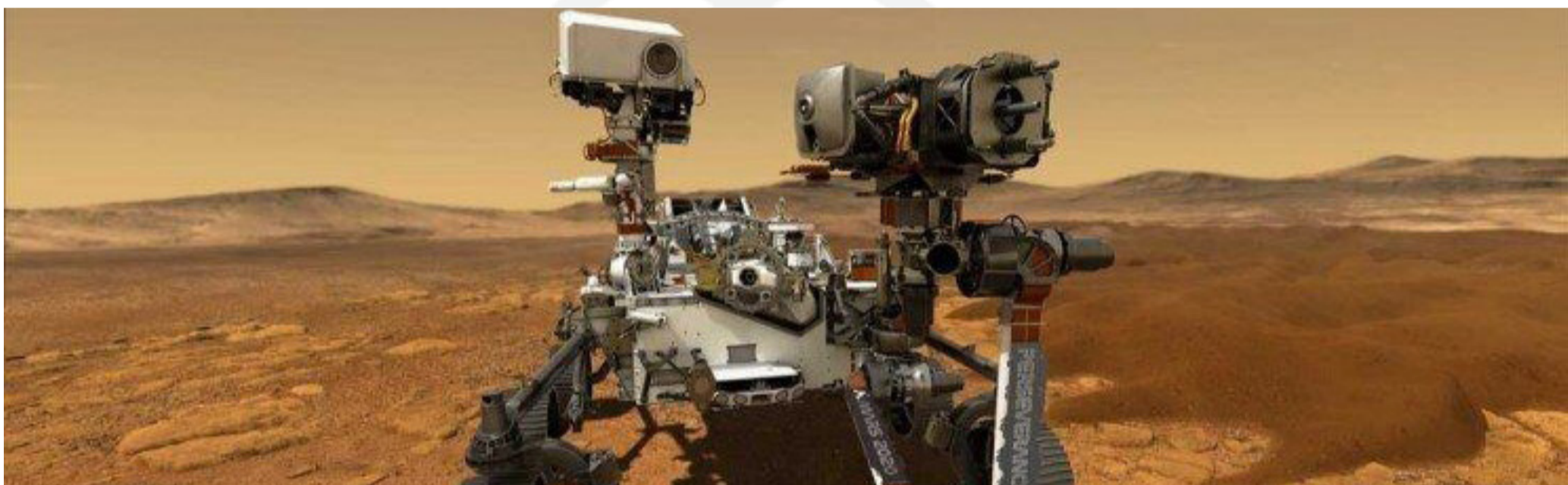
شهادت

۷ آذر ۱۳۹۹ تهران
آب سرد دماوند

محسن فخری زاده

مهابادی یکی از تاثیرگذارترین دانشمندان تحقیقات علمی، پژوهشی و صنعت دفاعی ایران به شمار میرفت که به عنوان رییس سازمان پژوهش و وزارت دفاع نقش بیدیلی در به سرانجام رساندن طرح‌های مختلف داشت و با اقدامات خود توانست دفاعی کشور را به تراز قابل قبولی از بازدارندگی برساند. دنوخته شهید فخری زاده

یک سؤال دارم، چرا شهدا در جوانی سخنانی میگویند که عرفا در کهنسالی؟ البته میدانیم که این سخنان از عمق حکمت جاری شده از قلب برزبان است نه آنکه سخنانی سطحی است.» (۷/۸/۹۹)



کاوشگر استقامت

ماجرای یک پرتاب موفق

استقامت (Perseverance Rover) پنجشنبه (۹ مرداد امسال) ساعت ۱۶:۲۰ دقیقه در ایالت فلوریدا با موفقیت به فضا پرتاب شد.

این پرتاب موفق که در ۱۱ اسفند ۹۹ به سطح مریخ فرود آمد و اولین عکس‌هایش را به ثبت رساند با استقبال زیادی در رسانه‌ها، مراکز علمی و افکار عمومی جهان روبه‌رو شد.

هم‌اکنون تصاویر ثبت شده از این کاوشگر و آخرین تصاویر، صوت و ویدیوهای ارسالی از آن در شبکه‌های اجتماعی مورد توجه کاربران قرار گرفته است.

این پروژه ۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلاری ناسا با نخستین فضایی بین سیاره‌های به فضا پرتاب شده و از ابزارآلات پیچیده‌ای برای کاوش‌های ناشناخته‌هایی از زندگی باستان در مریخ است. این ربات کاوشگر که با سوخت هسته‌ای کار میکند پس از فرود کاوشگر وایکینگ بر سیاره سرخ در دهه ۱۹۷۰ و کشف نخستین نشانه‌های حیات، نهمین ماموریت ناسا را در مریخ انجام خواهد داد.

کمتر از یک روز پس از فرود مریخ‌نورد استقامت روی سطح سیاره سرخ، تیم‌های مسئول این ماموریت در آزمایشگاه پیش‌ران‌ش جت ناسا اولین تصاویر مربوط به فرود مریخ‌نورد مذکور و همچنین اولین تصاویر ثبت شده توسط آن از خانه جدیدش در دهانه جزرو را منتشر کردند.

ناسا امیدوار است مریخ‌نورد استقامت بتواند نشانه‌های حیات را در محل عبور این رودخانه بیابد. بدین منظور از دوربین‌های عادی و ماورا بنفش نصب شده بر روی این مریخ‌نورد استفاده خواهد شد. همچنین مته نصب شده بر روی مریخ‌نورد استقامت به نمونه‌برداری از عمق این سیاره خواهد پرداخت. بازگشت این نمونه‌ها به زمین در سال ۲۰۲۶ انجام میشود.

این کاوشگر که بیش از یک دهه ساخت آن به طول انجامید، دارای وزنی بیش از یک تن است. مریخ‌نورد ناسا شامل ۷ محموله علمی، یک بازوی رباتیک، یک بالگرد تخصصی مریخ‌پیما به نام اینجینیوتی (نبوغ)، ۲۵ دوربین قدرتمند و نخستین میکروفون برای ضبط صدای سیاره سرخ است. ناسا اعلام کرده که کاوشگر مریخ ۲۰۲۰ پیچیده‌ترین و پیشرفته‌ترین ربات فرستاده شده به اعماق فضا است.

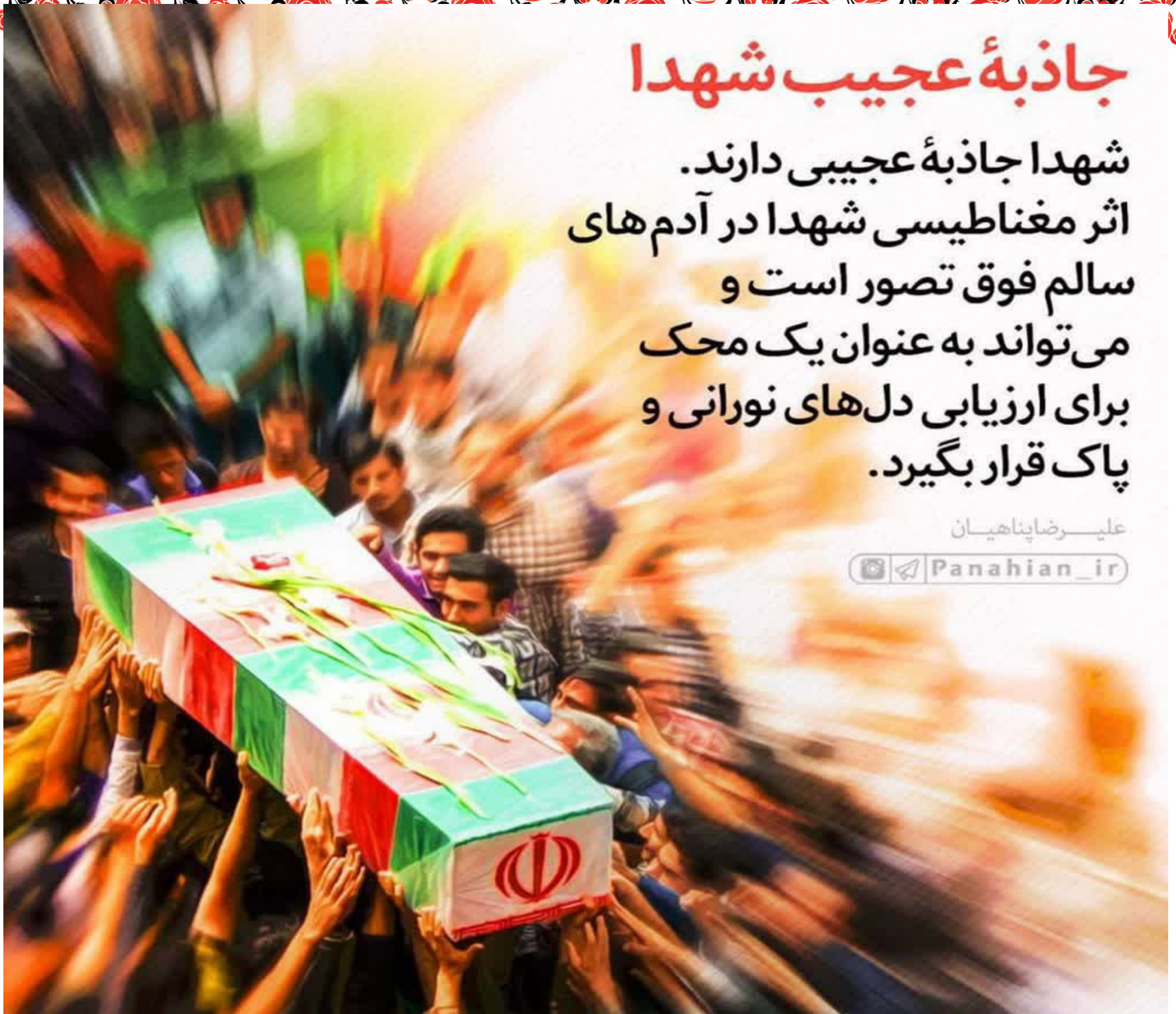


جاذبهٔ عجیب شهدا

شهدا جاذبهٔ عجیبی دارند.
اثر مغناطیسی شهدا در آدم‌های
سالم فوق تصور است و
می‌تواند به عنوان یک محک
برای ارزیابی دل‌های نورانی و
پاک قرار بگیرد.

علی‌رضایپناهیان

  Panahian_ir



وصیت نامه شهید مدافع حرم عباس دانشگر

بسم الله الرحمن الرحيم

آخر من کجا و شهدا کجا خجالت میکشم بخواهم مثل شهدا وصیت کنم من ریزه خوار سفرهی آنان هم نیستم، شهید شهادت را به چنگ می‌آورد راه درازی را طی میکند تا به آن مقام میرسد اما من چه!

سیاهی گناه چهرهام را پوشانده و تنم را لخت و کسل کرده، حرکت جوهره اصلی انسان است و گناه زنجیر، من سکون را دوست ندارم. عادت به سکون بلای بزرگ پیروان حق است، سکونم مرا بیچاره کرده. در این حرکت عالم به سمت معبود حقیقی دست و پایم را اسیر خود کرده، انسان کر میشود، کور میشود، نفهم میشود، گنگ میشود و باز هم زندگی میکند.

بعد از مدتی مست میشود و عادت میکند به مستی و وای به حالمان اگر در مستی خوش بگذرانیم و درد نداشته باشیم. درد را، انسان بی هوش نمیکشد، انسان خواب نمیفهمد، درد را، انسان با هوش و بیدار میفهمد.

راستی! دردهایم کو؟ چرا من بیخیال شده‌ام؟ نکند بی هوشم؟ نکند خوابم؟ مثل آب خوردن چندین هزار مسلمان را کشتند و ما فقط آن را مخابره کردیم. قلب چند نفرمان به درد آمد؟ چند شب خواب از چشمانمان گریخت؟ آیا مست زندگی نیستیم؟

خدایا تو هوشیارمان کن، تو مرا بیدار کن، صدای العطش میشنوم صدای حرم می‌آید گوش عالم کراست. خیام میسوزد اما دل‌مان آتش نمیگیرد.

مرضی بالاتر از این چرا درمانی برایش جستجو نمیکنیم، روحمان از بین رفته سرگرم بازیچه دنیا مییم. الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ ما هستیم، مرده‌ام تو مرا دوباره حیات ببخش، خوابم تو بیدارم کن. خدایا! به حرمت پای خسته رقیه (س) به حرمت نگاه خسته زینب (س) به حرمت چشمان نگران حضرت ولی عصر (عج) به ما حرکت بده.

مقالات

تحلیل جایگاه دین در جهان پسا کرونا

صغرا رفیعی

چکیده

بحران کرونا بیشتر نقاط جهان را در بر گرفته است و ابعاد مختلف زندگی بشر را تحت تاثیر قرار داده. آسیب‌های بعد از عصر کرونا ناخود آگاه تاثیرات زیادی بر تغییر رفتار و پایه های دینی افراد می‌گذارد که موجب تغییر برخی رفتارهای دینی می‌شود. به همین دلیل ممکن است با عبور از دوره کرونایی جامعه دینی با چالش‌های فراوانی روبرو شود. سوال مهمی که مطرح است این است که دین در جهان پسا کرونا چه جایگاهی دارد، که این پژوهش سعی بر آن دارد بدان پاسخ دهد. بحث درباره دین به عنوان یکی از مسائل مهم زندگی بشر حائز اهمیت است. لذا نویسنده برآن شد تا به بررسی تحولات دین و جایگاه آن در بحبوحه کرونا و پسا کرونا بپردازد. تحقیق حاضر سعی برآن داشته به روش توصیفی تحلیلی به بررسی جایگاه دین در جهان پسا کرونا بپردازد. این تحقیق ابتدا به بررسی اجمالی از جایگاه دین در جهان معاصر و سپس به تبیین علت وقوع بلایا از منظر دین و همچنین چالشهای پیشروی دین در مواجهه با کرونا، نقش اندیشه های دینی در مدیریت بحران کرونا و اهمیت فضای مجازی در معرفی دین در بحران کرونا پرداخته است. بنابراین در این پژوهش سعی برآن است به بررسی و تحلیل دین در جهان پسا کرونا و ابعاد مختلف آن پرداخته شود.

کلید واژه: دین، کرونا، پسا کرونا، تحلیل جایگاه دین

مقدمه

شیوع ویروس کرونا از مهم ترین رخداد های مهم تاریخ بشر به حساب می‌آید که جنبه های مختلف زندگی بشر را دستخوش تغییراتی قرار داده است و با ادامه این روند بردامنه این تغییرات افزوده خواهد شد. یکی از حوزه های تأثیر پذیر، حوزه دین و دینداری است. در این راستا، شاهد لغو اجتماعات و مناسک دینی و بسته شدن زیارتگاه ها و معابد، به منظور محدود ساختن این بیماری که اختصاص به یک دین ندارد و همه ادیان را شامل می‌شود. سوال مهمی که در این جا مطرح است این است که دین در جهان پسا کرونا چگونه است و چه جایگاهی دارد که تحقیق حاضر سعی برآن دارد بدان پاسخ دهد.

بحث درباره دین به عنوان یکی از مسائل مهم زندگی بشر که دارای کارکردهای فردی و اجتماعی فراوانی است حائز اهمیت است و ضرورت ایجاب می کند به بررسی تحولات و جایگاه آن در بحبوحه کرونا و پسا کرونا پرداخت.

موضوع کرونا به دلیل نوظهور بودنش، مقاله و کتاب یا اثر علمی دیگری با این عنوان یعنی «تحلیل جایگاه دین در جهان پسا کرونا» نوشته نشده. اما چندین مقاله که به نوعی می‌تواند مرتبط با موضوع حاضر باشد با عنوان «کرونا (تعاریف، مداخلات، پیامدها)» نوشته ابوالفضل محدث اردبیلی و دیگری «کرونا ویروس جدید؛ خطر بالقوه» نوشته مرتضی اشرفی، وجه تمایز تحقیق حاضر با تحقیقات یاد شده در این است که به طور اختصاصی به مسئله دین از زوایای جدید در رابطه با بحران کرونا پرداخته است.

تحقیق حاضر سعی برآن دارد به روش توصیفی تحلیلی به بررسی و تحلیل جایگاه دین در جهان پسا کرونا بپردازد. همچنین آسیب ها و چالش‌های پیشرو در این بحران را که متوجه دین می‌باشد را مورد بررسی قرار دهد.

در این تحقیق ابتدا به بررسی اجمالی از جایگاه دین در جهان معاصر، سپس تبیین علت وقوع بلایا از منظر دین، چالش‌های پیش رو دین در مواجهه با کرونا، نقش اندیشه‌های دینی در مدیریت بحران کرونا، اهمیت فضای مجازی در معرفی دین در بحران کرونا پرداخته شده است.

مفهوم لغوی و اصطلاحی

لغوی: کرونا در لغت به معنی؛ سر، هاله، اکلیل، حلقه نور دور خورشید (dictionary.abadis.ir)

در اصطلاح: ویروس های کرونا گروه بزرگی از ویروس ها هستند که می‌توانند حیوانات و انسان ها را آلوده کنند و باعث بروز ناراحتی های تنفسی شوند؛ این ناراحتی ها ممکن است به اندازه سرماخوردگی خفیف یا به اندازه ذات الریه شدید باشند. (www.chla.org/blog)

دین در جهان معاصر

در جهان معاصر ادیان مختلف با ماهیت ها و آموزه های گوناگون وجود دارند. برخی از ادیان برای عقل ارزشی قایل نیستند و مردم را به دین داری کورکورانه و بی توجهی به عقل فرامی‌خوانند و پذیرش دین و آموزه های قدسی را به درک و تأیید عقل وابسته نمی‌دانند. آنان بر این باورند که ماهیت دین با رمزگرایی و معناگرایی و اسطوره همراه است، و بر این اساس، پای عقل در دین لنگ است. مراد ما از «رابطه دین» در این بحث دین های عقل ستیز و اسطوره ای نیست، بلکه منظور دینی است که برای ادراکات آدمی، به ویژه عقل، ارزش و اعتبار قائل است و عقل را در کنار دین، به عنوان یکی از منابع شناخت خیر و شر و حسن و قبح و باید ها و نبایدها می‌داند. بنابراین، مراد از «دین»، دینی است که با عقلانیت و خردورزی سرسازش و تعامل دارد و عقل را تأیید و تقویت می‌کند و اساس دین داری و پذیرش دین را خرد ورزی می‌داند. همچنین مراد دینی است که از اصالت و جایگاه قدسی و وحیانی خود دور نشده و از گزند بدعت و تحریف بشری مصون مانده است.

از قرن هجده میلادی تا کنون بر جدایی دین از علم از سوی اندیشمندان غربی پا فشاری شده است. متفکران برجسته غرب، از جمله بیکن، دکارت، هیوم و کانت گرفته تا هگل، جان لاک، روسو، آگوست کنت، پوزیتیویست ها و امپریست ها همگی همواره تلاش کرده اند تا با ادعای عقل گرایی و اصالت دادن به علم، اقتدار و نفوذ دین را در عرصه های علمی، سیاسی و اجتماعی بشری، محدود کنند. کانت در فلسفه خود، بر جدایی علم از اخلاق و ارزش ها تأکید دارد و حقیقت های متعالی را ناشناختنی می‌داند و تنها امور تجربی را قابل شناخت می‌داند، او با تفکیک میان عقل نظری و عملی، مبنای عقلی ایده ها و مفاهیم را انکار و محدوده توانایی عقل را در شناخت امور تجربی محدود می‌کند. در مقابل عموم فیلسوفان و متکلمان و اندیشمندان عقلگرای مسلمان در شرق، بین عقل گرایی و دین مداری جدایی نمی‌دانند و بین این دو تضادی نمی‌بینند.

در اسلام، اندیشمندی نیست که بر اساس نوع نگرش خردگرایانه و از روی آزاداندیشی، ضرورت و عقلانیت دین را نفی و آن را انکار کرده باشد. بیشتر فیلسوفان و عالمان عقل-گرای مسلمان در دین داری عقلی را که نتواند ضرورت و حکمت دین را دریابد، عقل نمی‌دانند. به طور مثال، فیلسوفان مسلمانی همچون فارابی، ابن رشد، کندی، ملا صدرا، علامه طباطبائی (المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۲۵۵؛ ج ۱، صص ۴۳ و ۴۷) و شاگردان ایشان (دین شناسی، ۱۳۸۱ش، فصل پنجم، صص ۱۱۹ و ۱۷۹) چنین رویکردی دارند و بین دین داری و عقل گرایی تعارضی قائل نیستند. به عنوان نمونه، استاد مطهری می‌گوید: عقل برای انسان راهنمای خوبی است. عقل را خداوند به انسان داده است، برای اینکه راه کمال را از راه های انحراف تشخیص بدهد. (اسلام و مقتضیات زمان، ۱۳۷۰ش، ج ۱، ص ۵۲)

با توجه به مسائل پیچیده بشر امروز در همه عالم و با توجه به بحران های انسان و مقتضیات وضعیتی که انسان در آن دچار زندگی ها و افسردگی و نومیدی ها شده، در جستجوی راه کمال و سعادت است و از مادیات و زندگی مادی زده شده است چشم به روزنه ی روشنی دارد و به همین جهت موج معنویت گرایی امروز بخصوص نسل جوان را در نقاط مختلف دنیا فرا گرفته است.

تحلیل جایگاه دین در جهان پسا کرونا

صغرا رفیعی
چکیده

بحران کرونا بیشتر نقاط جهان را در بر گرفته است و ابعاد مختلف زندگی بشر را تحت تاثیر قرار داده. آسیب‌های بعد از عصر کرونا ناخود آگاه تاثیرات زیادی بر تغییر رفتار و پایه های دینی افراد می‌گذارد که موجب تغییر برخی رفتارهای دینی می‌شود. به همین دلیل ممکن است با عبور از دوره کرونایی جامعه دینی با چالش‌های فراوانی روبرو شود. سوال مهمی که مطرح است این است که دین در جهان پسا کرونا چه جایگاهی دارد، که این پژوهش سعی بر آن دارد بدان پاسخ دهد. بحث درباره دین به عنوان یکی از مسائل مهم زندگی بشر حائز اهمیت است. لذا نویسنده بر آن شد تا به بررسی تحولات دین و جایگاه آن در بحبوحه کرونا و پسا کرونا بپردازد. تحقیق حاضر سعی بر آن داشته به روش توصیفی تحلیلی به بررسی جایگاه دین در جهان پسا کرونا بپردازد. این تحقیق ابتدا به بررسی اجمالی از جایگاه دین در جهان معاصر و سپس به تبیین علت وقوع بلایا از منظر دین و همچنین چالش‌های پیشروی دین در مواجهه با کرونا، نقش اندیشه های دینی در مدیریت بحران کرونا و اهمیت فضای مجازی در معرفی دین در بحران کرونا پرداخته است. بنابراین در این پژوهش سعی بر آن است به بررسی و تحلیل دین در جهان پسا کرونا و ابعاد مختلف آن پرداخته شود.

کلید واژه: دین، کرونا، پسا کرونا، تحلیل جایگاه دین

مقدمه

شیوع ویروس کرونا از مهم ترین رخداد های مهم تاریخ بشر به حساب می‌آید که جنبه های مختلف زندگی بشر را دستخوش تغییراتی قرار داده است و با ادامه این روند بردامنه این تغییرات افزوده خواهد شد. یکی از حوزه های تأثیر پذیر، حوزه دین و دینداری است. در این راستا، شاهد لغو اجتماعات و مناسک دینی و بسته شدن زیارتگاه ها و معابد، به منظور محدود ساختن این بیماری که اختصاص به یک دین ندارد و همه ادیان را شامل می‌شود. سوال مهمی که در این جا مطرح است این است که دین در جهان پسا کرونا چگونه است و چه جایگاهی دارد که تحقیق حاضر سعی بر آن دارد بدان پاسخ دهد.

بحث درباره دین به عنوان یکی از مسائل مهم زندگی بشر که دارای کارکردهای فردی و اجتماعی فراوانی است حائز اهمیت است و ضرورت ایجاب می‌کند به بررسی تحولات و جایگاه آن در بحبوحه کرونا و پسا کرونا پرداخت.

موضوع کرونا به دلیل نوظهور بودنش، مقاله و کتاب یا اثر علمی دیگری با این عنوان یعنی «تحلیل جایگاه دین در جهان پسا کرونا» نوشته نشده. اما چندین مقاله که به نوعی می‌تواند مرتبط با موضوع حاضر باشد با عنوان «کرونا (تعاریف، مداخلات، پیامدها)» نوشته ابوالفضل محدث اردبیلی و دیگری «کرونا ویروس جدید؛ خطر بالقوه» نوشته مرتضی اشرفی، وجه تمایز تحقیق حاضر با تحقیقات یاد شده در این است که به طور اختصاصی به مسئله دین از زوایای جدید در رابطه با بحران کرونا پرداخته است.

تحقیق حاضر سعی بر آن دارد به روش توصیفی تحلیلی به بررسی و تحلیل جایگاه دین در جهان پسا کرونا بپردازد. همچنین آسیب ها و چالش‌های پیشرو در این بحران را که متوجه دین می‌باشد را مورد بررسی قرار دهد.

در این تحقیق ابتدا به بررسی اجمالی از جایگاه دین در جهان معاصر، سپس تبیین علت وقوع بلایا از منظر دین، چالش‌های پیش رو دین در مواجهه با کرونا، نقش اندیشه‌های دینی در مدیریت بحران کرونا، اهمیت فضای مجازی در معرفی دین در بحران کرونا پرداخته شده است.

مفهوم لغوی و اصطلاحی

لغوی: کرونا در لغت به معنی: سر، هاله، اکلیل، حلقه نور دور خورشید (dictionary.abadis.ir)

در اصطلاح: ویروس های کرونا گروه بزرگی از ویروس ها هستند که می‌توانند حیوانات و انسان ها را آلوده کنند و باعث بروز ناراحتی های تنفسی شوند؛ این ناراحتی ها ممکن است به اندازه سرماخوردگی خفیف یا به اندازه ذات الریه شدید باشند. (www.chla.org/blog)

دین در جهان معاصر

در جهان معاصر ادیان مختلف با ماهیت ها و آموزه های گوناگون وجود دارند. برخی از ادیان برای عقل ارزشی قایل نیستند و مردم را به دین داری کورکورانه و بی توجهی به عقل فرامی‌خوانند و پذیرش دین و آموزه های قدسی را به درک و تأیید عقل وابسته نمی‌دانند. آنان بر این باورند که ماهیت دین با رمزگرایی و معناگرایی و اسطوره همراه است، و بر این اساس، پای عقل در دین لنگ است. مراد ما از «رابطه دین» در این بحث دین های عقل ستیز و اسطوره ای نیست، بلکه منظور دینی است که برای ادراکات آدمی، به ویژه عقل، ارزش و اعتبار قائل است و عقل را در کنار دین، به عنوان یکی از منابع شناخت خیر و شر و حسن و قبح و بایدها و نبایدها می‌داند. بنابراین، مراد از «دین»، دینی است که با عقلانیت و خردورزی سرسازش و تعامل دارد و عقل را تأیید و تقویت می‌کند و اساس دین داری و پذیرش دین را خرد ورزی می‌داند. همچنین مراد دینی است که از اصالت و جایگاه قدسی و وحیانی خود دور نشده و از گزند بدعت و تحریف بشری مصون مانده است.

از قرن هجده میلادی تا کنون بر جدایی دین از علم از سوی اندیشمندان غربی پا فشاری شده است. متفکران برجسته غرب، از جمله بیکن، دکارت، هیوم و کانت گرفته تا هگل، جان لاک، روسو، آگوست کنت، پوزیتیویست ها و امپریست ها همگی همواره تلاش کرده اند تا با ادعای عقل گرایی و اصالت دادن به علم، اقتدار و نفوذ دین را در عرصه های علمی، سیاسی و اجتماعی بشری، محدود کنند. کانت در فلسفه خود، بر جدایی علم از اخلاق و ارزش ها تأکید دارد و حقیقت های متعالی را ناشناختنی می‌داند و تنها امور تجربی را قابل شناخت می‌داند، او با تفکیک میان عقل نظری و عملی، مبنای عقلی ایده ها و مفاهیم را انکار و محدوده توانایی عقل را در شناخت امور تجربی محدود می‌کند. در مقابل عموم فیلسوفان و متکلمان و اندیشمندان عقلگرای مسلمان در شرق، بین عقل گرایی و دین مداری جدایی نمی‌دانند و بین این دو تضادی نمی‌بینند.

در اسلام، اندیشمندی نیست که بر اساس نوع نگرش خردگرایانه و از روی آزاداندیشی، ضرورت و عقلانیت دین را نفی و آن را انکار کرده باشد. بیشتر فیلسوفان و عالمان عقل-گرای مسلمان در دین داری عقلی را که نتواند ضرورت و حکمت دین را دریابد، عقل نمی‌دانند. به طور مثال، فیلسوفان مسلمانی همچون فارابی، ابن رشد، کندی، ملا صدرا، علامه طباطبائی (المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۲۵۵؛ ج ۱، صص ۴۳ و ۴۷) و شاگردان ایشان (دین شناسی، ۱۳۸۱ش، فصل پنجم، صص ۱۱۹ و ۱۷۹) چنین رویکردی دارند و بین دین داری و عقل گرایی تعارضی قائل نیستند. به عنوان نمونه، استاد مطهری می‌گوید: عقل برای انسان راهنمای خوبی است. عقل را خداوند به انسان داده است، برای اینکه راه کمال را از راه های انحراف تشخیص بدهد. (اسلام و مقتضیات زمان، ۱۳۷۰ش، ج ۱، ص ۵۲)

با توجه به مسائل پیچیده ی بشر امروز در همه ی عالم و با توجه به بحران های انسان و مقتضیات وضعیتی که انسان در آن دچار زندگی ها و افسردگی و نومیدی ها شده، در جستجوی راه کمال و سعادت است و از مادیات و زندگی مادی زده شده است چشم به روزنه ی روشنی دارد و به همین جهت موج معنویت گرایی امروز بخصوص نسل جوان را در نقاط مختلف دنیا فراگرفته است.



تبيين علت وقوع بلايا از منظر دين

در فرهنگ و اندیشه دینی و اخلاقی و عرفانی در همه ادیان ریشه مصیبت‌ها گناه است که عمدا یا سهوا از انسان‌ها سر میزند. بنا به فرموده حضرت علی (ع): «هیچ بلایی و کم شدن روزی نیست مگر به واسطه گناه» (خصال، ج ۲، ص ۶۱۶)

به بیانی دیگر مصیبت‌هایی که به انسان می‌رسد ناشی از رفتارها و کردارهای ناپسند خود بشر است و با اینکه بسیاری از آن رفتارها و کردارها را خدا بخشیده، ولی همان اندک‌ش هم تأثیر بسیاری بر زندگی انسان می‌گذارد و آسایش و آرامش بشر را مختل می‌کند و اسباب زندگی بشر را ناکارآمد می‌سازد. (وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ) (شوری / ۳۰)

علی (ع) می‌فرماید: «خداوند بندگان خود را هنگام ارتکاب گناه، با کمبود میوه‌ها، و جلوگیری از نزول برکات، و بستن در گنج‌های خیرات، مبتلا می‌سازد.» (خطبه ۱۴۳ نهج البلاغه)

که برای رهایی از این بلای عظیم و رنج آور باید به درگاه خدا پناه برده و در محضرش عاجزانه و متضرعانه توبه کرد تا گناهان را ببخشد و این مصعب را دور سازد. (اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِّلُ الْبَلَاءَ)

چالش‌های پیشرو دین در مواجهه با کرونا:

ویروس کرونا یک بیماری است ولی شیوع و گسترش آن در جهان به گونه‌ای نبود که مسئله فقط در سطح پزشکی و سلامت بماند و به سرعت اقتصاد، سیاست، فرهنگ و دین را تحت تأثیر قرار داد و چالش‌هایی را در این زمینه به وجود آورد.

از جمله چالش‌های پیشرو دردین فراهم شدن شرایط نقد دینی در دوران پسا کرونا است، این چالش نیز وجود دارد که در دوران پسا کرونا نگاه مردم به جهان خلقت و معنویت چگونه است مسلماً دنیای بعد از کرونا دنیایی مشترک با دغدغه‌ها و عناصر فرهنگی مشابهی خواهد بود. به عنوان مثال بیماری کرونا به عنوان یک معضل در تمام دنیا و در بین تمام ادیان مشترک است و این اشتراک موجب می‌شود بیشتر مردم دنیا و پیروان اکثر ادیان برای رفع و درمان ماندن از این معضل به یک گونه دعا کنند یا یک نوع احساس دینی از خود نشان دهند. به نظر می‌رسد در دوران پسا کرونا در بیشتر کشورها به نوعی فهم مشترک از دین برسند و به مولفه‌های مشترک دینی از جمله دعا و نذرهای شبیه به هم بیشتر توجه شود. با توجه به اینکه در دوران پسا کرونا احتمالاً ساحت اجتماعی دین دچار تغییرات عمده شود، خود به خود مسیر سکولار شدن دین فراهم می‌شود. برخی مراسم جمعی و مناسک دینی وجود نخواهد داشت و افراد به دنبال بروزهای جمعی نخواهند بود. به همین دلیل از یک طرف برخی حساسیت‌های دینی کاهش می‌یابد و از طرفی دیگر اعتراض‌ها یا نقدها و چالش‌های دینی بروز پیدا می‌کند.

وظیفه مجتهدین، فقیهان و عالمان دین در شرایط فعلی این است که به یک سری سوالات و دغدغه‌های دینی افراد در این زمینه وارد گفت و گو شوند، تا مردم هم به این برداشت برسند که علمای دین تنها احکام تکراری دین را بیان نمی‌کنند و به مسایل روز نیز توجه دارند و این بیانگر پویا بودن دین است. فقیهان از این طریق می‌توانند فضای جدیدی برای گفت و گوهای دینی فراهم کنند و یکسری مناقشه‌های دینی را پاسخ دهند و برخی از مردم را از دلواپسی‌ها و وسواس‌های دینی رها کنند.

در شرایط عادی پیرامون بسیاری از مسایل ممکن است که اصلاً کسی جرات نکند وارد بحث شود، اما فضای بحران می‌تواند این امکان را فراهم کند که در مورد این مسایل صحبت شود و برای زندگی مردم مفید باشد، از جمله مسایلی که فضای بحران امکان آن را فراهم کرد و تاکنون بی سابقه بوده است، آزاد کردن زندانیان است، زمانی که یک زندانی آزاد می‌شود، از سوی مردم این احساس به وجود می‌آید که در دین خدا، محبت، رحم و بخشودگی وجود دارد. این تغییرات ناخودآگاه مسیر شناخت مردم را نسبت به دین و رفتارهای دینی و نیز نسبت به فقیهان و مجتهدین مساعد می‌کند.

اهمیت شرایط کرونایی بر ساختار دین و دینداری اثر گذاشته و مناقشات و چالش‌هایی را به وجود آورده که این چالش‌ها نیز می‌تواند مثبت و سازنده باشند به طور مثال بیان کرده اند که وقوع تغییرات عمده به جهان مدرن مرتبط است، یعنی زمانی برخی که دین در برابر علم (مثلاً علم پزشکی) زانو زده است و دیگر بحثی وجود ندارد و قرن‌هاست که ورشکستگی دین در مقابل علم اعلام شده. تعارض تاریخی بین علم و دین همواره از قرن هجده تا به امروز دیده می‌شود و این یک تعارض بی اساس است چرا که علم و دین در تضاد هم نیستند بلکه در کنار هم می‌توانند بسیار مفید و سازنده باشند. اما در مورد کرونا ویروس باید گفت که کرونا در مقابل دین، یک مسئله اصیل نبوده یعنی مناقشات پیش آمده در این موضوع را نمی‌توان یک مسئله مهم و اصیل در حیطه علم و دین تلقی کرد. البته تصمیمات غلط مدیریتی مثل تعلل در قرنطینه کردن شهرها و یا ضعف در رساندن اقلام بهداشتی مورد نیاز به مردم، به این موضوع دامن زده و یک شبه مسئله را به اشتباه به یک مسئله واقعی در ذهن مردم تبدیل کرده است.

مسئله اصلی تنهایی و غربت انسان معاصر در عصر علم‌گرایی می‌باشد. چرا که انسان معاصر بر چیزی تکیه کرده که آن را محکم‌ترین ستون قابل اتکا در دنیای معاصر می‌داند. اما انتشار ویروس کرونا و دیدن دست‌هایی که به نشان تسلیم از سوی پزشکان و دانشمندان بالا رفته، این تلقی را به چالش کشیده است. گویی انسان با ناامیدی از روش‌های مدرن درمانی، دوباره به دنبال مأوایی در افکار متافیزیکی یا اساطیری خود می‌گردد.

بنابراین تعارض به وجود آمده در قرن‌ها بین علم و دین بی پایه و اساس است چرا که شرایط بحرانی کرونا بار دیگر این بی‌پایگی را به جهانیان گوشزد کرد و نشان داد که علم وظیفه خود را باید انجام دهد و دین هم وظیفه خود و انسان هیچگاه از این دو عنصر بی‌نیاز نخواهد بود و به هردو در کنار هم نیاز دارد. مساله کرونا در ایران، منشا تحول بیشتری در رابطه بین این دو عنصر شد زیرا با ورود به موقع روحانیت و مراجع دینی در ایران، و قرار گرفتن روحانیت و فقه فقیهان در کنار مراکز بهداشتی و پزشکی، این مناقشه، بی اساس به جهانیان اعلام شد.

همچنین باید یاد آور شده که این دوره، دوره بحران است. شرایط بحرانی موجب می‌شود که همه امور دچار تزلزل شوند. خود دانش و معرفت نیز در کنار حوزه دین مسئله دار شد.

دغدغه دیگر در این زمینه این است که یک سری آسیب‌های بعد از عصر کرونایی است که ناخودآگاه، تأثیر زیادی بر تغییر رفتار و اعتقاد و پایه‌های دینی افراد، می‌گذارد و موجب تغییر برخی رفتارهای دینی می‌شود که مدت‌های زیادی است که بر انجام آن تعصب ورزیده می‌شد. به همین دلیل ممکن است با عبور از دوره کرونایی جامعه دینی با چالش‌ها و بحران‌های فراوانی روبرو شود. به عنوان مثال تغییر در غسل و تدفین میت، تطهیر و اجرای مراسم مذهبی و یک سری امور واجب و حرام.

از جمله اثرات کرونا بر دین ظهور مناقشه‌ها و سوالات بسیاری در نزد دینداران شده است. به عنوان نمونه ما در این مدت با کنار گذاشتن بسیاری از مراسم دینی و عدم انجام آداب دینی، راه سکولار به پیش گرفته ایم؟ آیا می‌توان دین بدون مراسم تصور کرد؟ آیا در شرایط بحران، انسان‌ها خدا را صدا نمی‌زنند بلکه به علم یا تکنولوژی پناه می‌برند؟ نقش علمای دین در این شرایط چیست؟ آیا ابزارهایی چون رسانه، فضای مجازی، رساله‌ها و احکام مجازی می‌توانند به دغدغه‌های دینی و انسانی پاسخ دهند؟ آیا اینطور است که زمانی که همه قصد ساختن واکسنی برای ویروس جانگیر می‌باشند، فرض کنیم که ابزارهای مادی، جانشین خدا در روی زمین شده اند؟ و مناقشات دیگری از این قبیل.

چالش دیگری که در این جا مطرح است این است که اگر کسی عادت کرد که در خانه نماز بخواند به جای در مسجد، آیا او دوباره به مسجد باز خواهد گشت؟ به نظر میرسد مردم به مسجد و کلیسا-ها بر می‌گردند زیرا بخش عمده‌ای از مراسم جمعی دیدار جماعت‌های دینی است و دلتنگی از محروم شدن این دیدار، افراد را به جماعت بر می‌گرداند. خوشبختانه مجتهدین پا به پای پزشکان به بهداشت و تمیزی و پرهیز از بیماری توجه کرده اند.





بحران کرونا، برای سایر ادیان و مذاهب نیز مشکلاتی ایجاد کرده است؛ مخصوصاً برای کاتولیک‌ها. چرا که آنها در مراسم عشای ربانی خود نان تناول می‌کنند و لازم است که این مراسم را یک کشیش انجام دهد که باید با حضور کشیش رسمی انجام شود و جایگزینی هم ندارد، نه در فضای مجازی و نه در فضای غیرمجازی. حدود دو هزار سال است که کلیسای کاتولیک اینگونه عمل کرده و مبنای الهیاتی‌شان نیز همین است. مراسم عبادی زمانی معتبر است که با حضور کشیش و یا اسقف و کاردینال انجام شود، این مشکل البته به میزان کمتری برای پروتستان‌ها هم وجود دارد.

سوال بسیار مهمی که مطرح است این می‌باشد که آیا بحران کرونا ایمان به ادیان را در بین جوامع تقویت خواهد کرد و توجه مردم جهان را به سوی دین سوق خواهد داد؟

باید گفت که این قضیه می‌تواند عبرت آموز شود و با ارائه درست مسایل به مردم این قضیه ایجاد شود همانگونه که قابل مشاهده است که در برخی کشور های اروپایی مردم تمایل بیشتری نسبت به دین پیدا کرده اند و حتی در برخی از این کشور ها اذان مسلمانان پخش کردند در زمان بحران کرونا و به دین پناه بردند.

نقش اندیشه های دینی در مدیریت بحران کرونا

دین، دارای کارکردهای فردی و اجتماعی فراوان است و از نظر فردی، به زندگی انسان معنی می‌بخشد، صبر را افزایش و اضطراب را کاهش می‌دهد. برقراری وحدت جامعه، تأمین عدالت، تضمین نشاط جامعه، پشتیبانی از فضائل اخلاقی و تنظیم روابط اجتماعی، بخشی از کارکردهای اجتماعی دین است. (یوسفیان، ۱۳۹۰ش، صص ۱۶۰-۱۹۲)

نقش دین در بالا بردن قدرت تحمل مشکلات بسیار بالاست. ویلیام جیمز میگوید: «هنگامی که در نبرد زندگی همه امیدها بر باد می‌رود، احساسات مذهبی در اندرون ما چنان شور و هیجانی برپا می‌کند که ما را جوان کرده، زندگی درونی را دگرگون می‌سازد» (ویلیام جیمز، ۱۳۷۲ش، ص ۲۶)

دین و مذهب در زمان بحران نقش مهمی در کاهش آلام و ایجاد شرایط مناسب در جامعه دارد و توصیه‌های عالمان دین در چنین شرایطی موثر خواهد بود. در این شرایط برخلاف مغالطه دشمنان که دین را در برابر علم می‌دانند، شرع مقدس اسلام با آنچه که عقل حکم می‌کند همراهی کرده است. شکست دادن بیماری کرونا نیازمند کار جمعی است لذا تک تک افراد در این زمینه مسئول هستند. دین مبین اسلام به عنوان یکی از ادیان بزرگ ابراهیمی، قاعده «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» را بیان می‌کند و حفظ جان انسان‌ها بسیار مهم می‌شمارد. هر کس که در این مسیر کوتاهی کند در واقع به ضرر جامعه عمل نموده لذا اگر با اقدام افراد بیماری به دیگران منتقل شود فرد گناهکار است.

شیوع ویروس کرونا در جهان به یک بحران تبدیل شده است و هر بحرانی همراه خود عواقب و جنبه‌های منفی آسیب رسانی دارد، اما از سویی دیگر بحران‌ها جنبه آموزنده و اثرگذاری نیز در لایه‌های زیرین خود دارند و آن تاثیری است که بر سطح همدلی جامعه دارند. در واقع التهابات اجتماعی و بحران‌ها با همه تلخی‌هایی که به همراه دارند، در ایجاد روحیه وفاق ملی و تاب‌آوری تاثیرگذار است. بحران‌ها، ظرفیت افراد را برای تاب‌آوری در برابر مشکلات بالا می‌برد، زیرا این ذات بشر است که در نهایت برای تداوم حیات خود راهی پیدا کند.

از طرفی با وجود مشکلات است که ضعف‌ها و قوت‌ها آشکار می‌شود زیرا در زمان آسایش و راحتی، چشم انداز مجموعه‌ها بسیار محدود تر است، اما در زمان بروز یک مساله جدی و حاد، اعضای مجموعه از خرد و کلان به نگاه عمیق‌تری نسبت به مسئولیت خود می‌رسند مثلاً شبکه بهداشتی کشور ما با وجود فشار بحران کرونا، خواه ناخواه در شرایط رشد و گسترش قرار گرفته است.

همچنین در بحران‌ها است که اعضای جامعه جهت نگاه خود را تغییر داده و به غیر از منفعت فردی به مسائل جمعی نیز اهمیت می‌دهند زیرا می‌دانند راه عبور از بحران از مسیر رعایت انضباط فردی و همدلی و همکاری با جامعه می‌گذرد.

در جهان پس از کرونا کشوری بیشتر برنده است که بتواند به شکل موفقیت آمیزی بحران را مهار کند، بحران کرونا یکی از جدی‌ترین چالش‌هایی است که مردم جهان با آن روبرو شدند و در این میدان شرایط برای همه احزاب و طبقه‌های اجتماعی یکسان است اما با توجه به آنچه مشاهده می‌شود در جهان افراد مذهبی در این مسیر موفقیت بیشتری کسب کردند و احساس مسئولیت بیشتری داشتند و در مواجهه با این بحران تاثیرات شگرفی در پشت سر نهادن بحران کروناست داشتند و در این مسیر همدلی و همراهی خوبی از خود نشان دادند.

با توجه به همین مساله نیز، در حال حاضر در پیشرفته‌ترین کشورهای جهان، کلیسا و کشیشان مسئول حل بخشی از مشکلات ناشی از کرونا هستند و به صورتی بسیار پررنگ‌تر از گذشته در این میدان نقش ایفا می‌کنند، که این جدای از تحرکات افراطی‌ها در مذهب است که ابتلای به این بیماری را بلایی آسمانی تفسیر کرده و هیچ اعتقادی به درمان پزشکی ندارند.

مهم‌ترین شخصیت‌های سیاسی دنیا نه تنها رویکردهای مذهبی و اجتماعی را در برخورد با بیماری کرونا مورد تایید قرار می‌دهند بلکه خود و خانواده‌شان نیز به طرق مختلف به این گونه شیوه‌ها متوسل می‌شوند. لذا این سخن که با پیدایش پدیده کرونا، ملت‌های جهان از نگرش‌های سنتی دورتر شده و و ناگزیر به محافل پزشکی و علمی امید بسته‌اند به هیچ وجه نمی‌تواند سخن درست و واقع‌گرایانه‌ای باشد. لذا هیچ مکان مذهبی از جهت مکان مذهبی بودنش تعطیل نشده است بلکه این اجتماعات هستند که به دلیل تشخیص اهل فن و متخصصین مسئله بیماری‌های عفونی، تعطیل می‌شوند.

بر پایه آنچه گفته شد برخلاف ادعا‌های مطرح شده از سوی مخالفان دین، دین‌داری را می‌توان یکی از مهمترین عوامل موفقیت در بحران‌ها دانست که هم بر روح و هم بر جسم تاثیر خواهد داشت.

اهمیت فضای مجازی برای معرفی دین در بحران کرونا

در دنیای امروز فضای مجازی اهمیت بسیار داشته، اما در زمان وقوع حوادث و بحران‌های اساسی مانند بحران کرونا، اهمیت این فضا چندین برابر می‌شود. اهمیت این فضا شامل تمام حوزه‌ها از جمله حوزه دینی است. فضای مجازی امکان مناسبی برای شکل‌گیری تغییرات عمده در بحث و نظر و طرح مناقشات دینی است، امکانی موازی با فضای واقعی که می‌تواند نتایج مثبت و غیر مثبت داشته باشد.

در شرایط بحران کرونا، فضای مجازی نسبت به فضای واقعی اهمیت بسیاری پیدا کرده است، زیرا برای اکثر افراد این امکان فراهم نیست که بتوانند کنش دینی بیرون از این فضا را داشته باشند شرایط جدید با محوریت فضای مجازی، تغییراتی خواه یا ناخواه ایجاد می‌کند. مهم‌ترین این تغییرات، ظهور اشکال جدید رفتارهای دینی جدید و در عین حال بازبینی رفتارهای قدیمی است.

در جوامع دینی علی‌الخصوص جامعه دینی ما مناسک و آیین‌های دینی بسیار مورد توجه هستند. فضای مجازی یکسری مناسک را تغییر داده و امکان فضای دیگری برای دینداری فراهم ساخته است. به عنوان نمونه برای عزاداری‌ها و حتی دعا کردن و زیارت حرم‌های مطهر، امکان‌های جدیدی را فراهم کرده است. زیارتگاه‌های مجازی و نذرها و فاتحه خوانی مجازی فراهم شده است. امکان زیست متفاوت به لحاظ مناسک و رفتارهای دینی ایجاد شده است.





نکته دارای اهمیت دیگر در مورد فضای مجازی اینکه این فضا امکان کار و مشاغل جدید دینی را فراهم کرده است. به طور مثال یکسری موزه‌های دینی، مکان دعاخوانی، مناسک تفریحی و فیلم‌های دینی مجازی تولید کرده که البته این فعالیت‌ها همه خیرخواهانه نیست و بخش زیادی منفعت جویانه است. این روزها برخی از افراد که دغدغه دینی دارند در گروه‌های مختلف فضای مجازی به روش‌های مختلف به فعالیت پرداخته و به ناچار از این فضا برای رفع دغدغه‌های خود استفاده می‌کنند از این رو در فضای مجازی یکسری خلاقیت‌های دینی به وجود آمده است. افراد نذر می‌کنند تا هر چه زودترین بیماری رفع شود یا به دیگران توصیه می‌کنند برای رفع بلا، چه دعاهایی بخوانند. این فضا بیانگر آن است که اجتماعات دینی حتی می‌تواند در فضاهای مختلف، انجام شوند.

شاید مهم‌ترین تغییر و تحول در مورد مناقشات دینی در دوران پسا کرونا این باشد که یکسری آیین‌ها که به صورت دسته جمعی انجام می‌شود، در نزد افراد درونی شوند به عنوان نمونه پیش از کرونا به مراسم دعای کمیل و نماز جماعت می‌رفتند، اما در دوران پسا کرونا اگر افراد دچار دل‌تنگی شوند از فضای مجازی استفاده می‌کنند.

حتی ممکن است یکسری حساسیت‌های اجتماعی کاهش پیدا کند، وقتی مثلاً مناسک یا دعا در فضای مجازی است شاید خیلی لزوم نداشته باشد که افراد به بیرون از خانه بروند تا حتماً رفتار دینی از خود بروز دهند.

فضای مجازی فضایی، سیال و سطحی است، روشنفکرانه نیست و به حداقلی‌ها و مسایل پیش پا افتاده می‌پردازد و به بروزهای فردی دین بها می‌دهد. ماهیت نخبه‌گرایانه و روشنفکرانه ندارد، امکان دین توده‌ای و عامه پسند نیز فراهم می‌شود. این نوع دینداری پیروانی با دغدغه‌هایی معمولی خواهد داشت. افراد مذهبی نیاز به فضا و بستر دینی دارند، حتی اگر در شرایطی مجبور شوند که از تلویزیون استفاده کنند و در خانه بنشینند و در انزوا دعا کنند؛ تلویزیون و رسانه‌های مجازی در این شرایط می‌توانند یکسری آگاهی و شناخت ایجاد کنند و به تولید محتوای متناسب با این فضا بپردازند به طور مثال افرادی مانند فقیهان و مجتهدین یکسری سوالات در رابطه با اعمال دینی را در تلویزیون و دیگر رسانه‌ها پاسخ دهند.

نتیجه‌گیری

بیماری کرونا علاوه بر آن‌که سلامت انسان‌ها را به خطر انداخته در شئون و ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، روانی، دینی و ... چالش‌هایی به دنبال داشته است. کرونا برای باورها و اعتقادات دینی پرسش‌هایی به دنبال داشته است و چالش‌های جدی‌تری را به وجود آورده است.

ضرورت پرداختن به این امر از آن جهت است که چالش‌ها و دغدغه‌هایی در این زمینه وجود دارد که باید بدان‌ها پرداخت. با بررسی ابعاد مختلف این بحران در حوزه دین و تحولاتی که در جهان رخ داده است می‌توان نتیجه گرفت که در جهان پسا کرونا نگاه مساعدتری نسبت به ادیان به وجود آید و برخلاف دیدگاه‌های منفی کرونا باور به اصل دین را نه تنها از بین نبرد بلکه آن را تقویت نمود که البته باید گفت که مردم در بازنگری به دین، باید نگاهی عالمانه و منصفانه داشته باشند و کشف حقیقت را بر دیگر اهداف مقدم بدارد. همچنین پیروان همه ادیان باید به این حقیقت اهمیت بدهند که دین تنها برای پر کردن لحظات خلوت انسان نیست و تنها بعد فردی ندارد و ادیان مسئولیت جدی‌تری دارند که باید آن را مورد توجه قرار داد.

با بررسیها و تحلیل‌ها می‌توان گفت که کرونا در مقابل دین، یک مسئله اصیل نبوده بلکه مسئله اصلی تنهایی و غربت انسان معاصر در عصر علم‌گرایی می‌باشد. همچنین باید خاطر نشان کرد که این دوره، دوره بحران است، شرایط بحرانی ایجاد می‌کند که همه امور دچار تزلزل شوند. خود دانش و معرفت نیز در کنار حوزه دین مسئله دار شد.

بنا بر این بر پایه آنچه گفته شد برخلاف ادعاهای مطرح شده از سوی مخالفان دین، دین‌داری را می‌توان یکی از مهمترین عوامل موفقیت در بحران‌ها دانست که هم بر روح و هم بر جسم تاثیر خواهد داشت.

منابع

کتاب‌ها

- قرآن

- نهج البلاغه

- حسن یوسفیان، کلام جدید، خلاصه‌ی فصل ششم، صص ۱۶۰ - ۱۹۲، انتشارات سمت، چ ۳، ۱۳۹۰ش

- سید محمدحسین طباطبائی، میزان فی تفسیر القرآن بیروت، دارالاعلمی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۲۵۵؛ ج ۱، ص ۴۳ و ۴۷.

- عبدالله جوادی آملی، دین‌شناسی قم، اسراء، ۱۳۸۱ش، فصل پنجم، ص ۱۱۹ و ۱۷۹ / همو، تفسیر موضوعی قرآن کریم (قم، اسراء، ۱۳۷۶) ج ۱۳ «معرفت‌شناسی در قرآن»

- مرتضی مطهری، اسلام و مقتضیات زمان تهران، صدرا، ۱۳۷۰ش، ج ۱، ص ۵۲

- ویلیام جیمز، دین و روان، ترجمه مهدی قائنی، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۲ش، ص ۲۶

سایت

<https://www.khabaronline.ir/news/1378865>

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/2242407/25/01/1399>

<https://iqna.ir/fa/news/3884484>

<https://dmsonnat.ir>

<https://dictionary.abadis.ir/entofa/c/corona>

<https://www.chla.org/blog/health-and-safety-tips/novel-coronavirus-what-you-should-know-farsi>



پدیده کودکان خیابانی و پیشگیری از آن با رویکرد پلیس اسلامی

علیرضا جزینی - محمدعلی فرهادی
چکیده:

زمینه و هدف: پدیده کودکان خیابانی یا بچه های خیابان که از آن به عنوان تراژدی شهری یاد می شود، از جمله معضلات و آسیب های اجتماعی است نقش پلیس بنابر شرایط خاص و شرح وظایف در این امر دارای اهمیت بیشتری است. در این مقاله سعی شده است با جمع آوری اطلاعات و مطالعات در مورد کودکان خیابانی، پیشگیری از این کودکان با رویکرد پلیسی ارائه شود.

روش: تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی است و از نظر ماهیت از نوع پیمایشی است. در انجام این تحقیق از شیوه کتابخانه ای شامل مطالعات داخلی و خارجی و میدانی استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق کارشناسان پلیس و بهزیستی هستند که تعدادشان ۳۵ نفر است و با توجه به حجم جامعه، به صورت تمام شماره ۳۵ نفر در نظر گرفته شده است.

یافته ها: سه مولفه فعال نمودن پلیس کودک، تحرک بخشی سازمان های مربوطه و تغییر رویکرد پلیس در پیشگیری از کودکان خیابانی و پانزده شاخص شناسایی گردید که پس از تأیید روایی و پایایی توسط خبرگان، در طراحی پرسشنامه با طیف پنج گزینه ای لیکرت، مورد آزمون قرار گرفت.

نتایج: با توجه به تجزیه و تحلیل داده ها، فعال نمودن پلیس کودک در پیشگیری از کودکان خیابانی در اولویت قرار گرفت. پلیس با توجه به رسالتی که بر اساس آموزه های دینی و اسلامی و همچنین از سوی قانون در قالب ضابط بودن به عهده دارد، باید اقدامات و تمهیدات خاصی در مواجهه با این موضوع اندیشیده و خود را در امر پیشگیری غنی کند. در این راستا زیرساخت های آنها را طرح ریزی و اجرا نماید. اولین قدم برای تحقق موارد مطرح شده تشکیل پلیس ویژه کودکان و نوجوانان و فعال نمودن آن می باشد که در حال حاضر فاقد این نوع پلیس می باشیم.

کلمات کلیدی: آسیب های اجتماعی - کودکان خیابانی - آموزه های دینی - پیشگیری - رویکرد پلیسی - مقدمه و مساله:

مسائل و آسیب های اجتماعی ناشی از تحول های سریع جوامع انسانی از موضوع های مهمی هستند که همواره ذهن جامعه شناسان و اندیشمندان را به خود مشغول داشته اند (حسینی، ۱۳۸۷: ۴۳).

پدیده کودکان خیابانی یا بچه های خیابان که از آن به عنوان تراژدی شهری یاد می شود، از جمله معضلات و آسیب های اجتماعی است که شهرها بویژه شهرهای به نسبت بزرگ جوامع معاصر، اعم از پیشرفته و در حال توسعه، با آن دست به گریبان هستند (نیازی، ۱۳۸۷: ۱). دستگاه های مختلفی در زمینه پیشگیری از آسیب های اجتماعی فعالیت دارند، که نقش پلیس در این امر دارای اهمیت بیشتری است.

یکی از شاخص های بین المللی توسعه یافتگی شناخته شده از سوی سازمان بهداشت جهانی و سازمان یونسف، چگونگی وضعیت کودکان در آن کشور می باشد که اگر به حال خود رها شوند تا راهشان را خود بیابند، به حقوق مردم نیز تجاوز می شود و آینده کشور را به خطر می اندازد. کودکان و زنان ضعیف و وابسته، کشورها را ضعیف و وابسته می سازند. در عوض زنان و کودکان قدرتمند و بهره مند از حقوقشان، جوامعی خود اتکا و مستقل پدید می آورند (یونسف، ۱۳۸۰: ۶۲). از آن جایی که در دهه های اخیر، گونه های بزه کاری و آسیب های اجتماعی رنگ و شکل پیچیده و نوینی به خود گرفته است، پلیس ناگزیر از توان افزایشی و پیشبرد خود در عرصه های دانشی، بینشی و منشی برای مقابله با این پدیده شوم می باشد. این امر سبب تنوع رویکرد گرایانه مداخله پلیس، در پیشگیری و برخورد با ناهنجاری های اجتماعی شده، اورا وادار می کند تا در هر برهه ای متناسب با شرایط اقدام نماید؛ (پورغلامی، ۱۳۹۶: ۸۳). بنابراین ایجاد تعامل نزدیک و صمیمی با کودکان، و مشارکت با سایر نهادهای دولتی و غیردولتی و توجه خاص به آموزه های اسلامی، ابزاری کارآمد برای ایجاد نظم و پیشگیری از بوجود آمدن آسیب های اجتماعی و در راس آن ساماندهی کودکان خیابانی در جامعه خواهد بود. در این مقاله سعی شده است با جمع آوری اطلاعات و مطالعات در مورد کودکان خیابانی، راهکارهای پیشگیرانه با رویکرد پلیسی ارائه شود.

بیان مساله:

افزایش کودکان خیابانی به عنوان یک آسیب اجتماعی در جوامع مختلف در سال های اخیر به عنوان یک تهدید جدی است. که می تواند به عنوان يك واقعت اجتماعی برای بسیاری از جوامع زاینده نیمه دوم قرن ۲۰ به حساب می آید. در این جریان، هر روز شاهد کودکان بیشتری هستیم که به علل گوناگون، از جمله: وخیم بودن اوضاع اقتصادی و اجتماعی، فقر، بینوایی در حال افزایش، مهاجرت دسته جمعی و بی وقفه روستاییان و افزایش تعداد آنها همراه است، گدایی می کنند، زندگی می کنند و به کارهای پست و غیر قانونی می پردازند، مورد آزار و سوء استفاده قرار می گیرند که صرفاً بعضی از آنها اعلام و آشکار می گردد و بسیاری دیگر مکتوم و پوشیده باقی می ماند در حالیکه این پدیده به گونه ای آشکار در حال رشد و به بسیاری از بی نظمی های اجتماعی، بیماری های فردی، رفتارهای نامناسب، ناهنجاری های اجتماعی و نظایر آن منجر شده و می شود و این دور تسلسل همچنان ادامه پیدا می کند. برابر مطالعات و بررسی های به عمل آمده، حدود ۱۰۰ میلیون کودک خیابانی در دنیا وجود دارد که از میان آنها، حداقل ۴۰ میلیون در آمریکای لاتین هستند. در ایران پدیده نو ظهور و شوم کودکان خیابانی، محصول سیاست گزاران، فقدان برنامه ریزی های مناسب، سوء مدیریت ها، ناهماهنگی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، جمعیتی و... است. که موجب شده ایران نیز مانند بسیاری از کشورهای در حال گذار با حدود بیست هزار کودک خیابانی، در معرض این پدیده ناهنجار قرار گیرد. می توان به این مهم از آن جهت توجه بیشتری نمود که ورود و ظهور جرایم توسط این کودکان به داخل جامعه و کوچه و خیابان خود به خود دخالت و حضور پررنگ پلیس را می طلبد؛ چرا که یکی از وظایف اصلی پلیس ایجاد امنیت و دفاع از آن می باشد. هر آنچه که بخواهد این امر را مختل کند پلیس در مقابل آن ایستاده و آنجاست که نقش مهم پیشگیری در دستور کار قرار می گیرد. پلیس یکی از نهادهای ضروری و لازم در راستای هدایت و پیشگیری از آسیب های اجتماعی کودکان می باشد. یکی از عاملین ناامنی برای خود، خانواده و اجتماع کودکان خیابانی می باشند، که سلامت فعلی و آینده جامعه را به خطری اندازند.

اهمیت و ضرورت تحقیق:

در اسلام و آموزه های دینی تأکید زیادی بر حقوق کودک شده است که بیشترین مسئولیت در قبال کودک، بر دوش والدین است که به آن «حق الولد علی الوالد» می گویند؛ زیرا کودک، برکت خانه و نعمت و حسنه ای است که خداوند به پدر و مادر ارزانی کرده است از این رو، قدر و جایگاه آن را باید بدانیم. (مجله طوبی، ۱۳۸۷). با توجه به اینکه یکی از آسیب های جدی که جوامع در حال توسعه از جمله جامعه ایران را تهدید می کند، گسترش روز افزون کودکان خیابانی است که بدلیل گوناگون بخشی یا همه اوقات خود را در خیابان ها سپری می کنند و عمدتاً از طریق تکدی، بزهکاری، شغل های کاذب فصلی و... امرار معاش می کنند، و قربانی رفتارهای پر خاشگرانه می شوند. (اسماعیل پور، ۱۳۸۳: ۱). ارایه دستاوردهایی که بتواند تا حدودی این موضوع را حل نماید و آسیب ها را کاهش دهد اهمیت تحقیق رانشان می دهد و ضرورت پیشگیری و ساماندهی به این پدیده این است که چنانچه در این زمینه کوتاهی شود و نتوان ساز و کار مناسبی ارایه داد، اتفاقات ناگوارتری رخ خواهد داد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز حقوق تحصیلی برای کودکان و عموم مردم به رسمیت شناخته شده است، چنان که بنا بر اصل سی ام قانون اساسی: «دولت موظف است، وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی: مطابق قانون تشکیل نیروی انتظامی این نیرو در حوزه پیشگیری و مقابله با آسیب های اجتماعی مسئولیت های متعدد و گسترده ای دارد. مطابق ماده ۳ این قانون نیروی انتظامی «مسئولیت استقرار نظم و امنیت و تامین آسایش عمومی و فردی» در زمره اهداف تشکیل این نیرو و همین مضمون به عنوان اولین ماموریت و وظیفه نیرو در صدر ماده ۴ آمده است. همچنین در ردیف های الف تا ه ردیف ۸ ماده ۴ «مبارزه با مواد مخدر» مبارزه با قاچاق «مبارزه با منکرات و فساد»، «پیشگیری از وقوع جرم» و «کشف جرائم» از مسئولیت های ناجا به عنوان ضابط قوه قضائیه است.

براساس آیین نامه ساماندهی کودکان خیابانی موضوع تصویب نامه شماره ۲۲۷۱۷ مورخ ۱۳۸۴/۵/۳ هیات وزیران برقراری امنیت در کلیه مراحل اجرایی (امنیت مراکز و تیم های سیار) تعیین تکلیف کودکان خیابانی بزه کار و و اقدامات لازم برای اجرای تبصره ۲ ماده دو این آیین نامه برعهده ناجاست.

هدف تحقیق:

پدیده کودکان خیابانی و پیشگیری از آن با رویکرد پلیسی است.

سوال تحقیق:

اقدامات پلیسی در پیشگیری از کودکان خیابانی چگونه باید باشد؟

سؤالات فرعی:

۱- تحرک بخشی سازمان های مربوط به ساماندهی کودکان خیابانی توسط پلیس به چه میزان تاثیر دارد؟

۲- تغییر رویکرد پلیس در مواجهه با کودکان خیابانی به چه میزان تاثیر دارد؟

۳- فعال نمودن پلیس کودکان به چه میزان در پیشگیری تاثیر دارد؟

فرضیه:

پیشینه پژوهش

با بررسی های به عمل آمده، پژوهشی با موضوع ذکر شده انجام نشده، اما در حوزه موضوعی مرتبط، پژوهش هایی به شرح زیر انجام گرفته است. سلیمی (۱۳۹۵) در رساله دکتری خود با عنوان «مدیریت الگوی پیشگیری اجتماعی نیروی انتظامی از بزهکاری نوجوانان» به این نتیجه رسیده که: بعد کارکردی از اولویت بالاتری نسبت به بعد ساختاری برخوردار است و شاخص های محله محوری و خانواده در بعد کارکردی و شاخص های راهبرد، پیچیدگی و رسمیت در بعد ساختاری بالاترین اولویت را دارا هستند.

محمدی (۱۳۹۴) در مقاله خود با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر بروز پدیده کودکان خیابانی و راهکارهای مقابله با آن» نتیجه گیری نموده که: به منظور حل معضل کودکان خیابانی راهکارهایی وجود دارند که از آن جمله می توان به آموزش اجباری همراه با حمایت های دولت و مردم، تأمین معاش، کاهش هزینه های تحصیلی و زیست محیطی، تشکیل سازمان ها و نهادهای رسمی متولی رسیدگی به وضع تربیت، اشتغال و تحصیل این کودکان و بررسی سطوح طبقات زیر خط فقر.

سجادی (۱۳۸۹) در پایان نامه خود تحت عنوان «بررسی عملکرد پلیس در پیشگیری از جرایم نوجوانان و کودکان شهر مشهد» یافته های وی مبنی بر همکاری و تعامل با آموزش و پرورش، صدا سیما و همچنین تشکیل پلیس ویژه نوجوانان را مورد پیشنهاد قرار داده است

فتح الهی (۱۳۸۸) در تحقیق خود، با عنوان «پلیس و شیوه های نوین پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان» به این نتیجه رسیده که: سازمان پلیس به عنوان مسئول مستقیم و متولی اصلی اجرای برنامه های مبارزه با بزهکاری در اجتماع می باشد.

وامقی (۱۳۸۴) در تحقیقی با عنوان «کودکان خیابانی و رویکردهای دولتی» نشان داده بود که با وجود آنکه گرایش به تغییر در سیاست های دولتی در خصوص کودکان خیابانی، جمع آوری کودکان خیابانی به مراکز و تفکیک کودکان کار خیابانی از کودکان خیابان وجود دارد اما عدم توجه به علل زمینه ای، ضعف نظام و ساختار سیستم دولتی در جلب اعتماد کودکان برای جذب به مراکز، ضعف در ارائه خدمات به کودکان کار خیابانی و پیگیری وضعیت کودکان پس از ترخیص از مراکز همچنان وجود دارد. وی در این تحقیق نتیجه گرفت که کاهش مشکل کودکان خیابانی نیازمند برنامه های معطوف به کاهش علل موجد این پدیده، ارزیابی برنامه های موجود و ارتقای آنهاست.

صالح (۱۳۷۹) در بررسی خود تحت عنوان «بررسی مقایسه ای ویژگیهای شناختی، رفتاری و اجتماعی کودکان خیابانی و شبانه روزی تهران در سال ۱۳۷۹ که به شیوه تحقیق شبه تجربی و در قالب توصیفی و استنباطی انجام گرفته نشان می دهد که میانگین نمرات شناختی کودکان خیابانی در سطح شهر از میانگین نمرات کودکان شبانه روزی کمتر است و در سطح ویژگیهای اجتماعی بین میانگین نمرات کودکان خیابانی و شبانه روزی در مقیاس رشد اجتماعی و انیلهند تفاوت وجود دارد. یعنی اینکه کودکان خیابانی نسبت به کودکان شبانه روزی از چهره اجتماعی پایین تری برخوردارند.

تحقیقات خارجی:

بارون و کندلی ا، (۱۹۹۸) مطالعه ای در خصوص بررسی اثرات تهدید مجازات رسمی بر رفتار مجرمانه جوانان خیابانی و مطرود انجام دادند تا دریابند که چگونه این تهدیدها تحت تاثیر فعالیتهای زندگی کودکان خیابانی و سایر عوامل مربوط به آن قرار می گیرد. نتایج مطالعه آنها نشان می دهد در حالیکه بسیاری از جوانان خیابانی از هنجارها و قواعد رسمی می ترسند، اما متخلفین حرفه ای و با سابقه، ترسی از این قواعد و مقررات ندارند و عموماً ترسشان به وسیله عواملی چون فقر، مصرف مواد، ارتباط با دوستان مجرم و خلافکار و فشارهای هنجاری نادرست کاهش می یابد.

ادبیات تحقیق:

تعریف کودکان کار و خیابان و ابهامات آن یکی از محورهای اساسی در بررسی تمامی ابعاد بررسی این پدیده است. زیرا تبیین مسئله، نحوه برخورد با مسئله و راهکارهای مداخله گرانه و پیشگیرانه در رابطه با این پدیده را تحت تأثیر قرار می دهد. بررسی مطالعات موجود نشان میدهد کاربرد اصطلاح کودکان خیابانی نزد محققان و محافل علمی، روزنامه نگاران و رسانه ها، انجمن های خیریه و سازمانهای غیردولتی، مؤسسه های رفاهی، دولتمردان و سازمانهای بین المللی با معانی مختلف و اغلب مبهمی همراه است (حسینی، ۱۳۸۵: ۱۴) در پروژه سازمان بهداشت جهانی (۱۹۹۳) برای کودکان خیابانی، چهار گروه با مشخصه های زیر به عنوان کودکان خیابانی معرفی شده اند:

۱- کودکانی که در خیابان زندگی می کنند و اولین نگرانی آنها زنده ماندن و داشتن سرپناه است.

۲- کودکانی که از خانوادگی خود جدا افتاده و موقتی در مأمنی مانند خانه های متروکه، سایر ساختمان ها، پناهگاه ها و سرپناه ها زندگی می کنند و یا از منزل یک دوست به منزل یک دوستی دیگر می روند.

۳- کودکانی که تماس خود را با خانواده حفظ می کنند ولی به علت فقر، پرجمعیت بودن خانواده و یا سوءاستفاده های جنسی و جسمی از آنان در خانواده، بعضی شبها و اکثر ساعات روز را در خیابانها سپری می کنند.

۴- کودکانی که در مراکز ویژه نگهداری می شوند، اما قبلاً در وضعیت بی خانمانی به سر برده اند و در معرض خطر بازگشت به همان وضعیت هستند (حسینی، ۱۳۸۵: ۱۴).

کودک خیابانی: براساس ماده یک پیمان نامه حقوق کودک، به افرادی اطلاق می شود که زیر ۱۸ سال می باشند، در خیابان زندگی و کار می کنند. خانواده ندارند و یا امکان دسترسی به خانواده برخی از آنها وجود ندارد و بازگشت آنها نیز به خانواده امکان دارد و خانواده نیز منتظر بازگشت آنها است و همینطور کودکانی که خانواده منتظر آنان نمی باشد (ملکی، ۱۳۸۵: ۳).



در تعریفی دیگر، کودکان و نوجوانان خیابانی کسانی هستند که بنا به دلایل مختلف اعم از عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی جهت تامین حیات و بقاء خود و یا خانواده شان از خانه و خانواده بیرون آمده اند و به سطوح شهر و ترجیحاً خیابان ها و پارک ها و ... جهت کار و زندگی روی آورده اند که برخی از آنها به شکل های مختلف در ارتباط با فاقد ارتباط با خانواده خویش می باشند (ملکی، ۱۳۸۵: ۵).

از پذیرفته شده ترین تعاریف و طبقه بندی های کودکان خیابانی، تعریفی است که یونیسف در سال ۲۰۰۳ از کودکان خیابانی به عمل آورد و آنان را به دو گروه تقسیم کرد:

الف: کودکان در خیابان: این گروه کودکان شاغل در خیابان هستند. این کودکان از خانواده های کم درآمد و پرجمعیت آمده اند و علت بودن آنان در خیابان، کسب درآمد است. در این گروه، احساس تعلق به خانواده وجود دارد اما میزان این ارتباط متفاوت می باشد و ممکن است چندبار در سال باشد. برخی از این کودکان به مدرسه می روند و هرچند ممکن است در فضای روابط درون خیابان درگیر مشکل هایی مانند مصرف مواد مخدر و رفتارهای خلاف قانون شوند اما به طور کلی، رفتارهای مجرمانه محدودی نسبت به گروه دوم دارند.

ب: کودکان خیابان: این گروه از کودکان هر چند فشرک و چکتری از کودکان خیابانی را تشکیل می دهند اما مشکل آنان نسبت به گروه اول بسیار پیچیده تر است. برای این گروه از کودکان خیابانی، خیابان به منزله خانه می باشد. آنان در خیابان در پی سرپناه و غذا هستند و دیگر افراد خیابانی برای آنان حکم خانواده را پیدا کرده اند. این کودکان با مدرسه بیگانه اند و ممکن است در شرایط ناامن، قربانی آزار جسمی و جنسی شوند. بسیاری از کودکان این گروه مورد سوءاستفاده گروه های غیرقانونی و تبهکار قرار گرفته اند و از آنان در قاچاق و توزیع مواد مخدر، دزدی و سایر فعالیت های خلاف قانون مانند پورنوگرافی (هرزه گری) و تجارت جنسی کودکان استفاده می شود. (شاوردی، ۱۳۸۳: ۱۱).

در ماده یک فصل اول آیین نامه ساماندهی کودکان خیابانی مصوب (۱۳۸۴) هیئت وزیران نیز، کودک خیابانی فرد کمتر از ۱۸ سال تمام است که به صورت محدود یا نامحدود در خیابان به سر می برد، اعم از کودکی که هنوز با خانواده خود تماس دارد. و از سرپناه برخوردار است یا کودکی که خیابان را خانه خود می داند و ارتباط او با خانواده به حداقل می رسد و یا اساساً چنین ارتباطی وجود ندارد. و خیم تر شدن اوضاع اقتصادی، اجتماعی، فقر، بینوایی در حال افزایش، مهاجرت دسته جمعی و بی وقفه روستاییان عوامل اصلی افزایش تعداد کودکان خیابانی است. (یونیسف، ۱۳۸۰: ۶۲). نتایج تحقیق ها نشان می دهند که با توجه به ارزش ها فرهنگ و شرایط مختلف کشورها، این تعاریف از کشوری به کشور دیگر متفاوت هستند. چند واژه مختلف در زمینه کودکان خیابانی در ادبیات این موضوع و در تحقیق هایی که در سطح بین المللی در کشورهای مختلف انجام شده اند، وجود دارند که اپوکو (۱۹۹۶) دسته بندی آنها را بدین گونه قرار داده است: عوامل خیابانی شدن کودکان:

بسیاری از صاحب نظران معتقدند که علت اصلی حضور بیشتر کودکان در خیابان، مشکل اقتصادی است. به اعتقاد این گروه از صاحب نظران، علت اصلی حضور کودکان در خیابان انجام کار و کسب درآمد است. به طور مثال اوجانگا (۱۹۹۰) در تحقیقی نشان داد که حضور کودکان در خیابان به سبب فقر و نیاز خانواده به درآمدی است که این کودکان کسب می کنند (افشانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۰). لاسک نیز در مطالعه ای که در خصوص کودکان خیابانی در کشورهای مختلف امریکای لاتین از جمله برزیل، کلمبیا، اکوادور و پرو انجام داد، در مصاحبه با صدها کودک خیابانی، بارها این مفهوم را از کودکان شنید که آنان برای کار کردن و پول درآوردن در خیابان هستند چرا که خانواده پول کافی ندارد (واقعی، ۱۳۹۰: ۱۳۸). با وجود این، همه مطالعات از فرضیه فقر پیشینیانی نمی کنند و علل دیگری را نیز در این مسئله مهم می دانند. آپتکار معتقد است برای درک این که چرا کودکان خیابانی می شوند، همواره باید وضعیت روانشناختی کودکان و خانواده های آنان، درک از زندگی در خیابان و درجه وجود فرهنگ کودک خیابانی را در نظر گرفت.

دیدگاه دیگر نظریه بی سازمانی اجتماعی است که در بررسی مسائل و آسیب های اجتماعی به شرایطی توجه دارد که به از هم گسیختگی، ضعف، تناقض و ناکارآمدی قواعد، هنجارها و ساخت های اجتماعی منجر می شوند. نظریه بی سازمانی اجتماعی نقش عوامل ساختاری را که مانع انطباق و سازگاری گروه ها و قشرهای اجتماعی یا خرده نظام ها و نهادهای جامعه با تغییرهای اجتماعی و محیطی سریع می شوند را بررسی می کند. طبق این نظریه می توان فرض کرد که کودکان خیابانی انعکاسی از شرایط زیست اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قشرهای ته بدست و آسیب پذیر است که نتوانسته اند در جریان مواجهه با تحول های اجتماعی، با شرایط موجود انطباق یابند. (حسینی، ۱۳۸۴: ۱۵۷).

پیشگیری:

واژه پیشگیری در منابع مختلف جلوگیری، دفع، میانیت، مانع شدن و جلوگیری و جلوگیری شده است (فرهنگ معین: ۱۳۶۰) اقدامات احتیاطی برای جلوگیری از اتفاقات بد و ناخواسته هم به معنای پیش دستی کردن، پیشی گرفتن و پیشگیری یا جلوگیری کردن، جلوی چیزی رفتن و هم به معنی آگاه کردن و هشدار دادن است (زینالی، ۱۳۸۱: ۹۹). کارکرد پیشگیری از جرم در این است که ابزار و فرصت ارتکاب جرم را از مجرم سلب می کند. توجه به مثلث جرم می تواند به درک این موضوع کمک کند. برای ارتکاب جرم، سه عامل باید جمع شوند. مهم ترین آنها که قاعده مثلث جرم را هم تشکیل می دهد، انگیزه مجرمانه است. انگیزه باعث بیدار شدن میل درونی در افراد و به تبع آن قصد مجرمانه می شود. برای از بین بردن این عامل، ضروری است تدابیر پیشگیرانه لازم اتخاذ شود؛ اما اگر به هر دلیل مجرمان واجد انگیزه شدند، باید از اجتماع دو ضلع دیگر این مثلث، یعنی فرصت و ابزار ارتکاب جرم جلوگیری کرد. (صفاری، ۱۳۸۰: ۲۹۲).

پلیس و کودکان خیابانی:

در قانون آیین دادرسی کیفری نیز، به استناد ماده ۱۳، تشکیل پلیس ویژه کودکان و نوجوانان در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به منظور حسن اجرای وظایف ضابطان در مورد اطفال و نوجوانان، الزامی و مقرر شد با تشکیل این پلیس، وظایف و اختیارات آن به موجب لایحه ای توسط رییس قوه قضاییه تهیه شود. بنابراین رفتار ماموران پلیس و ورود کودکان و نوجوانان به نظام رسمی رسیدگی نتایج و پیامدهای منفی بسیاری دارد، بابدنامی بزهکار و برچسب بد و ننگین که بر پیشانی وی می چسبد، احساس حقارت و تحقیر ناشی از تحمل کیفر. در نظام عدالت کیفری، حداقل نتایج و پیامدهای منفی کیفر محسوب می شود تا مدت ها جامعه به او اعتماد نخواهد کرد و فرد برچسب منحرف خورده، خود را بریده شده از تعامل اجتماعی طبیعی می بیند و در نتیجه مشارکت در جامعه را در خرده فرهنگ های منحرف جستجو می کند، یعنی جایی که به موقعیت منحط آنها به دیده یک ویژگی مثبت نگریسته می شود، نه منفی. (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۷۷: ۳۰۵-۳۰۶).

امروزه اهمیت پیشگیری از جرایم اطفال و کودکان خیابانی برهمگان مشخص شده است که بهتر است از پیدایش وقوع جرم پیشگیری شود. بسیاری از کشورها در صدد برآمدن با تصویب قوانین و تاسیس نهادها و سازمان ها که وظایفشان بصورت ذاتی یا تلویحی پیشگیری از جرم می باشد، اقدام نمایند. آنچه که مهم است میزان اقدامات کشورها در زمینه پیشگیری از آسیب اجتماعی تحت عنوان کودکان خیابانی توسط پلیس می باشد، که به عنوان نمونه در برخی کشورها توضیح داده می شود

۱- آمریکا: تعامل و همکاری پلیس با نهادها و سازمان های مربوطه - اقدام بر اساس پیشگیری، مداخله و مسئولیت پذیری، پلیس ویژه جوانان و ..

۲- کانادا: تعامل و همکاری با مدارس، والدین و سایر سازمان ها - برگزاری کلاس های آموزشی برای اولیا و دانش آموزان - تشکیل افسران مدارس - ایجاد بازی های آموزشی و ..





در تعریفی دیگر، کودکان و نوجوانان خیابانی کسانی هستند که بنا به دلایل مختلف اعم از عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی جهت تامین حیات و بقاء خود و یا خانواده شان از خانه و خانواده بیرون آمده اند و به سطوح شهر و ترجیحاً خیابان ها و پارک ها و ... جهت کار و زندگی روی آورده اند که برخی از آنها به شکل های مختلف در ارتباط با فاقد ارتباط با خانواده خویش می باشند (ملکی، ۱۳۸۵: ۵).

از پذیرفته شده ترین تعاریف و طبقه بندی های کودکان خیابانی، تعریفی است که یونیسف در سال ۲۰۰۳ از کودکان خیابانی به عمل آورد و آنان را به دو گروه تقسیم کرد:

الف: کودکان در خیابان : این گروه کودکان شاغل در خیابان هستند. این کودکان از خانواده های کم درآمد و پرجمعیت آمده اند و علت بودن آنان در خیابان، کسب درآمد است. در این گروه، احساس تعلق به خانواده وجود دارد اما میزان این ارتباط متفاوت می باشد و ممکن است چندبار در سال باشد. برخی از این کودکان به مدرسه می روند و هرچند ممکن است در فضای روابط درون خیابان درگیر مشکل هایی مانند مصرف مواد مخدر و رفتارهای خلاف قانون شوند اما به طور کلی، رفتارهای مجرمانه محدودی نسبت به گروه دوم دارند.

ب: کودکان خیابان : این گروه از کودکان هر چند فشرک و چکتری از کودکان خیابانی را تشکیل می دهند اما مشکل آنان نسبت به گروه اول بسیار پیچیده تر است. برای این گروه از کودکان خیابانی، خیابان به منزله خانه می باشد. آنان در خیابان در پی سرپناه و غذا هستند و دیگر افراد خیابانی برای آنان حکم خانواده را پیدا کرده اند. این کودکان با مدرسه بیگانه اند و ممکن است در شرایط ناامن، قربانی آزار جسمی و جنسی شوند. بسیاری از کودکان این گروه مورد سوءاستفاده گروه های غیرقانونی و تبهکار قرار گرفته اند و از آنان در قاچاق و توزیع مواد مخدر، دزدی و سایر فعالیت های خلاف قانون مانند پورنوگرافی (هرزه گری) و تجارت جنسی کودکان استفاده می شود. (شاوردی، ۱۳۸۳: ۱۱).

در ماده یک فصل اول آیین نامه ساماندهی کودکان خیابانی مصوب (۱۳۸۴) هیئت وزیران نیز، کودک خیابانی فرد کمتر از ۱۸ سال تمام است که به صورت محدود یا نامحدود در خیابان به سر می برد، اعم از کودکی که هنوز با خانواده خود تماس دارد. و از سرپناه برخوردار است یا کودکی که خیابان را خانه خود می داند و ارتباط او با خانواده به حداقل می رسد و یا اساساً چنین ارتباطی وجود ندارد. و خیم تر شدن اوضاع اقتصادی، اجتماعی، فقر، بینوایی در حال افزایش، مهاجرت دسته جمعی و بی وقفه روستاییان عوامل اصلی افزایش تعداد کودکان خیابانی است. (یونیسف، ۱۳۸۰: ۶۲). نتایج تحقیق ها نشان می دهند که با توجه به ارزش ها فرهنگ و شرایط مختلف کشورها، این تعاریف از کشوری به کشور دیگر متفاوت هستند. چند واژه مختلف در زمینه کودکان خیابانی در ادبیات این موضوع و در تحقیق هایی که در سطح بین المللی در کشورهای مختلف انجام شده اند، وجود دارند که اپوکو (۱۹۹۶) دسته بندی آنها را بدین گونه قرار داده است: عوامل خیابانی شدن کودکان:

بسیاری از صاحب نظران معتقدند که علت اصلی حضور بیشتر کودکان در خیابان، مشکل اقتصادی است. به اعتقاد این گروه از صاحب نظران، علت اصلی حضور کودکان در خیابان انجام کار و کسب درآمد است. به طور مثال اوجانگا (۱۹۹۰) در تحقیقی نشان داد که حضور کودکان در خیابان به سبب فقر و نیاز خانواده به درآمدی است که این کودکان کسب می کنند (افشانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۰). لاسک نیز در مطالعه ای که در خصوص کودکان خیابانی در کشورهای مختلف امریکای لاتین از جمله برزیل، کلمبیا، اکوادور و پرو انجام داد، در مصاحبه با صدها کودک خیابانی، بارها این مفهوم را از کودکان شنید که آنان برای کار کردن و پول درآوردن در خیابان هستند چرا که خانواده پول کافی ندارد (واقعی، ۱۳۹۰: ۱۳۸). با وجود این، همه مطالعات از فرضیه فقر پیشتیبانی نمی کنند و علل دیگری را نیز در این مسئله مهم می دانند. آپتکار معتقد است برای درک این که چرا کودکان خیابانی می شوند، همواره باید وضعیت روانشناختی کودکان و خانواده های آنان، درک از زندگی در خیابان و درجه وجود فرهنگ کودک خیابانی را در نظر گرفت.

دیدگاه دیگر نظریه بی سازمانی اجتماعی است که در بررسی مسائل و آسیب های اجتماعی به شرایطی توجه دارد که به از هم گسیختگی، ضعف، تناقض و ناکارآمدی قواعد، هنجارها و ساخت های اجتماعی منجر می شوند. نظریه بی سازمانی اجتماعی نقش عوامل ساختاری را که مانع انطباق و سازگاری گروه ها و قشرهای اجتماعی یا خرده نظام ها و نهادهای جامعه با تغییرهای اجتماعی و محیطی سریع می شوند را بررسی می کند. طبق این نظریه می توان فرض کرد که کودکان خیابانی انعکاسی از شرایط زیست اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قشرهای ته بدست و آسیب پذیر است که نتوانسته اند در جریان مواجهه با تحول های اجتماعی، با شرایط موجود انطباق یابند. (حسینی، ۱۳۸۴: ۱۵۷).

پیشگیری:

واژه پیشگیری در منابع مختلف جلوگیری، دفع، میانیت، مانع شدن و جلوگیری و جلوگیری شده است (فرهنگ معین: ۱۳۶۰) اقدامات احتیاطی برای جلوگیری از اتفاقات بد و ناخواسته هم به معنای پیش دستی کردن، پیشی گرفتن و پیشگیری یا جلوگیری کردن، جلوی چیزی رفتن و هم به معنی آگاه کردن و هشدار دادن است (زینالی، ۱۳۸۱: ۹۹). کارکرد پیشگیری از جرم در این است که ابزار و فرصت ارتکاب جرم را از مجرم سلب می کند. توجه به مثلث جرم می تواند به درک این موضوع کمک کند. برای ارتکاب جرم، سه عامل باید جمع شوند. مهم ترین آنها که قاعده مثلث جرم را هم تشکیل می دهد، انگیزه مجرمانه است. انگیزه باعث بیدار شدن میل درونی در افراد و به تبع آن قصد مجرمانه می شود. برای از بین بردن این عامل، ضروری است تدابیر پیشگیرانه لازم اتخاذ شود؛ اما اگر به هر دلیل مجرمان واجد انگیزه شدند، باید از اجتماع دو ضلع دیگر این مثلث، یعنی فرصت و ابزار ارتکاب جرم جلوگیری کرد. (صفاری، ۱۳۸۰: ۲۹۲).

پلیس و کودکان خیابانی:

در قانون آیین دادرسی کیفری نیز، به استناد ماده ۱۳، تشکیل پلیس ویژه کودکان و نوجوانان در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به منظور حسن اجرای وظایف ضابطان در مورد اطفال و نوجوانان، الزامی و مقرر شد با تشکیل این پلیس، وظایف و اختیارات آن به موجب لایحه ای توسط رییس قوه قضاییه تهیه شود. بنابراین رفتار ماموران پلیس و ورود کودکان و نوجوانان به نظام رسمی رسیدگی نتایج و پیامدهای منفی بسیاری دارد، بابدنامی بزهار و برچسب بد و ننگین که بر پیشانی وی می چسبد، احساس حقارت و تحقیر ناشی از تحمل کیفر. در نظام عدالت کیفری، حداقل نتایج و پیامدهای منفی کیفر محسوب می شود تا مدت ها جامعه به او اعتماد نخواهد کرد و فرد برچسب منحرف خورده، خود را بریده شده از تعامل اجتماعی طبیعی می بیند و در نتیجه مشارکت در جامعه را در خرده فرهنگ های منحرف جستجو می کند، یعنی جایی که به موقعیت منحط آنها به دیده یک ویژگی مثبت نگریسته می شود، نه منفی. (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۷۷: ۳۰۵-۳۰۶).

امروزه اهمیت پیشگیری از جرایم اطفال و کودکان خیابانی برهمگان مشخص شده است که بهتر است از پیدایش وقوع جرم پیشگیری شود. بسیاری از کشورها در صدد برآمدن دتا با تصویب قوانین و تاسیس نهادها و سازمان ها که وظایفشان بصورت ذاتی یا تلویحی پیشگیری از جرم می باشد، اقدام نمایند. آنچه که مهم است میزان اقدامات کشورها در زمینه پیشگیری از آسیب اجتماعی تحت عنوان کودکان خیابانی توسط پلیس می باشد، که به عنوان نمونه در برخی کشورها توضیح داده می شود

۱- آمریکا: تعامل و همکاری پلیس با نهادها و سازمان های مربوطه - اقدام بر اساس پیشگیری، مداخله و مسئولیت پذیری، پلیس ویژه جوانان و ..

۲- کانادا: تعامل و همکاری با مدارس، والدین و سایر سازمان ها - برگزاری کلاس های آموزشی برای اولیا و دانش آموزان - تشکیل افسران مدارس - ایجاد بازی های آموزشی و ..



مبانی نظری:

تئوریهای جامعه‌شناسی (با توجه به تعلق هر کدام از آنها به مکاتب گوناگون) افق جدیدی را در این زمینه پیش رویمان باز خواهند نمود که در این بخش به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم.

- نظریه یادگیری اجتماعی:

نظریه یادگیری اجتماعی، کج رفتاری را نتیجه یادگیری هنجارها و ارزش‌های انحرافی به ویژه در چارچوب خرده فرهنگ‌ها و گروه‌های همسالان می‌داند. سادرلند به عنوان مهمترین نظریه پرداز این چارچوب، معتقد است که افراد به این علت کج رفتار می‌شوند که تعداد تماس‌های غیر انحرافی شان زیاد است. از دید سادرلند، جنایت و انحراف از طریق انتقال فرهنگی در گروه‌های اجتماعی رخ می‌دهد. البته نظریه سادرلند تکمیل کننده نظریه شاو و مک کی می‌باشد که مساله یادگیری در محیط اجتماعی آلوده به فساد را مطرح می‌کند (ممتاز، ۱۳۸۱: ۸۹-۹۰). سادرلند در سطح تعامل اجتماعی مدعی شد که افراد به همان شیوه‌ای که یاد می‌گیرند از قوانین تبعیت کنند، به همان شیوه هم یاد می‌گیرند که کج رفتار شوند (سروستانی، ۱۳۸۳: ۱۶).

نظریه کنترل (پایش اجتماعی):

پایش اجتماعی را از مهم ترین مباحث اجتماعی می‌دانند. برخی تا آنجا پیشرفته اند که نه تنها تمامی جامعه شناسی، بلکه علوم اجتماعی را مباحثی در حوزه پایش اجتماعی می‌دانند. پایش اجتماعی با اولین گام‌های انسان‌ها به سوی تکوین جامعه پدید می‌آید و هیچ جامعه‌ای از آن روی گردان نیست. از آنجا که جامعه یا گروه اجتماعی همواره در صدد است حتی ناپیداترین رفتار انسانی را در پایش خویش درآورد، پس سخن نه در لزوم یا عدم لزوم پایش اجتماعی است، بلکه در حدود آن، شیوه‌ها و روش‌های اعمال شده از جانب جامعه در راه تحقق آن و انواع آن است. یکی از شیوه‌های اساسی پایش اجتماعی، آموزش رفتار اجتماعی از آغاز کودکی است. با این شیوه، هنجارها، قواعد و الگوهای اجتماعی در اعماق ذهن انسان‌ها جای می‌گیرد (ساروخانی، ۱۳۷۹: ۸۳). فرض اصلی در این نظریه آن است که افراد به طور طبیعی تمایل به کج رفتاری دارند و اگر تحت پایش قرار نگیرند، چنین می‌کنند و کج رفتاری اشخاص بیش از آنکه ناشی از نیروهای محرک به سوی ناهنجاری باشد، محصول عدم ممانعت است (سروستانی، ۱۳۸۳: ۱۱۹). نظریه پایش اجتماعی کج رفتاری را نتیجه نبود نظارت اجتماعی می‌داند.

نظریه فشار ساختاری:

بر اساس این نظریه، فشار اجتماعی سبب کج رفتاری افراد می‌شود. مرتن معتقد است هنگامی که بین اهداف نهادی شده و وسایل نهادی شده برای نیل به آنها، هماهنگی وجود دارد و بیشتر افراد جامعه برای دستیابی به اهداف و ارزش‌های نهادی شده، طبق هنجارهای مقرر یا وسایل نهادی شده عمل می‌کنند، شیوه‌های انطباق فردی یا مسائل و آسیب‌های اجتماعی وجود ندارد یا بسیار محدود است. اما هنگامی که تبلیغ و تأکید فراوانی، در مورد اهداف نهادی شده به وسیله نظام جامعه پذیر می‌شود و سطح توقع‌های مردم برای دستیابی به تحریک اجتماعی افزوده شده است اما وسایل و شیوه‌های نهادی شده برای نیل به این اهداف فراهم نیست یا این شیوه‌های نهادی شده برای همگان قابل دسترسی نیست، عدم تعادل ساختاری، بی سازمانی اجتماعی و شیوه‌های انطباق فردی نمود می‌یابد (اسکیدمور، ۱۳۷۴: ۱۶۲). این وضعیت در جوامع در حال توسعه که نیروی انسانی به عنوان محرک توسعه در نظر گرفته می‌شود، فشار بیشتر و در نتیجه، بی سازمانی اجتماعی، آنومی و رفتارهای انحرافی بیشتر به وجود می‌آورد (معمدی، ۱۳۸۷: ۶۲).

نظریه اصالت ساخت و کارکرد:

این نظریه جامعه را یک نظام پیوند خورده و منسجم در نظر می‌گیرد که از طریق ارزش‌های مشترک و توافق جمعی مردم در مورد آنها ثبات خود را حفظ می‌کند. این نظریه به چگونگی شکل گرفتن الگوی نقش‌ها، پایگاه‌ها، سازمان‌ها و نهادها توجه دارد و می‌خواهد بداند که از طریق کارکرد این ابعاد چگونه نظام اجتماعی حفظ می‌شود و دوام می‌آورد. از این دیدگاه‌های اجتماعی با یکدیگر رابطه دارند و در تغییری که در هر یک از آنها پدید آید مابقی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دور کیم از جمله نظریه پردازان قرن ۱۹ است که بر تحلیل کج رفتاری‌ها از دیدگاه جامعه‌شناسی پرداخته است و قانون توجه خود را تغییر ساخت اجتماعی از حالت انسجام مکانیکی به انسجام اورگانیکی قرار می‌دهد. بر این عقیده است که کج رفتاری هر چند در همه جوامع اتفاق می‌افتد اما شکل مدرن آن خاص جامعه مدرن با انسجام اورگانیکی است که عمدتاً در قالب حالت آنومی به عنوان یک بیماری مدرن ظاهر می‌شود. یعنی رشد سریع اقتصاد مدرن بدون رشد نیروهای تنظیم‌کننده آن واقع شده است. کج رفتاری از دیدگاه دور کیم عملی است که «بعضی از احساسات جمعی را جریحه دار می‌کند» (ممتاز، ۱۳۸۱: ۵۱).

رویکرد تضاد:

این رویکرد موضوع آسیب‌ها و کج رفتاری‌ها را بیشتر به شکل طبقاتی می‌بیند و ریشه آن را در قشر بندی جامعه جستجو می‌کند. عده‌ای اندک ثروت جامعه را در دست دارند و در عمل گروه‌های قدرتمند تمایل‌های خاص اقتصادی و سیاسی دارند و قدرتمندان قوانین را با معیارهای طرف داری از منافع طبقاتی خود به تصویب

می‌رسانند (اکبری و اکبری، ۱۳۹۰: ۹۵). طبق این رویکرد، فقر و شرایط اقتصادی علت اصلی پدیده کودکان خیابانی است.

کارکرد پلیس ترمیمی در رویکرد عدالت ترمیمی:

روند شکل‌گیری رفتار افتراقی و سیاست جنایی متناسب با بزهکاری کودکان و نوجوانان با ظهور مکاتب جرم‌شناختی موسوم به «جرم‌شناسی‌های واکنش اجتماعی» سرعت بیشتری به خود گرفت؛ این مکاتب ضرورت کاستن از مداخله نظام کیفری در سرکوب جرایم و استفاده از راهکارهای قضازدایی، جرم‌زدایی، کیفرزدایی را در قبال کودکان و نوجوانان روشن ساخت. (عباچی، ۱۳۸۰: ۱۰). به گونه‌ای که در هر مرحله از تصمیم‌گیری از زمان مداخله نیروی پلیس تا مداخله نهادهای مربوط به دادرسی از قبیل دادگاه‌ها و دادسراها، هیئت‌های مشاوران می‌توانند مسیر و فرآیند کیفری را برای استفاده از فرآیندهای دیگر منحرف کنند؛ از جمله این فرآیندها روش‌های ترمیمی است که از طریق اعمال این روش‌ها و قضازدایی به اصلاح و تربیت و بازگشت کودک و نوجوان بزهکار به جامعه اقدام شود. (عباچی، ۱۳۸۰: ۱۲۶).

روش تحقیق:

تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی است و از نظر ماهیت از نوع پیمایشی است. در انجام این تحقیق از شیوه کتابخانه‌ای شامل مطالعات داخلی و خارجی و میدانی استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق کارشناسان پلیس و بهزیستی که تعدادشان ۳۵ نفر است و با توجه به حجم جامعه، حجم نمونه به صورت تمام شماره ۳۵ نفر در نظر گرفته شده است. نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده انجام شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسش‌نامه ۱۵ سوالی پنج‌گزینه‌ای لیکرت محقق ساخته استفاده شد. برای افزایش روایی از پیش‌آزمون استفاده شد. ابتدا پرسش‌نامه میان ۸ تن از خبرگان جامعه آماری توزیع و دیدگاه اصلاحی آنان اعمال و پس از آن بصورت نهایی توزیع شد. برای آزمون پایایی و اعتبار از روش محاسبه آلفای کرونباخ استفاده شده است؛ مقدار آلفای کرونباخ پرسشنامه با استفاده از نرم افزار SPSS/۷۵ به دست آمد؛ که عدد مطلوب و قابل قبولی است.

یافته های تحقیق

الف-آزمون فرضیات: باتوجه به بهره گیری از نظرات تعداد ۳۵ نفر جامعه نمونه از کارشناسان پلیس و بهزیستی که به صورت تمام شمار و به طور جداگانه انتخاب و در قالب پرسشنامه ۱۵ سوالی باطیف لیکرت موردسنجش واقع و با استفاده از آزمون فریدمن رتبه بندی شده به شرح زیر می باشد:

جدول (۱)- تحرک بخشی سازمان های مربوط به ساماندهی کودکان خیابانی توسط پلیس به چه میزان تاثیر دارد؟

سطح معناداری B آماره ضریب استاندارد Beta ضریب غیر استاندارد

خطای استاندارد B خطای استاندارد B

۰.۰۰۰ . ۰.۴۳۹۹۳۰۵ . ۰.۳۸۲ . ۰.۱۶۴۶۶

باتوجه به جدول فوق و ضریب رگرسیونی استاندارد شده برای متغیر مذکور (۰/۳۹۹) در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ و با اطمینان ۹۵% معنی دار است بنابراین می توان گفت متغیر تحرک بخشی سازمان های مربوط به ساماندهی کودکان خیابانی توسط پلیس تأثیر دارد. و میزان آن برابر با (۰/۳۹۹) می باشد.

جدول (۲)- آیا فعال نمودن پلیس کودکان در پیشگیری تاثیر دارد؟

سطح معناداری B آماره ضریب استاندارد Beta ضریب غیر استاندارد

خطای استاندارد B خطای استاندارد B

۰.۰۰۰ . ۰.۱۰۴۹۹۰۴۹۹ . ۰.۱۵۵ . ۰.۱۶۲۳۳

باتوجه به جدول فوق و ضریب رگرسیونی استاندارد شده برای متغیر مذکور (۰/۵۳۶) در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ و با اطمینان ۹۵% معنی دار است بنابراین می توان گفت: متغیر فعال نمودن پلیس کودکان در پیشگیری تاثیر دارد و میزان آن برابر با (۰/۵۳۶) می باشد.

جدول (۳)- آیا تغییر رویکرد پلیس در برخورد با کودکان، خیابانی تاثیر دارد؟

سطح معناداری B آماره ضریب استاندارد Beta ضریب غیر استاندارد

خطای استاندارد B خطای استاندارد B

۰.۰۰۰ . ۰.۴۳۹۹۳۰۵ . ۰.۳۸۲ . ۰.۱۶۴۶۶

باتوجه به جدول فوق و ضریب رگرسیونی استاندارد شده برای متغیر مذکور (۰/۳۹۹) در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ و با اطمینان ۹۵% معنی دار است بنابراین می توان گفت تغییر رویکرد پلیس در برخورد با کودکان، خیابانی تاثیر دارد و میزان آن برابر با (۰/۴۲۷) می باشد.

ب- نتایج فرضیات تحقیق

در خصوص فرضیه اول؛ با توجه به جدول فوق و ضریب رگرسیونی استاندارد شده برای متغیر مذکور (۰/۳۹۹) در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ و با اطمینان ۹۳% معنی دار است بنا براین می توان گفت گفت متغیر تحرک بخشی سازمان های درگیر در بحث ساماندهی کودکان خیابانی، تأثیر دارد و میزان آن برابر با (۰/۳۹۹) می باشد.

در خصوص فرضیه دوم؛ باتوجه به جدول فوق و ضریب رگرسیونی استاندارد شده برای متغیر مذکور (۰/۵۳۶) در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ و با اطمینان ۹۵% معنی دار است بنا براین می توان گفت: فعال نمودن پلیس کودکان خیابانی در پیشگیری تاثیر دارد و میزان آن برابر با (۰/۵۳۶) می باشد. در خصوص فرضیه سوم؛ با

توجه به جدول فوق و ضریب رگرسیونی استاندارد شده برای متغیر مذکور (۰/۴۲۷) در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ و با اطمینان ۹۵% معنی دار است بنابراین می توان گفت: تغییر رویکرد پلیس در برخورد با کودکان، خیابانی تأثیر دارد. و میزان این تأثیر برابر با (۰/۴۲۷) می باشد. لذا هر کدام از فرضیات با اختلافاتی در پیشگیری

تأثیر دارد که بیشترین تاثیر را متغیر فعال نمودن پلیس کودکان با ضریب (۰/۵۳۶) دارد. دومین تاثیر را تغییر رویکرد پلیس با ضریب (۰/۴۲۷) دارد و سومین تاثیر را متغیر تحرک بخشی سازمان های درگیر در بحث ساماندهی کودکان خیابانی، با ضریب (۰/۳۹۹) دارد.

نتیجه گیری:

پلیس با توجه به رسالتی که بر اساس آموزه های دینی و اسلامی و همچنین از سوی قانون در قالب ضابط بودن به عهده دارد، باید اقدامات و تمهیدات خاصی در مواجهه با این موضوع اندیشیده و خود را در امر پیشگیری غنی کند. و در این راستا زیرساخت های آنها را طرح ریزی و اجرا نماید. اولین قدم برای تحقق موارد مطرح شده تشکیل پلیس ویژه کودکان و نوجوانان و فعال نمودن آن می باشد که در حال حاضر فاقد این نوع پلیس می باشیم ولی در کشورهای مورد اشاره، به خوبی دیده می شود که آنها در این زمینه اقدام مناسب انجام داده اند و دارای پلیس مخصوص کودکان و نوجوانان هستند. اتفاقی بودن بزهکاری کودکان و نوجوانان و شرایط خاص جسمانی و روحی آنان ایجاب می کند که در برخورد با آنان از شیوه هایی متفاوت نسبت به برخورد با بزهکاران بزرگسال استفاده شود و در صورت امکان باید از ورود آنان به نظام دادرسی رسمی جلوگیری شود؛ زیرا تعامل کودک و نوجوان با نظام عدالت کیفری و برچسب خوردن آنان می تواند تاثیر تعیین ای در کننده ایی در رفتار و شخصیت آنان داشته باشد، اما در مقابل روش های ترمیمی با توجه به اهداف و اصولی که دارد به عنوان رویکردی متفاوت در حمایت از کودکان و نوجوانان بزهکار قابل اعمال است، زیرا در سنی قرار دارند که هنوز رشد و بلوغ شخصیتی آنان به طور کامل شکل نگرفته است و در مقایسه با افراد بزرگسال نیازمند حمایت و پشتیبانی بیشتری هستند. اما چنان چه پلیس از مفهوم سنتی خود که سرکوب مجرمان است استفاده کند و کودک را به دادسرا، دادگاه و زندان بفرستد، نتیجه خوبی نخواهد داشت.

منابع:

- آیین نامه ساماندهی کودکان خیابانی (۱۳۸۴).
- اقلیما، مصطفی (۱۳۸۱) بررسی عوامل موثر در بروز پدیده کودکان خیابانی شهر مشهد، مشهد: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی. اکبری، ابوالقاسم و اکبری، مینا (۱۳۹۰) آسیب شناسی اجتماعی. تهران: رشد و توسعه.
- اسکیدمور، ویلیام (۱۳۷۹). تفکری نظری در جامعه شناسی ترجمه علی محمد نظری و دیگران. تهران: انتشارات سفید.
- افشانی، علیرضا، عسکری ندوشن، و دیگران (۱۳۹۱) تحلیلی بر وضعیت، کودکان خیابانی در شهر اصفهان. جامعه شناسی کاربردی، ش ۴۸. برینک، باربارا (۱۹۹۷). رهنمودهایی در جهت طراحی مراکزی برای بچه های خیابانی. ترجمه نگین عبدالله زاده. تهران: انتشارات یونیسف.
- پورغلامی، محمدرضا (۱۳۹۱)، بررسی چشم انداز کودکان کار در ایجاد چالش های امنیتی-انتظامی، فصلنامه علمی-پژوهشی انتظام اجتماعی، سال چهارم، شماره اول. زینالی، حمزه، (۱۳۸۱) پیشگیری از بزهکاری و مدیریت آن در پرتو قوانین و مقررات جاری ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۲، شماره: ۶. ساروخانی، باقر (۱۳۷۹) مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده. تهران: نشر سروش.
- سلیمی، اکبر (۱۳۹۵)، مدیریت الگوی پیشگیری اجتماعی نیروی انتظامی از بزهکاری نوجوانان رساله دکتری تهران: دانشگاه علوم انتظامی. سجادی، سیدعلی (۱۳۸۹)، بررسی عملکرد پلیس در پیشگیری از جرایم نوجوانان و کودکان شهر مشهد، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علوم انتظامی. صفاری، علی، (۱۳۸۰) « مبانی نظری پیشگیری وضعی» تهران: مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۴ و ۳۳.
- صدیق سروستانی، رحمت الله (۱۳۸۳)، آسیب شناسی اجتماعی، انتشارات: دانشگاه تهران.
- صالح، علیرضا (۱۳۷۹) بررسی ویژگی های شناختی، رفتاری و اجتماعی کودکان خیابانی و شبانه روزی تهران. مقالات اولین همایش ملی آسیب های اجتماعی در ایران. تهران: انتشارات آگه.
- عباچی، مریم (۱۳۸۰) حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد. چاپ اول. تهران: انتشارات مجد
- فصل نامه ی انتظام اجتماعی (۱۳۹۶) سال دهم، شماره سوم،
- فصلنامه ی مطالعات راهبردی ناجا (۱۳۹۵)، سال اول، شماره یکم.
- فصلنامه علمی- تخصصی دانش انتظامی (۱۳۹۴) سال هشتم / شماره ۳ / پیاپی ۲۶ / پاییز، پلیس پایتخت.
- فتح الهی، سیامک (۱۳۸۸)، پلیس و شیوه های نوین پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان، مجموعه مقالات برگزیده همایش علمی کاربردی پلیس و نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان، تهران: نشر حدیث کوثر.
- قاسم زاده، فاطمه (۱۳۸۳) کودکان خیابانی در تهران. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۲
- حسینی، سید حسن (۱۳۸۵)، کودکان کار و خیابان. تهران: نشر سلمان.
- حسینی، احمد؛ درابی، آژاد (۱۳۸۷) بررسی عوامل مؤثر بر بروز پدیده کودکان خیابانی. مطالعات امنیت اجتماعی، ش ۱۶
- عمید، حسن، (۱۳۷۹) فرهنگ فارسی عمید، تهران: نشر امیرکبیر.
- مجله طبوبی (۱۳۸۷)، شماره ۲۷.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۱) انحرافات اجتماعی. تهران، ناشر: شرکت سهامی انتشار.
- محمدی، خلیل (۱۳۹۴)، بررسی عوامل مؤثر بر بروز پدیده کودکان خیابانی و راهکارهای مقابله با آن، فصلنامه علمی- تخصصی دانش انتظامی، سال هشتم، شماره ۳، تهران: پلیس پایتخت.
- نیازی، محسن (۱۳۸۷) کودکان خیابانی. چاپ اول، تهران: انتشارات ثامن الحجج.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید (۱۳۸۸) دانشنامه جرم شناسی چاپ اول. تهران: انتشارات. دانشگاه شهید بهشتی.
- واعظ مهدوی، محمدرضا (۱۳۸۷) سرانجام کودکان خیابانی در پیش نویس وزارت رفاه. روزنامه راه مردم.
- وامقی، مروئه (۱۳۸۴)، کودکان خیابانی و رویکردهای دولتی مجله رفاه اجتماعی، دوره پنجم، شماره نوزده، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی.
- on.pdf (1)۴۰. Deterrence and home less male street youth. Canadian journal of criminology (۱۹۹۸ Alliance_Global_Submissi Baron, Sw, Kennedy LW.

«اثبات عصمت حضرت یوسف (علیه السلام) از منظر سوره مبارکه یوسف»

فاطمه ابوطالبی نجف آبادی

چکیده

در این پژوهش، به معنای عصمت در لغت و اصطلاح و عوامل آن پرداخته شده است؛ و در ادامه، اثبات عصمت انبیاء، خصوصاً اثبات عصمت حضرت یوسف (ع) با توجه به سوره مبارکه یوسف، در چهار زمینه، که عبارتند از: ۱- اثبات عصمت حضرت یوسف (ع) در مقابل خواسته های همسر عزیز مصر و زنان اشراف مصر ۲- اثبات عصمت حضرت یوسف (ع) در زمینه غفلت از یاد خدا ۳- اثبات عصمت حضرت یوسف (ع) در زمینه ارتکاب تهمت دزدی به برادرش ۴- اثبات عصمت حضرت یوسف (ع) در زمینه مواجهه با پدر و بی احترامی به ایشان؛ مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی

عصمت / عصمت انبیا / اثبات عصمت حضرت یوسف (ع) در سوره یوسف / داستان حضرت یوسف / نسبت های ناروا به یوسف (ع) / تفاسیر ناصحیح

مقدمه

یکی از اهداف قرآن کریم در بیان سرگذشت انبیاء و اولیای الهی ارائه الگوهای عملی در عرصه های مختلف فردی و اجتماعی است. در این میان احسن القصص قرآن کریم، حضرت یوسف (ع) را به عنوان یک الگوی عملی حقیقت و کمال و یک شاخص برجسته آدمیت، به جهانیان معرفی نموده است. بیان مسئله: آیات این سوره درباره صحنه های مختلف زندگی این پیامبر بزرگ الهی و شامل عالی ترین درس های پاکی و فضیلت است. متأسفانه یکی از واقعتهای تلخ تاریخی وجود تفاسیر غلط و ناصحیح در مورد داستان های پیامبران الهی است که از این بین، تفاسیری به چشم میخورد که عصمت حضرت یوسف (ع) را زیر سوال میبرد. حال سوال اینجاست، که چگونه میتوان این تفاسیر و آراء غلط را رد کرد و عصمت این پیامبر بزرگ الهی را اثبات نمود؟ پیشینه: مسأله پیرامون داستان حضرت یوسف (ع) را در تفاسیر و برخی منابع تاریخی و کتب قصص میتوان یافت اما کتاب یا مقاله ای با این عنوان یافت نشد و این مقاله به طور ویژه به اثبات عصمت ایشان در صحنه های مختلف زندگی مبارکشان اشاره دارد. اهمیت و ضرورت این مسأله در آن است که، عصمت پیامبران از جمله حضرت یوسف (ع) مورد اتفاق همه ادیان و پیروان آنهاست، تا حدی که یهود و نصاری هم در این امر تردیدی ندارند، اما با این حال در آثار آنها از قبیل تورات و انجیل نسبت های ناروا و اعمال ناشایست به ایشان دیده میشود و زمینه افکار خطا نسبت به پیامبران را ایجاد میکند که شایسته نیست و باید با ادله و شواهد قابل استناد این مسأله رفع گردد. هدف از انجام این پژوهش، تبیین واژه عصمت، از لحاظ لغوی و اصطلاحی؛ و اثبات عصمت انبیاء به ویژه حضرت یوسف (ع)، با استفاده از ادله موافقان و مخالفان مورد بحث و بررسی قرار میگیرد؛ تا این حضرت را از نسبت های ناروا مبرا گرداند و راه افکار غلط نسبت به ایشان را برافراد ببندد؛ همچنین نمایان ساختن حقانیت معارف ناب شیعه را که از اهل بیت (ع) دریافت کرده است، از اهداف این نوشتار میباشد. فرضیه: به نظر میرسد عصمت حضرت یوسف (ع) در چهار صحنه از زندگی ایشان، که شامل: مواجهه با هوسرانی زن عزیز مصر و زنان اشراف مصر، زندان و غفلت از یاد خدا، تهمت دزدی به برادرش و مواجهه با پدر است، اثبات میشود. روش: این تحقیق فردی و روش جمع آوری مطالب آن کتابخانه ای است و با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

مفهوم شناسی

عصمت

نبوت نوعی ارتباط میان انسان خاص با خداوند است، که در آن خداوند اموری را به شخص مورد نظر الهام میکند. مراحل ویژه ی این ارتباط برای نبی عبارتند از: ۱- دریافت وحی ۲- حفظ وحی ۳- ابلاغ وحی (در صورتی که نبی موظف به ابلاغ بوده). عصمت انبیاء در این سه مرحله مورد اتفاق همه ادیان و پیروان آنهاست. عصمت در لغت به معنای حفظ و امساک است. در معجم مقاییس اللغة چنین آمده است: عصم: العین و الصاد و المیم، اصل واحد صحیح یدل علی امساک وضع... والمعنی فی ذلک کله معنی واحد. من ذلک العصمة: ان یعصم الله تعالی عبده من سوء یقع فیه (ابن فارس، ج ۴، ص ۳۳۱)

و در اصطلاح معنای آن، امتناع انسان از ورود به محارم الهی به فضل و احسان خداوند است.

عوامل عصمت

از جمله عوامل عصمت : علم و عقل ، اطاعت ، توفیق ، طینت و روح القدس است؛ که در اینجا مختصرا به توضیحی در مورد هر یک از این موارد میپردازیم:

الف- علم و عقل

از مهم ترین منابع عصمت ، علم است ؛ یعنی هر انسانی به هر اندازه ای که از علو دانش برخوردار باشد ، به همان اندازه از عصمت برخوردار خواهد شد و با دیدن زشتی گناهان از ارتکاب به آنها خودداری میکند .

(تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ تَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ) (قصص (۲۸) ۸۳)

ما این دار (بهشت ابدی) آخرت را برای آنان که در زمین اراده علو و فساد و سرکشی ندارند مخصوص می گردانیم و حسن عاقبت خاص پرهیزکاران است . کسی که آتش را دیده ، آن را لمس نموده و سوزاندگی اش را چشیده است ، هیچگاه دست خود را به سوی آتش دراز نمی کند ، بلکه فکر و اراده دست دراز کردن به سوی آن هم از او سر نمیزند .

ب- اطاعت

پیامبر اکرم (ص) میفرماید: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ ذِكْرُهُ يَعْصِمُ مَنْ أَطَاعَهُ وَ لَا يَعْصِمُ بِهِ مَنْ عَمَاهُ (کلینی ، ج ۸ ، ص ۸۲ ، ح ۳۹)

همانا خداوند- که یاد او گرامی است- کسی را که اطاعتش کند، [از گناه] نگاه میدارد و کس را که عصیانش کند، او را حفظ نمی کند. در این روایت، پیامبر پیوند میان اطاعت و عصمت را به خوبی بیان فرموده است ؛ یعنی عصمت الهی، تنها شامل کسی میشود که اطاعت خدا را پیشه کرده باشد و یا حداقل اراده اطاعت خدا را داشته باشد.

ج- توفیق

از امام جعفر صادق (ع) نقل شده که فرمودند:

إِذَا فَعَلَ الْعَبْدُ مَا أَمَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ مِنَ الطَّاعَةِ كَانَ فِعْلُهُ وَفَقًا لِأَمْرِ اللَّهِ

عَزَّ وَ جَلَّ وَ سَمِّيَ الْعَبْدُ بِهِ مُؤَفَّقًا (مجلسی ، ج ۵ ، ص ۲۰۰ ، ح ۲۷)

هرگاه بنده ای به آنچه خداوند -عزوجل- فرمان داده است، عمل کند، عمل او موافق امر

خداوند (توفیق الهی) است و به واسطه آن، او را موفق مینامند.

بر اساس این حدیث، موفق بودن و میزان موفقیت انسان ، به انجام دستورات الهی بستگی دارد. بنده اگر بخواهد بداند که آیا توفیق الهی شامل حال او بوده است یا نه ، باید ببیند چه مقدار از اعمالش مطابق اوامر الهی است ؛ به هر اندازه که موافق باشد ، مشمول توفیق الهی شده است .

د- طینت

پاکی روح سبب شناخت و نتیجه گیری صحیح در اوامر الهی میشود. و از آنجا که ابدان و ارواح انبیا از طینت علیین آمده است ، اطاعت و پیروی که از اوامر خداوند تعالی دارند، نسبت به دیگران کامل ترند .

ه- روح القدس

روح القدس همیشه همراه پیامبران و امامان است ، از این رو هیچ گاه ، سهوف نسیان ، غفلت ، لغو و نوم به ایشان عارض نمیشود .

عصمت انبیاء

الگو واسوه بودن پیامبران دین معناست که سایر مردم در گفتار ، کردار و رفتار ، تا حد امکان از آنها پیروی کنند و همین اسوه قرار گرفتن آنها از سوی خداوند یک دلیل عقلی روشنی است بر لزوم عصمت آنها ، زیرا کسی که در او کمترین احتمال لغزش و خطا باشد، نمیتواند از جانب خدا به عنوان الگو برای جامعه مومنین معرفی گردد .

با این حال وجود بعضی آیات که به ظاهر با عصمت انبیاء منافات دارد، موجب شده است در میان مفسران مذاهب مختلف رویکرد های متفاوتی در مواجهه با این آیات مشاهده شود. هر چند تمامی انبیاء الهی از درجه عصمت برخوردارند، اما بررسی آیات قصص در خصوص وقایع درباره ایشان ، حکایت از نسبی بودن این امر در آنان دارد .

و به معنی سلب اختیار از آنها نیست ؛ ایشان با اینکه دارای مقام عصمت هستند، هم انگیزه گناه را دارند و در آنها هم غرائز انسانی موجود است ولی از گناه خودداری میکنند و از نظر محدثان و متکلمان شیعه ، عصمت پیامبران امری است که با اختیار و اراده خودشان ، با عنایت الهی تحقق میابد .

امام صادق در توصیف انبیاء و اوصیای الهی میفرماید:

الْأَنْبِيَاءُ وَ أَوْصِيَائُهُمْ لَا ذُنُوبَ لَهُمْ لِأَنَّهُمْ مَعْصُومُونَ مُطَهَّرُونَ

برای انبیاء و اوصیای ایشان ، گناهی نیست؛ زیرا ایشان معصوم و پاک اند.

در این روایت علت نفی ذنوب ، معصوم بودن و پاک بودن معرفی شده است و چون در لغت، «ذنوب» به معنای گناه ، خطا و هر نوع کار ناروا آمده است ، سفرای الهی از هرگونه کار ناروا که شامل تمام زشتیها و پلیدی هاست ، مبرا هستند. از اطلاق این حدیث استفاده میشود که پیامبران در تمام حالاتشان معصوم اند .

اثبات عصمت یوسف (ع) با توجه به سوره یوسف

۱) اثبات عصمت حضرت یوسف (ع) در مقابل خواسته های همسر عزیز مصر و زنان اشراف مصر

۱-۱- کید و مکر زلیخا (همسر عزیز مصر)

زن آهنگ او کرد (وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ / ۲۴ یوسف) ؛ یوسف گفت: پناه میبرم به خدا (معاذالله) و خداوند میگوید: اگر یوسف به دلایلی به وجود و قدرت پروردگارش توجه نداشت و این دلایل را نمی دید، او نیز آهنگ آن زن را میکرد (هَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهٖ / ۲۴ یوسف) در ادامه خداوند میفرماید: اینچنین کردیم تا بدی و فحشا را از او دور سازیم چرا که او از بندگان مخلص ماست (كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهٗ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ / یوسف ۲۴)

در اینجا احتمال قصد سوء را در یوسف (ع) مطرح میکند و سپس حضور برهان های الهی و تاثیر آنها در او را بیان میدارد. یوسف (ع) به خدا پناه برد و خداوند نیز او را یاری نمود. بنده مخلص تمام اعمال و اخلاقش برای خداست و خداوند از میان اینگونه بندگان برخی از ممتازان را برای خود خالص میکند ؛ یعنی خالص شده از میان مخلصان .

در اینجا میبینیم که خداوند یوسف را از بندگان مخلص خویش خوانده است؛ و قرآن به صراحت می فرماید که مخلصین کسانی هستند که شیطان در ایشان راه ندارد و به کلی از وسوسه های شیطانی در امان اند. یوسف (ع) به طرف در فرار کرد و زن نیز برای اینکه از فرار وی جلوگیری کند، به طرف در دویده و لباس یوسف (ع) از پشت پاره شد و همین حرکت تقوای پیشه یوسف (ع) سبب برائت او نزد شوهر آن زن گردید که در آخرین لحظه سررسیده بود .

زن گناه را به گردن یوسف (ع) انداخت و گفت : جزای کسی که به زن تو قصد سوء داشته چیست ؟ (قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا / یوسف ۲۵) ناظری از اهل قصر که خردمند بود گفت : به لباس یوسف (ع) نگاه کنید ؛ اگر از پشت پاره شده گناه از زن است .

اهل قصر که خردمند بود گفت : به لباس یوسف (ع) نگاه کنید ؛ اگر از پشت پاره شده گناه از زن است .

اهل قصر که خردمند بود گفت : به لباس یوسف (ع) نگاه کنید ؛ اگر از پشت پاره شده گناه از زن است .

اهل قصر که خردمند بود گفت : به لباس یوسف (ع) نگاه کنید ؛ اگر از پشت پاره شده گناه از زن است .



یوسف (ع) هرچند یک پیامبر و بنده مخلص خداوند است ، اما خود را از زن عزیز مصر جدا نمیداند ؛ او میگوید: ماهیت نفس انسان امرکننده به سوء است و من خود را از این جهت خود را تبرئه نمی کنم . اما چگونه از فحشاء در امان میماند و عصمت پیشه می کند؟

۱- پناه یوسف (ع) به خداوند و دیدن نشانه های او در آسمان ها و زمین .

۲- رحم پروردگار (إِنَّ رَبِّيَ غَفُورٌ رَحِيمٌ) که ناشی از توجه یوسف (ع) به خدا و توجه خداوند به یوسف (ع) است .

۳- ماهیت خیانت و حيله به ضلالت می انجامد ؛ خداوند کید خائنان را به هدفی که دارند ، واصل نمیکند (ان الله لا يهدي كيد الخائفين)

۲-۱- حيله و نیرنگ زنان اشراف مصر

نمونه ی دیگری از مکر و حيله ، سخن زنان اشراف مصر درباره زلیخا بود؛ آنها زلیخا را برای مراوده با یوسف (ع) سرزنش کردند و گمراه خواندند (وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ / یوسف ۳۰). قرآن عمل آن زنان را مکر معرفی کرده است. از این رو زلیخا آنها را دعوت کرد و به دست هر کدام چاقو و میوه ای داد و یوسف را یکبار به آنجا خواند و زنان محو جمال یوسف شدند و دستان خود را بریدند.

قرآن بدان دلیل سرزنش زلیخا از سوی زنان اشراف را مکر و نیرنگ میدانند که منظور آنها از آن گفتار، نه خیرخواه بود و نه سرزنش به خاطر گناه، بلکه آنان در این اندیشه بودند که آن جوان پرشکوه که وصف زیبایی آن را شنیده بودند، از نزدیک ببینند و سرزنش های آنان از روی حسد و دشمنی بود. یوسف (ع) به درگاه خداوند روی می آورد و دعا میکند که: خدایا زندان نزد من عزیزتر از آن چیزی است که این زنان بدان دعوت می کنند.

یوسف (ع) با صداقت کامل به خدای خویش پناه می برد ؛ خدایا اگر کید این زنان را از من برنگردانی ، من نیز آهنگ آنها خواهم کرد و در آن صورت از جاهلان خواهم بود (قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ / یوسف ۳۳). و خداوند چنین پاسخ را داد: (فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ / یوسف ۳۴)

۲) اثبات عصمت حضرت یوسف (ع) در زمینه غفلت از یاد خدا

در تفاسیر مترجمان ، ذیل آیه ۴۲ سوره یوسف (وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَأَنْسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ)، تعداد قابل توجهی روایات نقل شده که موجب گردیده است بسیاری از مفسران سده های بعد ، با اعتماد به این دسته از روایات طولانی شدن زندان یوسف (ع) را عقوبتی الهی در اثر لحظه ای غفلت از توجه به خدا و استعانت از غیر او بدانند.

این دسته از مفسران بر این باورند که ، شیطان یاد خدا را از ذهن یوسف برد، به همین جهت سالیان دیگری در زندان ماند ، تا عقوبت غفلت و بی توجهی خویش را بکشد و جمله ی «فَأَنْسَاهُ الشَّيْطَانُ» را اینگونه ترجمه کرده اند که «شیطان یاد پروردگار را از ذهن یوسف برد و او به جای استمداد از خداوند به ساقی شاه توجه کرد» .

نسیانی که این مفسران بر آن باور دارند با نص قرآن سازگار نیست و با سیاق آیات همخوانی ندارد ؛ زیرا اگر غافل شدن یوسف از یاد خدا باعث شده باشد که به آن رفیقش بگوید: شاه را از حال من با خبر کن ، در آن صورت میبایست عبارت آیه چنین باشد: (فَأَنْسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ، فَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ) زیرا باید او از یاد خدا غافل شود و درخواست از رفیقش نتیجه غفلت از یاد خدا باشد و با «فای تفریع» این مطلب افهام گردد ، و یا اینکه به شکل جمله حالیه به آن عطف میشد یعنی میگفت: (وقد انساه الشيطان ذكر ربه...)؛ یعنی در همان حال که به ملک متوسل شد ، شیطان ذکر خدا را از یادش برد. در حالی که لفظ آیه چنین است: (وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَأَنْسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ) ، پس معلوم میشود ، اول یوسف (ع) آن درخواست را از رفیقش کرده و سپس فراموشی حاصل شده است.

در نتیجه جمله (فَأَنْسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ) عملکرد ساقی را بازگو میکند و ارتباطی به یوسف ندارد و ادامه آیه (فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ) نیز متفرع بر همین عملکرد است ؛ یعنی فراموشی ساقی که شیطان بر ذهن و فکر او مسلط گشته و یادآوری درخواست یوسف (ع) را از یادش برده است ، باعث گردید زندانی شدن یوسف (ع) طولانی گردد نه اشتباهی از جانب یوسف (ع).

همچنین صاحب المیزان می نویسد: اینگونه روایات خلاف قرآن است ، چون قرآن یوسف را از مخلصین دانسته و شیطان به مخلصین نفوذ ندارد. به علاوه در دو آیه بعد آمده که (قَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ) فراموش کننده بعد از مدت ها یوسف را به خاطر آورد، از این معلوم می شود که فراموشی مربوط به ساقی بوده است نه یوسف .

عده ای دیگر از مفسرین ، هرچند متعادل تر از دسته پیشین عمل نموده و نسبت نسیان شیطانی به یوسف (ع) نداده اند ؛ در عین حال ، اقدام وی در توسل به غیر ، برای نجات خویش را اشتباهی از نوع « ترک اولی » دانسته اند و بدین دلیل یوسف صدیق را مستحقف چنین عقوبتی دانسته اند.

در جواب این گروه باید گفت استدلالشان با موازین عقلی ناسازگار است ؛ زیرا اخلاص در بندگی ، مانع از آن میشود که انسان به غیر از خدا متوسل به اسباب دیگری نشود . زیرا این نهایت بی خردی است که انسان توقع داشته باشد به طور کلی اسباب را کنار زده و اهداف خویش را بدون سبب و خارج از امور عادی انجام دهد.

بلکه تنها اخلاص باعث میشود که انسان به سبب های دیگر دل بستگی و اعتماد نداشته باشد و سیره عقلایی عالم نیز بر این تعلق دارد انسان ذاکر به ذکر حق تعالی ، در عین توکل به خدا ، جهت دستیابی به خواسته های حقه خویش از اسبابی که خداوند منان فراهم نموده است ، بهره جوید.

۳) اثبات عصمت حضرت یوسف (ع) در زمینه ارتکاب تهمت دزدی به برادرش

طبق آیه ۷۰ سوره (فَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَّازِهِمْ جَعَلَ السِّقَايَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَيَّتُهَا الْعِيرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ) حضرت یوسف (ع) جام زرین را در اثاثیه برادرش قرار میدهد و بعد ندای دزدیده شدن جام را سر میدهد. بنابراین در ظاهر ایشان با آگاهی از حقیقت به برادر خود تهمت زده است.

آیت اله معرفت در تبیین این شبهه میگوید: با توجه به سیاق آیات ، آن حضرت ، برادر خود را از نقشه آگاه کرده بوده ولی فرد مسئول از ماجرا خبر نداشت و او از جانب خود (إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ) را سرداد نه از قول حضرت یوسف (ع) که دلالت بر حرکت ناپسند از سوی نبی خدا را داشته باشد.

۴) اثبات عصمت حضرت یوسف (ع) در زمینه مواجهه با پدر و بی احترامی به ایشان

در جوامع روایی و تفسیری ، روایت هایی درباره ی مواجهه ی حضرت یوسف (ع) با پدر وجود دارد که در آنها از بی احترامی حضرت یوسف (ع) ، به پدر سخن به میان آمده است.

با بررسی های انجام گرفته ، این روایات از چهار منظر مورد نقد است:

۱- ضعف سند: همه این احادیث از اقسام احادیث ضعیف به شمار میروند.

۲- اختلاف در متن: در متن آنها اختلاف ها ، تناقضات و ابهاماتی وجود دارد.

۳- تضاد با قرآن: در آنها مطالب شاذ و متضاد با قرآن بیان شده است.





۴- وجود روایت متعارض: در روایتی برخلاف این روایات، احترام یوسف (ع) به پدرش به تصویر کشیده میشود که با روایات فوق تعارض دارد. بنابراین این روایات قابل استناد نیستند.

در قرآن کریم نیز از بی احترامی یوسف (ع) به پدر خبری نیست. در تورات نیز از این اتهام خبری نیست؛ اما در تلمود بیان شده است که حضرت یوسف (ع) حالت ریاست و فرمانروایی به خود گرفته و از این رو، پیش از همه برادرانش مرده است. بنابراین به نظر میرسد ریشه این روایات بع تلمود میرسد؛ یعنی علت رواج این روایات، این تفکر موجود در تلمود بوده است که برخی از راویان با قبول این تفکر، در صدد اتهام زنی به یوسف (ع) برآمده اند؛ زیرا در بین راویان غالیان نیز به چشم میخورند.

همچنین روایات موجود در امامیه با روایت اهل سنت تفاوت ماهوی دارند. هرچند یکی از روایات اهل سنت مشابه روایات شیعه است. اما مضمون همه آنها حکایت از این دارد که هنگام ورود حضرت یعقوب به مصر، حضرت یوسف (ع) به او احترام نکرد. در روایات امامیه حضرت یوسف (ع)، به خاطر پیروی از هوی از این کار سرباز زد و برای پدرش برنخاست.

اما در اهل سنت او در صدد احترام (آغاز سلام) برآمد، ولی توسط عاملی از این کار منع شد که این عامل مبهم است و در آن اختلاف وجود دارد. هرچند روایات اهل سنت در صدد اثبات مقام حضرت یعقوب (ع) هستند که نسبت به یوسف (ع) مقام والاتری داشت؛ اما چون نتیجه آن بی احترامی به حضرت یعقوب (ع) است قابل پذیرش نیستند.

قدیمی ترین کتابی که در امامیه این روایت در آن نقل شده، تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم است و قدیمی ترین کتاب هایی که در اهل سنت، این روایت در آنها نقل شده، جامع البیان طبری و تفسیر ابی ابراهیم هستند. بنابراین به نظر میرسد از طریق این سه کتاب رواج پیدا کرده است. هرچند مضمون این روایات در امامیه و اهل سنت متفاوت هستند.

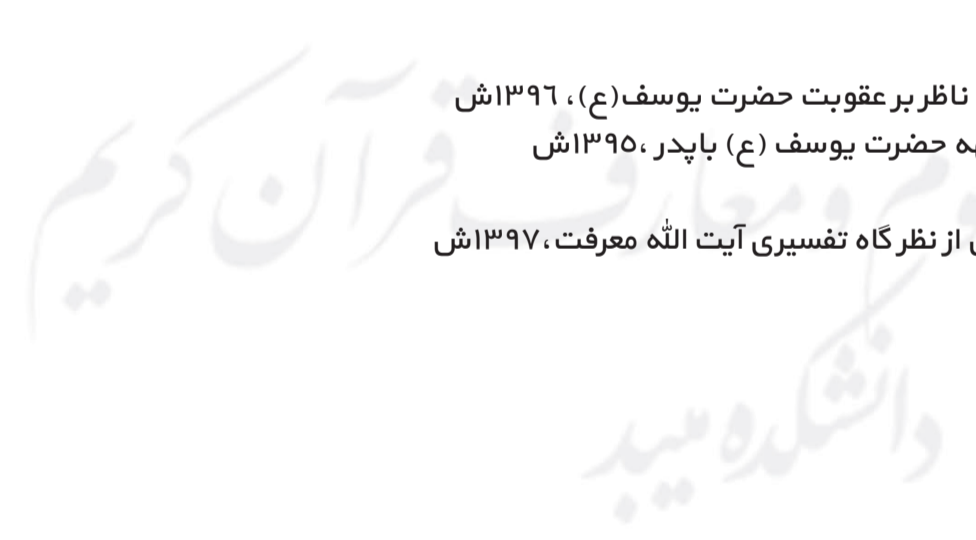
جمع بندی و نتیجه

پس از بحث و بررسی دریافتیم که عصمت همان امساک انسان از ارتکاب به گناهان و محارم الهی است و عوامل مختلفی در حصول عصمت دخیل اند. در این بین عده ای عصمت را از انبیاء، به ویژه حضرت یوسف (ع) نفی کرده اند که با اثبات عصمت ایشان در چهار زمینه فوق به این نتیجه رهنمون میشویم که این ادعا و خطاهای رخ داده در تفسیر ناشی از خود مفسران است که گاه با انگیزه های مختلف به صورت عمدی یا سهوی صورت گرفته است؛ چراکه کسی که به عنوان الگوی جامعه مومنین از جانب خداوند معرفی میشود، نمیتوان احتمال کمترین خطا و لغزش را برایشان متصور شد.

از دیگر دلایل امتناع این حضرت، از ارتکاب به گناهان میتوان به، همواره به یاد خداوند بودن و یادآوری نعمت های ایشان، اشاره نمود؛ که همه اینها موجب شد این پیامبر بزرگ الهی در صحنه های مختلف و پرفراز و فرود زندگی خویش همواره به خداوند متعال پناه ببرد از خطا و لغزش مصون بماند.

منابع

- ابن منظور، ابی الفضل، لسان العرب، بیروت: دارالمصادر، ۱۳۷۵ش
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت- لبنان، ۱۴۱۲ق
- احمد بن فارس، ابوالحسن، معجم مقاییس اللغة، قم، ۱۴۰۴ق
- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، چاپ پنجم
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، ۱۴۰۷ق
- اعدای خراسانی، مرتضی، پژوهش عصمت انبیاء
- محمدی، رضا، پژوهش عصمت در قرآن، سال یازدهم، شماره ۱۴
- اکبرنژاد، مهدی، ذو الفقاری فر، امین، اعتبارسنجی روایات تفسیری ناظر بر عقوبت حضرت یوسف (ع)، ۱۳۹۶ش
- ایزدی، مهدی، قاسمی حامد، مرتضی، بررسی تطبیقی روایات مواجهه حضرت یوسف (ع) با پدر، ۱۳۹۵ش
- رهنورد، زهرا، اخلاق عشق و جنایت در قصه یوسف، ۱۳۸۲ش
- غروی، سیده سعیده، اسلامی، صدیقه، عصمت انبیاء و مراتب آن از نظر گاه تفسیری آیت الله معرفت، ۱۳۹۷ش
- پایگاه اینترنتی wiki.ahlolbait.com و wikinoor.ir



سبک زندگی قرآنی، راهی برای مقابله با بیماریها و شیوع آنها

گردآوری: مهدی میرعلی بیداخویدی
دانشجوی ارشد علوم قرآن و حدیث
دانشکده علوم قرآنی میبد
پاییز ۱۳۹۹

بیان مسئله:

قرآن کریم در مورد رعایت بهداشت و مقابله با بیماریهای واگیر و غیرواگیر چه راهکارهایی دارد. ضرورت و اهمیت تحقیق:

با توجه به اینکه دین مبین اسلام به عنوان کاملترین مکتب و تنها دین پذیرفته شده نزد خداوند متعال میباشد، و از طرفی باتوجه به بیماریهای شیوع یافته در این عصر و زمان، ضروریست محققان علوم اسلامی در مورد سبک زندگی معرفی شده توسط قرآن کریم و پیامبر اسلام در رابطه با این موضوع قدم بردارند. اهداف و کاربردهای تحقیق:

هدف از این تحقیق اینست که با تمسک به آیات قرآن کریم و مراجعه به روایات معصومین صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین و با سبک زندگی قرآنی و رعایت دستورات دینی، بسیاری از بیماریهای واگیر و غیرواگیر از جامعه انسانی دور خواهد شد.

سوالات تحقیق:

رهکارهای قرآن کریم در رابطه با رعایت بهداشت فردی و اجتماعی کدامند؟

با سبک زندگی قرآنی تا چه اندازه میتوان با بیماریهای مختلف مقابله و آنها را دفع کرد؟

فرضیه های تحقیق:

قطعا دین مبین اسلام برای جلوگیری از شیوع بیماریهای مختلف راهکارهایی ارائه داده است که با بهره مندی و رعایت آنها بیماریهای مختلف به وجود نمی آید و یا گسترش پیدا نمیکند.

روش تحقیق:

در این تحقیق از روش کتابخانه ای استفاده شده است و پس از جمع آوری اطلاعات و پردازش آنها با مراجعه به کتب مختلف ارائه گردیده است.

چکیده:

یکی از اهداف ارسال رسل معرفی بهترین سبک زندگی بوده است. قرآن کریم به طریق اولی این هدف را دنبال کرده تا انسانها را به سمت و سوی کمال هدایت کند. رعایت مسائل بهداشتی در دو بخش بهداشت مواد غذایی و بهداشت شخصی از منظر قرآن کریم در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است و بعضی از احکام مربوطه نیز بیان گردیده است.

در بخش اول که مربوط به بهداشت مواد غذایی میباشد دو قسمت اوامرو نواهی قرآن کریم به بعضی از خوراکیها اشاره دارد که در صورت رعایت این موارد قطعا بیماریهای نوظهور یا به وجود نیامد و یا از شیوع پیشگیری میشود.

در بخش دوم نیز که مربوط به بهداشت مسائل شخصی است، دستورات قرآن کریم را نسبت به مسائلی که رعایت آنها باعث جلوگیری از بیماری و شیوع آن میگردد بیان گردیده است.

مقدمه:

سبک زندگی، یکی از مباحث مهم در علوم از قبیل جامعه شناسی، علوم تربیتی، علوم اخلاقی و علوم اقتصادی است. این مقوله، سیستم پیچیده ای است که طبق افکار، ادیان، مذاهب و مکاتب مختلف در جهان شکل میگیرد.

مقوله «سبک زندگی»، ناظر به دو چیز است: مردم چه انجام می دهند و چگونه انجام می دهند؟ این دو پرسش، برای همه حوزه های مختلف فردی، خانوادگی، ملی، بین المللی و محیط زیستی و همچنین همه ابعاد گوناگون عبادی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، علمی، حقوقی، بهداشتی، رفاهی، تفریحی، هنری و... و همین طور همه عرصه های متفاوت کرداری و گفتاری از زندگی کاربرد دارد.

راز رشد علوم پزشکی در بین مسلمانان:

اسرار توجه مسلمانان به دانش و به ویژه علوم پزشکی را باید در پیام های قرآن کریم و تعلیمات اسلامی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) جستجو کرد.

قرآن در بیش از ۷۰۰ آیه ماده علم را به کار برده و بارها مسلمانان را دعوت به تفکر و تعمق در پدیده های طبیعت کرده است به طوری که در آن حدود ۷۵۰ آیه در زمینه خداشناسی از راه علوم طبیعی گرد آمده است.

اما در کنار این دعوت عمومی به دانش، موارد خاصی نیز وجود دارد که انسان را به طرف شاخه های علوم پزشکی متمایل می کند و شاید یکی از علل عمده توجه مسلمانان به علوم پزشکی همین آیات باشد. برخی از این موارد عبارتند از:

الف: دعوت انسان به تفکر و دقت در منشأ پیدایش انسان و مراحل خلقت او:

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ «پس انسان بنگرد که از چه چیزی خلق شده است.» إِنْشَاءً خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ «بدرستی که ما انسان را از آب نطفه مختلط آفریدیم.»

ب: دعوت انسان به تفکر در ساختمان وجودی حیوانات:

أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ...

«آیا به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده است» پ: دعوت به شناخت غذاها:

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ «پس انسان به غذای خویش بنگرد (و تفکر کند)» ت: حرام کردن برخی خوردنیها مثل گوشت خوک و مردار و شراب که موجب برانگیختن حس کنجکاوای مسلمانان برای پی بردن به حکمت آن احکام شد (در ادامه نوشتار این مطالب

را توضیح خواهیم داد.) ث: برخی از احکام و عبادات مسلمانان با مسئله سلامت و بیماری مرتبط است و پزشکی می‌توانست در تشخیص این موضوعات کمک شایانی به فقه (احکام عبادت) باشد.

مثال: روزه بر انسان سالم در ماه مبارک رمضان واجب است اما بر انسان بیماری که روزه برایش ضرر دارد یا موجب شدت بیماری او می‌شود واجب نیست. در قرآن کریم از برخی امور یاد شده که دارای جنبه تعبدی و دینی و جنبه بهداشتی است. یعنی برخی از احکام دینی که در قرآن بدانها تصریح شده دارای فواید پزشکی و بهداشتی است و رعایت آنها باعث جلوگیری از بیماریهای زیادی می‌شود. یعنی این احکام دارای مصلحت‌ها و حکمت‌هایی بوده که با پیشرفت علوم پزشکی بدانها پی برده‌ایم و به عبارت دیگر قرآن به برخی نکات اشاره می‌کند که علوم پزشکی و عقل آدمیان در صدر اسلام آنها را کشف نکرده بود و این خود نوعی اعجاز علمی قرآن محسوب می‌شود.

بخشهای مختلفی که مربوط به رعایت مسایل بهداشتی در قرآن کریم میباشد:

الف: بهداشت مواد غذایی

۱. دعوت به غذاهای پاک و پاکیزه (طیب):

غذای طیب به چیزهای خوراکی پاک و پاکیزه گفته می‌شود که انسان از خوردن آنها لذت می‌برد خدا در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ» (ای کسانی که ایمان آورده‌اید از غذاهای حلال و پاکیزه که ما نصیب شما کرده‌ایم بخورید.) «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا» (ای مردم از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه را تناول کنید.) «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ» (بگو (ای پیامبر) چه کسی زینت‌های خدا را که برای بندگان خود آفریده حرام کرده و از خوردن غذاهای حلال و پاکیزه منع کرده است؟)

در مورد غذای انسان چند حکم اساسی در اسلام وجود دارد:

۱. غذا پاک باشد یعنی نجس نباشد.

۲. غذا پاکیزه باشد یعنی پلید (خیث) نباشد.

۳. غذا حلال باشد، یعنی غذای حرام نباشد.

۴. دو گونه غذا حرام است:

اول: غذایی که در قرآن یا روایات اهل بیت (ع) تحریم شده است. (مثل خون و...) دوم: غذایی که از راه غیر مشروع بدست آمده است و انسان مالک یا مجاز در تصرف آن نباشد.

حکمت‌ها و اسرار علمی:

در مورد حکمت‌های حرمت غذاهای نجس و غذاهایی که در قرآن بطور خاص تحریم شده (مثل خون - مردار - ...) در آینده سخن گفته می‌شود و اینک در مورد بقیه موارد سخن برخی از صاحب‌نظران را نقل می‌کنیم:

«قرآن، انواع گوناگونی از غذاها را که ذائقه افراد را ارضا کرده و برای جسم و روح آنها نیز مفید بوده و زیبایی به آنها نمی‌رساند را حلال فرموده است...

معنی کلمه طیب در منفعت و ارزش غذایی محدود نمی‌گردد، بلکه از آن نیز تجاوز می‌کند و فواید روانی غذا را نیز در بر می‌گیرد. برای اینکه غذایی طیب باشد باید حلال هم باشد گُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا زیرا هنگامی که شخص از دسترنج خود غذا می‌خورد ضمن دستیابی به یک لذت و نشئه خاص، احساس سعادت بزرگی نیز به وی دست می‌دهد، درست برخلاف آن روحیه حریصی که روزی سایرین را به لطایف‌الحیل از چنگ آنها بیرون می‌آورد.» قرآن کریم از طرفی انسان را از خوردن غذاهای مضرو و خیث بازمی‌دارد و از طرف دیگر او را نسبت به خوردن غذاهای پاک و مفید (طیب) توصیه می‌کند و این دو دستور اسلامی، سلامتی و بهداشت جسم انسان را تأمین می‌کند؛ همان‌گونه که آرامش روانی و بهداشت اجتماعی انسانها را با قید «حلال» بودن غذا تأمین می‌کند.

۲. ممنوعیت غذاهای غیر بهداشتی (خیث):

خبائث به چیزهایی گفته می‌شود که پلید است، یعنی امور پست و فاسد و متعفن است به طوری که طبع انسان آنها را نمی‌پسندد. قرآن کریم می‌فرماید:

«وَيَجِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يَحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثُ» (و آن رسول) بر آنان هر غذای پاکیزه و مطبوع را حلال و هر چیز پلید و منغور را حرام می‌گرداند.

بر طبق آیه فوق و روایات اهل بیت (ع) برخی از غذاهای خیث ممنوع و حرام اعلان شده است. در این راستا توجه به حرمت این امور جالب است.

۱. خوردن چیزهای خیث که طبیعت انسان از آن متنفر است (میوه گندیده و...) حرام است.

۲. خوردن نجاسات حرام است.

۳. خوردن آب دماغ حرام است.

۴. فروبردن آب بینی و خلط سینه که در فضای دهان وارد شده است حرام است.

۵. خوردن خاک حرام است. (مگر در موارد خاص)

۶. خوردن چیزهایی که موجب مرگ می‌شود حرام است.

۷. خوردن چیزهایی که برای انسان ضرر کلی دارد حرام است.

۸. خوردن گوشت یا شیر حیوان جلال (حیوان حلال گوشتی که خوراک آن بر حسب عادت منحصر به مدفوع انسان باشد) حرام است.

۹. برخی اجزاء حیوان حلال گوشت مثل: خون، فضل، نری، فرج، تخم (دنبلان) بول‌دان (مثانه) و...

۱۰-۱۳. خوردن خون، مردار، گوشت خوک و شراب که بصورت مستقیم در آیات دیگر قرآن تحریم شده ولی می‌تواند مصداق غذای خیث هم باشد.

حکمت‌ها و اسرار:

یکی از صاحب‌نظران می‌نویسد:

«خبائث چیزهایی است که در فارسی آنها را پلید می‌خوانند و در نزد مردم فاسد و گندیده و متعفن و غیر مطبوع است.

فساد غذا و گندیدن و کپک زدن آنها بواسطه تأثیر میکروب‌ها و قارچ‌های سمی است که روی غذا نشسته و آن را مسموم و آلوده می‌کند. روشن است که این گونه غذاها موجب ابتلاء به امراض گوناگون می‌گردد. غذا در بدن تبدیل به سلول زنده می‌شود. از غذای نجس و آلوده و پلید، سلول پلید بوجود می‌آید و چون سلول‌ها عمر کوتاهی دارند از هفت روز تا چهل روز و احياناً تا هفت سال هم ممکن است سلولی در بدن زنده بماند.»

۳. ممنوعیت خوردن گوشت مردار:

مردار عبارت است از جسم انسان یا حیوان مرده و در شریعت به جسم حیوانی گفته می‌شود که یا خود مرده باشد و یا بر خلاف دستور شرعی کشته شده باشد.

خدا در قرآن می‌فرماید:

«إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَ...»

«همانا او گوشت مردار را بر شما حرام کرد و...»

حکمت‌ها و اسرار علمی:

در برخی از روایات اهل بیت (ع) به حکمت‌های نهفته در این آیه اشاره شده است و بعضی از مفسران و متخصصان علوم پزشکی در مورد این آیه اظهار نظر کرده و نکات علمی آن را برشمرده‌اند، که عبارتند از:

۱. روایات:

عن الصادق (ع): «اما الميتة فانه لم ينل منها احد الا ضعف بدنه و ذهبت قوته و انقطع نسله و لا يموت اكل الميتة الا فجأة.» «امام صادق (ع)؛ بعد از ذکر مقدمه‌ای در مورد اینکه تمام این احکام به خاطر مصالح بشر است می‌فرماید:

«اما مردار را هیچ‌کس از آن نمی‌خورد مگر اینکه بدنش ضعیف و رنجور می‌شود، نیروی او را می‌کاهد و نسل او را قطع می‌کند، و آن‌کس که به این کار ادامه دهد با مرگ ناگهانی (مثل سگته) از دنیا می‌رود.» عن الرضا (ع): «حرمت الميتة لما فيها من افساد الابدان و الآفة و لانه يورث الماء الاصفر و ينخر الفم و يتنن الريح و يسيء الخلق و يورث القسوة للقلب و قلة الرؤفة و الرحمة حتى لا يؤمن ان يقتل ولده و والده و صاحبه.» «امام رضا (ع) می‌فرماید: «حرام شدن مردار برای آن است که باعث فساد بدنها است و نیز برای این است که باعث ایجاد صفراء است. خوردن «میته» اصولاً بدن را بدبو می‌نماید. و باعث بداخلاقی، عصبانیت، قساوت قلب و از بین رفتن مهر و عطف می‌شود. تا آنجا که نمی‌توان در مورد شخصی که گوشت مردار می‌خورد از کشتن فرزند و پدر و رفیق خود ایمنی داشت.» و در روایت دیگر از امام صادق (ع) می‌خوانیم:

«و الميتة قد جمد فيها الدم و تراجع الی بدنها فلحمها ثقيل غير مرئي لانها يوكل لحمها بدمها.» «در مردار خونها منجمد می‌شوند، آن خونها در بدن مردار می‌مانند و خارج نمی‌شوند،

بنابراین گوشت مردار ثقیل و غیر گوارا است زیرا مردار چیزی است که گوشت آن را با خودش می‌خورند.» تذکر: در این روایات علاوه بر آنکه به آثار زیانبار جسمی خوردن گوشت مردار اشاره شده به آثار زیانبار روحی و معنوی آن نیز اشاره شده است. (مثل سخت‌دلی و کم شدن محبت) و این بعد از تأثیرات مردار خواری در علوم پزشکی عصر ما هم بدانها توجه شده است.

۲. در تفسیر نمونه می‌خوانیم:

«دستگاه گوارش نمی‌تواند از مردار، خون سالم و زنده بسازد، بعلاوه مردار کانونی است از انواع میکروبها. اسلام علاوه بر اینکه خوردن گوشت مردار را تحریم کرده، آن را نجس هم دانسته تا مسلمانان کاملاً از آن دوری کنند.»

۳. برخی از پزشکان می‌نویسند:

«خون، پس از مرگ جانور با توجه به ترکیبات آن (به رغم اینکه قبل از مرگ بهترین وسیله دفاع از بدن بود) به محل مناسبی برای رشد میکروبها تبدیل خواهد شد.

در بدن مردار پس از يك ساعت خون در بدن رسوب می‌کند و پس از ۴-۳ ساعت عضلات منقبض شده و به دلیل وجود اسیدها (فسفریک - فورمیک - لاکتیک) بدن خشک می‌شود و سپس حالت قلیائی به بدن برمی‌گردد و خشک شدن بدن برطرف می‌گردد و جسم به تصرف میکروبها درمی‌آید. ابتدا میکروبهای موجود در هوا و سپس میکروبهای موجود در خون بدن شروع به تکثیر نموده و در نتیجه بدن متعفن و متلاشی می‌شود. محبوس بودن خون نیز تعفن را تسریع و به تولید مثل میکروبها کمک می‌کند. اما در ذبح شرعی (سربردن حیوان) با بریده شدن وریدها و شریانهای بزرگ گردن باعث خروج تمام خون بدن حیوان خواهد شد و دست و پا زدن حیوان ذبح‌شده نیز به این امر کمک خواهد کرد.» البته این مطالب در صورتی است که حیوان در اثر بیماری نمرده باشد و گرنه در این صورت خوردن گوشت آن بسیار خطرناک خواهد بود چرا که ممکن است به بیماریهای عفونی مثل «سل - سیاه زخم - سالمونلا» دچار شده باشند که در این موارد توصیه می‌کنند تا گوشت حیوان را بسوزانند.

۴. یکی از نویسندگان می‌نویسد:

«دستور ذبح حیوانات [تا مردار نشوند] نیز از این نظر است که اگر این حیوانات در معرض حمله میکروبی قرار گرفته‌اند و در حال ابتدائی و کمون بیماری باشند. چون خون در این موقع آلوده است؛ و نشانه‌های خارجی نزد حیوان نیست لذا اسلام از نظر کاستن سمیت چنین گوشتی دستور ذبح داده است.» ۵. یکی از صاحب‌نظران در این مورد می‌نویسد:

«میته (مردار) هر حیوانی باشد، مواد آلی حیوانی سریع‌الفساد است خطرناک، زود عفونت حاصل کند هر چه هوا گرمتر فسادش بیشتر و بوی عفونت آن موذی‌تر و موجب تولید میکروب و با می‌شود... میکروب‌هایی که قبلاً در بدن حیوان و انسان بوده بواسطه جان داشتن و بودن وسایل دفاعی [دفاع] از میکروبها (مثل گلبولهای سفید که دفاع از میکروب‌های خارجی می‌کنند) تأثیر آن خنثی یا کم بود پس از خروج نفس حیوانی از قیود آزاد و شروع به فعالیت و ازدیاد می‌نماید و در تمام مناطق و مرزهای مملکت بدن منتشر و سطح بدن را فرا می‌گیرند. از این جهت محکوم به نجاست و در خصوص بدن انسان موجب غسل مس میت می‌شود.» ۶. مرحوم دکتر پاک‌نژاد می‌نویسد:

«مردار خواری به خون خواری بستگی دارد، زیرا تا شاه‌رگهای مخصوص حیوان قطع نشود به اندازه کافی خون از بدنش خارج نمی‌شود و کمتر مرداری است که خون بدنش کاملاً خارج شده باشد.»

۷. صاحب‌نظران دیگری همچون سید جواد افتخاریان، دکتر عدنان شریف و سعید ناصر البرهان و حسن یاسین عبد القادر مطالب مشابهی در مورد آثار زیانبار مردار خواری آورده‌اند.

۸. ممنوعیت خوردن گوشت خوک:

خوک یکی از حیوانات پستاندار است که در خشکی زندگی می‌کند. و گوشت و شیر آن مورد استفاده قرار می‌گیرد، ولی از نظر اسلام این حیوان در لیست غذاهای ممنوع قرار دارد. خدا در قرآن می‌فرماید:

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ... .

«خداوند تنها (گوشت) مردار و خون و گوشت خوک و... حرام کرده است.»

حکمت‌ها و اسرار علمی:

در مورد فلسفه حرمت گوشت و نجاست خوک از دو جهت می‌توان سخن راند:

اول: تأثیرات سوء روانی، معنوی و اخلاقی. برخی از مفسران می‌نویسند:

«خوک حتی نزد اروپائیان که بیشتر گوشت آن را می‌خورند سمبل بی‌غیرتی است. و حیوانی کثیف است. خوک در امور جنسی فوق‌العاده بی‌تفاوت و لا ابالی است و علاوه بر تأثیر غذا در روحیات که از نظر علم ثابت است، تأثیر این غذا در خصوص لا ابالی‌گری در مسائل جنسی مشهود است.»

دوم: ضررهای بهداشتی: بیماریهایی که توسط خوک به انسان منتقل می‌شود به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف: بیماریهایی که از جمله عوامل ابتلای به آنها گوشت خوک است:

۱. اسهال خونی: در امعای خوک انگلهایی به نام بالانتی دیوم (Coli Balantidium) زندگی می‌کنند که از أهم منابع انتشار این بیماری در سرتاسر جهان است.

۲. یرقان عفونی (بیماری وایل): این بیماری از طریق آب‌های آلوده به ادرار خوک، سگ یا موش به انسان منتقل می‌شود. اما منبع ابتلاء به یرقان عفونی از نوع (Romona) فقط خوک است.

۳. انتامیب هیستولیتیک (Entameba Hiszdgica): که انسان را به اسهال آمیبی مبتلا می‌نماید و خوک نقش ناقل این میکروب را به انسان ایفا می‌کند.

۴. بیماری شبه باد سرخ (Ergpeloid): حیوانات زیادی و از جمله خوک به آن مبتلا می‌گردند و از طریق این حیوانات به گروه خاصی از انسانها از قبیل قصاب‌ها، دباغ‌ها و ماهی‌فروشان منتقل می‌گردد. که در انسان به صورت لکه‌های سرخ و دردناک توأم با سوزش شدید روی دست‌ها ظاهر می‌شود.

۵. میزان چربی و اسیداوریک موجود در گوشت خوک خیلی زیاد است و به همین دلیل در ابتلاء به بیماری‌های بسیاری نقش دارد که از جمله آنها می‌توان از بیماریهای تصلب شرایین - دردهای مفصلی و مسمومیتها، نام برد.

۶. خوک از خوردن چیزهای پلید و کثافات حتی مدفوع خود، باك ندارد. و لذا معده خود را لانه انواع و اقسام میکروب‌های امراض قرار داده و از آنجا به گوشت و خون و شیر آن سرایت می‌کند.

و شاید حکمت اینکه در شریعت اسلام دستور داده شده است که ظرف آبی را که خوک از آن چیزروانی خورده یا لیسیده است هفت بار بشوئیم همین مطلب باشد. یعنی تماس مداوم و بی‌پروای خوک از طریق دهان با کثافات موجب آلودگی زیاد آن است. و لذا دو مرتبه آب ریختن در رفع آن کفایت نمی‌کند.

۵. ممنوعیت خوردن خون:

خون مایع سرخ رنگی است که در تمام رگ‌ها جریان دارد و بدن به وسیله آن تغذیه می‌شود. طعم آن اندکی شور و دارای بوی مخصوص؛ و مرکب از گلبولهای سفید و قرمز و پلاسما می‌باشد. مقدار آن در حیوانات پستاندار یک سیزدهم وزن آنهاست. انسانی که وزن بدنش ۶۵ کیلوگرم باشد، تقریباً ۵ کیلوگرم خون دارد.

و در هر میلیتر مکعب خون ۵ میلیون گلبول قرمز وجود دارد. خدا در قرآن می‌فرماید:

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ...

«همانا او خوردن مردار و خون را بر شما حرام کرد.»

حکمت و اسرار علمی:

در مورد حرام بودن خوردن خون و نجس بودن آن و اسرار علمی و فلسفه وجودی این احکام سخنان متفاوتی توسط متخصصان علوم پزشکی و غذائی بیان شده است. روایاتی نیز در این زمینه وجود دارد که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. روایات:

عن الصادق (ع) قال: «فلم حرم الدم المفسوح؟ قال: لانه يورث القساوة و يسلب الفؤاد رحمة و يعفن البدن و يغير اللون...» «مردی از امام صادق (ع) پرسید: چرا خداوند خوردن خون را حرام کرده است؟ امام (ع) فرمودند: برای آنکه خوردن خون باعث قساوت قلب و رفتن مهر و عاطفه است و خون خواری موجب تعفن بدن و تغییررنگ چهره و بدن می‌شود.»

۶. ممنوعیت نوشیدن شراب (خمر):

خمر چیست؟ خمر به معنای پوشش است و هر چیزی که چیز دیگری را بپوشاند و مخفی کند «خمار» می‌گویند. ولی در اصطلاح شریعت به هر مایع مسکر (مست‌کننده) خمر گفته می‌شود. خواه از انگور گرفته شده باشد و یا از کشمش و خرما باشد و هر نوع مشروب الکلی را شامل می‌شود.

استعمال واژه (خمر) برای مایعات مسکر به علت تناسبی است که بین معنای لغوی آن (پوشیدن) با این معنا وجود دارد، زیرا این مایعات به جهت مستی که ایجاد می‌کند، روی عقل پرده‌ای می‌افکنند و نمی‌گذارند بد را از خوب و زشت را از زیبا تمیز دهد.

آثار زیانبار خمر از نظر علوم پزشکی:

در این مورد بسیاری از صاحب‌نظران، پزشکان و مفسران، مطلب و کتاب نوشته‌اند.

که به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کنیم: در ابتدا مطلب دکتر دیاب و دکتر قرقوز را که توضیحات مشروحی در این زمینه داده‌اند می‌آوریم:

الکل با سرعت شگفت‌انگیزی از طریق بافت‌های مخاطی دهان و معده و ریه جذب شده، وارد خون می‌شود. یعنی به محض رسیدن جام محتوی مشروب به دهان، الکل جذب و سریعاً وارد جریان خون می‌شود. پس از ورود الکل به معده با توجه به نسبت آب موجود در آن به تمام بافت‌های بدن توزیع می‌گردد. اگر زن باردار مشروب الکلی مصرف کند، مقداری از الکل مصرف‌شده، به بدن جنینی که در شکم دارد می‌رسد و مستقیماً روی مغز وی اثر می‌گذارد، زیرا تأثیر مستقیم الکل روی مغز است.

دفع الکل: ۵-۱۰ درصد الکل مصرف‌شده، بدون هیچ‌گونه تبدیلی به وسیله کلیه‌ها و ریه‌ها دفع می‌شود. اما بقیه در معرض اکسیده شدن در کبد قرار گرفته و تبدیل به گاز دی اکسید کربن (CO₂) و آب و انرژی می‌شود. میزان واحد کالری بدست آمده از یک گرم الکل در این عمل به ۷ کالری می‌رسد و همین مسئله موجب بروز بی‌میلی شدید به غذا در انسان می‌گردد، که نتیجه آن دچار شدن شخص به کمبود مواد غذائی در بدن است.

(ب) بهداشت شخصی

وضو:

وضو یعنی شستن صورت و دو دست و مسح سر و دو پا با شرایط خاص که یک عبادت محسوب می‌شود. در اسلام عباداتی وجود دارد که دارای دو جنبه است: یکی بعد عبادی آن که موجب تقرب انسان به خدا و کمال معنوی او می‌شود و دوّم بعد بهداشتی و درمانی آن که آثار مفیدی در محیط اجتماعی یا شخصی انسان دارد و سلامت انسان را تأمین می‌کند. نماز - وضو - غسل - روزه ... از این قبیل عبادات هستند.

قرآن کریم در مورد دستور وضو می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ... مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَ لَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَ لِيُنِّمَ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ.

«ای اهل ایمان هنگامی که می‌خواهید برای نماز بپاییزید دست و صورت خویش را بشوئید... خدا هیچ‌گونه سختی برای شما قرار نخواهد داد و لیکن می‌خواهد تا (جسم و جان) شما را پاکیزه گرداند.»

در مورد فواید بهداشتی وضو نوشته‌اند:

«پیشگیری از ابتلا به بسیاری از بیماری‌های گوارشی که به دلیل آلودگی دست‌ها عارض می‌شوند. مهم‌ترین این بیماری‌ها، بیماری‌های عفونی (مثل وبا، تیفوئید، التهابات معوی [معدوی]، مسمومیت‌های غذائی) معروفند. تأثیر مثبت بر فعالیت دستگاه گردش خون و نشاط یافتن شخص به دلیل تحریک اعصاب و ماساژ اعضای بدن. زدودن آلودگی‌های بدن و فراهم شدن شرایط مساعد برای فعالیت پوست.»

بدن. زدودن آلودگی‌های بدن و فراهم شدن شرایط مساعد برای فعالیت پوست.»



غسل:

غسل یعنی شستن تمام بدن با شرایط خاص (مثل نیت همراه با آب پاک و...) که در شریعت اسلام به عنوان يك عبادت وارد شده است. اما همان طور که گذشت این گونه عبادات دو جنبه (عبادی - بهداشتی) دارد.

قرآن کریم در آیات متعددی افراد پاکیزه را ستایش کرده و آنها را محبوب خدا معرفی می کند.

در مورد غسل تعبیر «طهارت» را به کار می برد و در چند مورد دستور انجام غسل می دهد:

اول: افراد جنب (کسی که با جنس مخالف خود نزدیکی کرده یا به هر دلیل منی از او بیرون آمده است) غسل کنند:

وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا... مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَ لَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَ لِيُنِيبَكُمْ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ.

«ای اهل ایمان هنگامی که می خواهید برای نماز بپا خیزید... و اگر جنب هستید پاکیزه شوید (غسل کنید)... خدا هیچ گونه سختی برای شما قرار نخواهد داد و

لیکن می خواهد تا (جسم و جان) شما را پاکیزه گرداند و نعمت خود را بر شما تمام کند.» لغت «جنب» مصدر است که به معنی اسم فاعل آمده است و در اصل

به معنای «دور شونده» است. زیرا ریشه اصلی آن که «جنابت» است به معنای «بعد و دوری» و شخص جنب را به این نام می خوانند چرا که باید در آن حال از

نماز و توقف در مساجد و مانند آن دوری کند.

طهارت لباس:

پاکی و پاکیزه بودن لباس یکی از خواسته های طبیعی انسان است که اسلام نیز بر آن تأکید کرده است. قرآن کریم می فرماید:

وَ ثِيَابَكَ فَطَهِّرْ «و لباس خود را از هر عیب و آلائش پاکیزه دار.»

پاکیزگی محیط زیست:

پاک بودن محیط زیست اعم از منزل شخصی، کوچه ها و خیابان ها، اماکن عمومی مثل مساجد و مدارس و... تأثیر فراوانی در سلامت و بهداشت انسان دارد. قرآن

کریم می فرماید:

وَ طَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ «و (به او وحی کردیم که) خانه مرا برای طواف حاجیان و نمازگزاران و رکوع و سجودکنندگان پاک و پاکیزه دار.»

نتیجه گیری:

رعایت بهداشت در مسایل شخصی و اجتماعی از جمله نکته هایی می باشد که قرآن کریم بسیار بدان توجه نموده است. مشخص است که اگر دستورات قرآن کریم

را در مورد بهداشت فردی و اجتماعی رعایت کنیم بسیاری از بیماری های واگیر یا به وجود نمی آید و یا شیوع پیدا نمی کند.

قرآن کریم توجه ویژه ای به مسایل بهداشتی داشته است که به دو دسته تقسیم بندی میشود دسته اول مربوط به خوراکیهاست که عبارتند از: دعوت به

غذاهای طیب، ممنوعیت غذاهای خبیث، ممنوعیت خوردن خون، مردار، گوشت خوک، خمر و دسته دوم مربوط به بهداشت شخصی و اجتماعی است که عبارتند از:

وضو، غسل، تمیزی لباس و مکانهای اجتماعی و محیط زیست.



دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

دانشکده میبد



شناخت پایه های ایمان در نهج البلاغه

پژوهشگر: فریده میرزاطیبی

چکیده

ایمان در ادیان الهی (یهودیت، مسیحیت، و اسلام) از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است، زیرا در همه ی آنها نجات و رستگاری مبتنی بر ایمان است، امیرمومنان علی (ع) در نهج البلاغه در مورد ایمان و پایه های آن سخن بسیار گفته اند. این مقاله شناخت پایه های ایمان از دیدگاه امام علی (ع) و آیات قرآن و بررسی هر کدام از پایه ها از نظر لغوی، فقهی و..... مورد تحقیق قرار داده است. پایه های ایمان چهار مورد است و هر کدام چهار شعبه دارد که عبارتند از: صبر، شوق و ترس و پارسایی و انتظار. (ب) یقین: بینایی هوشمندانه و دریافت از روی حکمت و پند گرفتن از چیزهای عبرت آمیز و رفتن به روش پیشینیان. (ج) عدالت: فهمی که به عمق چیزها رسد و علمی که حقایق را دریابد و داوری کردنی نیکو و راسخ بودن در بردباری (د) جهاد: امر به معروف و نهی از منکر و پیکار در راه دین و دشمنی با فاسقان.

واژه های کلیدی: نهج البلاغه، امیر مومنان علی (ع)، هوشمندانه، حکمت

مقدمه

بیان مسئله:

چه میشود که پایه های ایمان در هم می شکند؟

همه ی ادیان الهی (یهودیت، مسیحیت، اسلام) مبتنی بر ایمان هستند. زیرا در متون مقدّس آنها همه ی آنچه که خدا از انسان میخواهد بر اساس ایمان است.

امام علی (ع) میفرماید: **الْإِيْمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ، وَ إِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ، وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ**: ایمان، بر شناخت با قلب، اقرار با زبان و عمل با اعضا و جوارح استوار است. (نهج البلاغه، حکمت ۲۲۷)

ایمان، از ریشهی اَمن است که به معنی اعتماد کردن، پذیرفتن، و گرویدن به کار رفته است. اصل اَمن طمأنینه نفس و زوال خوف است. ایمان در لغت به معنای تصدیق و نقیض کفر استعمال شده است (الراغب الصفهانی، مفردات ۲۵-۲۶)

ایمان به معنای تسلیم توأم با اطمینان خاطر است (قرشی بنابی، قاموس ۸۱/۱،....) ان افضل ما توسل به المتوسلون الی الله سبحانه و تعالی، الایمان به و برسوله... برترین وسیله ای که متوسلین به خدا به آن چنگ می زنند ایمان به خداوند و رسولش است (نهج البلاغه، حکمت ۱۱۰)

واما ایمان در عصر حاضر:

در عصر حاضر بسیاری از ما مذهبی ها ادعای با ایمان بودن، ادعای شناخت کتاب دین و عمل به دستورات نهفته در آن و ادعای شناخت پیامبر (ص) و..... داریم

اما سریع در برابر مشکلات و ناملازمات موجود در زندگی، شکیبایی و صبر خویش را از دست داده و پذیرای غم و اندوه هستیم و اگر این معطلات ذره ای قابل توجه باشد، همه ی دین و ایمان را فراموش کرده و حتی در برخی از موارد، خلق و خوی کفار را به خود گرفته و همچون آنها عمل میکنیم.

چرا؟

پیشینه

تا آن جا که امکان جستجو بود در خصوص موضوع بررسی شناخت پایه های ایمان در نهج البلاغه هیچ کتاب، پایان نامه، و مقاله ای به زبان فارسی یافت نشد. البته در مورد ایمان و نهج البلاغه، اسلام و ایمان در نهج البلاغه و..... پایان نامه و مقاله ها و.... نوشته شده است

اهمیت و ضرورت

از آن جا که همه ی ادیان الهی بر ایمان مبتنی شده اند، و نجات و رستگاری را منوط به ایمان دانسته اند و نیز از آن جایی که ما شناخت چندانی از ایمان و پایه های آن نداریم بران شدیم که به بررسی این موضوع بپردازیم

۱. آشنایی با شناخت پایه های ایمان در نهج البلاغه
(الایمانُ علی اربع دعائم ایمان بر چهار پایه استوار است.....)

۲. کمک به افرادی که در هنگام روبه رویی با مشکلات ناامید و سست میشوند

فرضیه

ناامیدی در برابر ناملازمات، ریشه در ضعف پایه های ایمان و عدم توکل دارد

شناخت پایه های ایمان از منظر امیرالمومنین (ع)

ایشان فرمودند: ایمان را چهار پایه است: صبر و یقین و عدل و جهاد.

صبر را نیز چهار شعبه است: شوق و ترس و پارسایی و انتظار.

پس، هر که در او شوق بهشت باشد، باید که از شهوات دوری جوید و هر که از آتش دوزخ ترسد، باید که از محرّمات اجتناب کند، و هر که در دنیا پارسایی گزیند، تحمل مصیبتها بروی آسان شود و هر که در انتظار مرگ باشد، به کارهای نیک شتاب کند.

یقین را چهار شعبه است: بینایی هوشمندانه و دریافت از روی حکمت و پند گرفتن از چیزهای عبرت آمیز و رفتن به روش پیشینیان.

هر که از روی هوشمندی نگرد، حکمت بروی آشکار شود و هر که از حکمت بروی آشکار شود، آموخته است که چگونه از حوادث عبرت گیرد و هر که عبرت گرفتن را آموزد، گویی با گذشتگان در گذشته، زیسته است.

عدالت را چهار شعبه است: فهمی که به عمق چیزها رسد و علمی که حقایق را دریابد و داوری کردنی نیکو و راسخ بودن در بردباری. آنکه نیکو فهم کند به عمق دانایی رسد و هر که به عمق دانایی رسد، از آبشخور احکام دین سیراب بیرون آید و هر که بردباری را شعار خود سازد، در کارها تقصیر ننماید و در میان مردم، ستوده زیست کند.

جهاد را نیز چهار شعبه است: امر به معروف و نهی از منکر و پیکار در راه دین و دشمنی با فاسقان.

پس، هر که امر به معروف کند، مؤمنان را پشتیبانی نیکوست و هر که نهی از منکر نماید، بینی منافقان را بر خاک مالیده و هر که در راه خدا پیکار کند، آنچه را بر عهده داشته به جای آورده و هر که با فاسقان دشمنی کند و برای خدا خشمگین شود، خدا را در روز جزا خشنود ساخته است

شرح کلام حضرت :

امام (علیه السلام) در این کلام جامع، تفسیری برای ایمان ذکر کرده که در هیچ منبع دیگری به این گستردگی و وضوح دیده نمی شود؛ ایمان را فراتر از جنبه های عقیدتی، از جنبه های عملی و رفتاری نیز مورد توجه قرار داده است و تمام ریزه کاری ها و نکات دقیقی را که در تشکیل ایمان مؤثر است بر شمرده است. نخست ایمان را بر چهار پایه و هر یک از پایه ها را بر چهار پایه دیگر استوار دانسته که مجموعاً شانزده اصل از اصول ایمان (عقیدتی و عملی) را تشکیل می دهد و به یقین اگر کسی بتواند این اصول شانزده گانه را در خود زنده کند در اوج قله ایمان قرار خواهد گرفت و چنین ایمانی است که می تواند دنیا را به سوی امنیت و آرامش و عدل و داد رهبری کند و انسان را به مقام قرب پروردگار و اوج افتخار انسانی برساند. همان گونه که در ذیل این حدیث شریف خواهد آمد، امام برای کفر هم چهار ستون قائل شده است و همچنین برای شک و از کلام مرحوم سیّد رضی استفاده می شود که این حدیث شریف دارای ذیل قابل ملاحظه ای بوده که سیّد رضی آن را از بیم طولانی شدن سخن حذف کرده و مطابق آنچه بعضی نقل کرده اند امام (علیه السلام) در ذیل، پایه های نفاق را نیز مشروحا بیان فرموده است. همان گونه که در شرح مصدر این کلام حکمت آمیز آمد در این که سؤال کننده از امام (علیه السلام) درباره حقیقت ایمان چه کسی بوده اختلاف است؛ بعضی آن را یکی از بهترین یاران آن حضرت یعنی «عمار یاسر» و بعضی آن را یکی از دشمنان سرسخت آن حضرت یعنی «ابن کواء» می دانند که احتمال اول به ذهن بسیار نزدیک تر است. ولی در هر حال در بعضی از روایات آمده که امام (علیه السلام) از دادن پاسخ شخصی به او امتناع ورزید و چون سؤال و جواب را بسیار مهم می دانست فرمود: برو فردا بیا تا در جمع اصحاب و یاران به تو پاسخ گویم، تا اگر تو فراموش کنی دیگری آن را حفظ کند، زیرا این گونه سخنان همچون مرکبی فراری است که یکی آن را نمی تواند بگیرد و دیگری آن را می گیرد. امام (علیه السلام) در آغاز، برای ایمان چهار ستون قائل می شود و در پاسخ سؤال پیش گفته می فرماید: «ایمان بر چهار پایه استوار است: بر صبر و یقین و عدالت و جهاد»؛ (وَسُئِلَ عَنِ الْإِيمَانِ فَقَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): الْإِيمَانُ عَلَى أَرْبَعٍ دَعَائِمٍ: عَلَى الصَّبْرِ، وَالْيَقِينِ، وَالْعَدْلِ، وَالْجَهَادِ).

بعضی از شارحان نهج البلاغه معتقدند که این پایه های چهارگانه همان اصول چهارگانه اخلاق است که در مبانی اخلاق ارسطو آمده است، وی می گوید: اصول علم اخلاق چهار چیز است: حکمت، عفت، شجاعت و عدالت. بسیاری از علمای اخلاق اسلامی نیز اخلاق اسلام را بر پایه آن تفسیر کرده اند. آنها معتقدند که روح انسان دارای سه قوه است: قوه ادراک، جاذبه و دافعه؛ قوه ادراک حقایق را تشخیص می دهد و انسان را به تعالی علمی می رساند. قوه جاذبه، همان قوه جلب منافع است که از آن به قوه شهوت تعبیر می شود. البته نه فقط شهوت جنسی، بلکه هرگونه خواسته ای به معنای وسیع کلمه مراد است. قوه دافعه همان است که از آن به غضب تعبیر می کنند و حافظ دفع زیان ها از انسان است. آنها بر این عقیده اند که این سه قوه دارای حد وسط و حد افراط و تفریط است، حد وسط آنها فضایل اخلاقی را تشکیل می دهد و منظور از «عدل» همان بهره گیری از حد وسط است، بنابراین هرگاه نیروی شهوت و غضب در اختیار قوه ادراک قرار گیرد و عدالت حاصل شود، اخلاق آدمی به کمال رسیده است.

ولی تطبیق کلام امام بر تقسیم ارسطویی در اخلاق بعید به نظر می رسد، زیرا همان گونه که در شرح این چهار اصل خواهد آمد امام اموری را ذکر می کند که فراتر از آنهاست مثلاً صبر بر مصیبت را به زحمت می توان در مسئله شجاعت یا عفت جای داد و امر به معروف و نهی از منکر را به سختی می توان در این دو موضوع وارد دانست و همچنین موارد دیگری از شاخه هایی که امام برای این چهار اصل شمرده است، بنابراین سزاوار است ما آن را تحلیل و ارزیابی کنیم و سخن مستقلی درباره تفسیر ایمان و فضایل انسانی بدانیم که از سرچشمه قرآن و علم امام (علیه السلام) جوشیده است.

از آنجا که هدف امام (علیه السلام) در این پاسخ به سؤال، شرح و بیان ایمان از نظر اعتقاد قلبی و آثار لسانی و جنبه های عملی به طور کامل است برای هر یک از این پایه های چهارگانه، چهار شاخه بیان فرموده که در عمق حقیقت ایمان پیش رفته است.



آن گاه امام (علیه السلام) در یک نتیجه گیری حکیمانه، آثار هر یک از این شاخه های چهارگانه عدالت را بیان می کند، می فرماید: «کسی که درست بیندیشد به اعماق دانش آگاهی پیدا می کند و کسی که به عمق علم و دانش برسد از سرچشمه احکام، سیراب باز می گردد و آن کس که حلم و بردباری پیشه کند گرفتار تفریط و کوتاهی در امور خود نمی شود و در میان مردم با آبرومندی زندگی خواهد کرد»؛ (فَمَنْ فَهِمَ عِلْمَ غُورِ الْعِلْمِ؛ وَمَنْ عَلِمَ غُورَ الْعِلْمِ صَدَرَ عَنِ شَرَائِعِ الْحُكْمِ؛ وَمَنْ حَلَمَ لَمْ يَفْرِطْ فِي أَمْرِهِ وَعَاشَ فِي النَّاسِ حَمِيداً).

آری دقت در فهم، انسان را به ژرفای علم و دانش می رساند و آن کس که به ژرفای علم و دانش برسد احکام الهی را به خوبی درک می کند و هر کس احکام خدا را دقیقاً بداند هرگز گمراه نخواهد شد و کسانی که در مقابل نابخردان حلم و بردباری داشته باشند و به گفته قرآن: «(لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمِ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا)؛ عداوت نسبت به قومی شما را مانع از اجرای عدالت نشود» از حق و عدالت دور نخواهد شد و چنین انسانی قطعاً محبوب القلوب مردم است.

در روایات اسلامی درباره اهمیت حلم و بردباری و نقش آن در پیروزی انسان در زندگی روایات فراوانی وارد شده است از جمله در حدیثی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمده است که فرمود: «كَادَ الْحَلِيمُ أَنْ يَكُونَ نَبِيًّا؛ آدم بردبار نزدیک است به مقام نبوت برسد». امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید: «تَعَلَّمُوا الْجِلْمَ فَإِنَّ الْجِلْمَ خَلِيلُ الْمُؤْمِنِ وَوَزِيرُهُ؛ حلم و بردباری را بیاموزید (و آن را تمرین کنید) زیرا دوست مؤمن و وزیر اوست».

امام صادق (علیه السلام) نیز در صفات مؤمن می فرماید: «لَا يَرَى فِي جِلْمِهِ نَقْصٌ وَلَا فِي رَأْيِهِ وَهْنٌ؛ نه در بردباری او کاستی است و نه در اندیشه اش سستی».

پایه چهارم ایمان: جهاد

سپس امام (علیه السلام) از چهارمین پایه ایمان یعنی جهاد دم می زند و برای آن مانند سه پایه گذشته چهار شاخه ذکر می کند و می فرماید: «جهاد (نیز) چهار شاخه دارد: امر به معروف، نهی از منکر، صدق و راستی در معرکه های نبرد، و دشمنی با فاسقان»؛ (وَالْجِهَادُ مِنْهَا عَلَىٰ أَرْبَعِ شُعَبٍ: عَلَى الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ، وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَالصِّدْقِ فِي الْمَوَاطِنِ، وَشَتَانِ الْفَاسِقِينَ).

در واقع امام جهاد را به معنای وسیع کلمه تفسیر فرموده نه تنها جهاد نظامی در میدان جنگ با دشمنان که نتیجه همه آنها عظمت اسلام و مسلمانان و دفع شر کافران و فاسقان و منافقان است و به تعبیر دیگر امام به هر چهار محور جهاد: جهاد با قلب، با زبان، با عمل و با اسلحه در میدان نبرد اشاره می کند که جهادی است فراگیر و شامل تمام مصداق ها.

آن گاه آثار هر یک از این شاخه های چهارگانه را به روشنی برمی شمرد و می فرماید: «آن کس که امر به معروف کند پشت مؤمنان را محکم ساخته»؛ (فَمَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ شَدَّ ظُهُورَ الْمُؤْمِنِينَ).

«و آن کس که نهی از منکر کند بینی کافران (منافقان) را به خاک مالیده»؛ (وَمَنْ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ أَرْغَمَ نُتُوفَ الْكَافِرِينَ).

«و کسی که صادقانه در میدان های نبرد با دشمن (و هرگونه مقابله با آنها) بایستد وظیفه خود را (در امر جهاد با دشمن) انجام داده است»؛ (وَمَنْ صَدَقَ فِي الْمَوَاطِنِ قَصَى مَا عَلَيْهِ).

«و کسی که فاسقان را دشمن دارد و برای خدا خشم گیرد خدا نیز به خاطر او خشم می کند (و او را در برابر دشمنان حفظ می نماید و روز قیامت وی را خشنود می سازد)»؛ (وَمَنْ شَتَى الْفَاسِقِينَ غَضِبَ اللَّهُ، غَضِبَ اللَّهُ لَهُ وَأَرْضَاهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ).

در حدیثی از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) که در غررالحکم آمده می خوانیم: «قِوَامُ الشَّرِيعَةِ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَإِقَامَةُ الْحُدُودِ؛ اساس شریعت و دین امر به معروف و نهی از منکر و اجرای حدود الهی است».

در حدیث دیگری از آن حضرت در همان کتاب آمده است: «الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ أَفْضَلُ أَعْمَالِ الْخَلْقِ؛ امر به معروف برترین اعمال بندگان خداست».

در روایت دیگری آمده است: «كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) إِذَا مَرَّ بِجَمَاعَةٍ يَخْتَصِمُونَ لَا يَجُوزُهُمْ حَتَّى يَقُولَ ثَلَاثًا اتَّقُوا اللَّهَ يَرْفَعِ بِهَا صَوْتَهُ؛ امام صادق (علیه السلام) هنگامی که از کنار گروهی عبور می کرد که با یکدیگر در حال پرخاش بودند می ایستاد و با صدای بلند فریاد می زد: از خدا بترسید، از خدا بترسید، از خدا بترسید (تا شرمند شوند و دست از نزاع بردارند)».

قرآن مجید صادقان را در سوره بقره آیه ۱۷۷ چنین معرفی می کند: «(لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ... وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالصَّرَاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ)؛ نیکی (تنها) این نیست که (به هنگام نماز) روی خود را به سوی مشرق یا مغرب کنید (و تمام در فکر تغییر قبله باشید) بلکه نیکی (و نیکوکار) کسی است که به خدا ایمان داشته باشد... و در برابر مشکلات و بیماری ها و در میدان جنگ استقامت به خرج دهد. آنها کسانی هستند که راست می گویند و آنها پرهیزگارانند».

تعبیر به «مواطن» ممکن است اشاره به میدان های نبرد باشد، همان طور که در قرآن مجید آمده است: (لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ)

و ممکن است معنی گسترده ای داشته باشد که هرگونه مقابله با دشمنان را چه در میدان نبرد و چه در غیر آن شامل شود.

منظور از غضب برای خدا این است هنگامی که حدی از حدود الهی شکسته شود یا مظلومی گرفتار ظالمی گردد انسان خشمگین شود و به دفاع برخیزد. در حدیثی می خوانیم هنگامی که موسی (علیه السلام) از خداوند سؤال کرد: چه کسانی را روز قیامت که سایه ای جز سایه تو نیست در سایه عرش قرار می دهی؟ خداوند به او وحی فرمود و گروهی را برشمرد از جمله فرمود: «وَ الَّذِينَ يَغْضَبُونَ لِمَعَارِمِي إِذَا اسْتَحَلَّتْ مِثْلَ النَّمْرِ إِذَا حَرِدَ؛ کسانی که به سبب حلال شمردن محارم الهی خشمگین می شوند همچون پلنگی که مجروح شده است».

در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) آمده است هنگامی که دو فرشته مأمور شدند شهری از معصیت کاران را زیر و رو کنند پیرمردی را دیدند که به دعا و تضرع در پیشگاه الهی مشغول است یکی از آن دو فرشته به دیگری گفت: مگر این پیرمرد دعا کننده را نمی بینی؟ بار دیگر از خدا کسب تکلیف کنیم خطاب آمد که بروید و دستور مرا انجام دهید و در بیان علت آن فرمود: «فَإِنَّ ذَا رَجُلٌ لَمْ يَتَمَعَّرْ وَجْهَهُ غَيْظًا لِي قَطُّ؛ این مردی است که هرگز چهره اش به دلیل خشم بر معصیت کاران دگرگون (و سرخ) نمی شد».

منظور از جمله «غَضِبَ اللَّهُ لَهُ وَأَرْضَاهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» این است که اگر ستمی به او برود و حقی از او ضایع شود خداوند به سبب آن خشمگین می شود و اگر در دنیا جبران نکند در قیامت او را خشنود خواهد ساخت. ۲

در این قسمت بر آن شدیم که هرکدام از پایه های ایمان را بررسی کنیم :

صبر:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند رحمتگر مهربان

وَالْعَصْرِ ۱

سوگند به عصر [غلبه حق بر باطل] (۱)

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ ۲

که واقعا انسان دستخوش زیان است (۲)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ۳

مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده اند (۳)



صبر از منظر امام علی (ع) :

هیچ ایمانی همانند حیا و صبر نیست ۳

ضرورت و ره آورد صبر در کلام ایشان :

کسی را که شکیبایی نجات ندهد، بی تابی او را هلاک گرداند ۴
انسان شکبیا، پیروزی را از دست نمیدهد هرچند زمان آن طولانی باشد ۵

صبر در لغت

در لغت عرب به معنای حبس و در تنگنا و محدودیت قرار دادن است. ۶
و برخی نیز آن را بازداشتن نفس از اظهار بی تابی و بی قراری دانسته اند. ۷

در فرهنگ اخلاقی، صبر عبارت است از وادار نمودن نفس به انجام آنچه که عقل و شرع اقتضا می کنند و باز داشتن از آنچه عقل و شرع نهی می کنند. ۸
با توجه به تعاریف مذکور، «صبر» یک صفت نفسانی بازدارنده و عامی است که دارای دو جهت عمده است: از یک سو گرایش ها و تمایلات غریزی و نفسانی انسان را حبس و در قلمرو عقل و شرع محدود می کند.
از سوی دیگر نفس را از مسئولیت گریزی در برابر عقل و شرع باز داشته و آن را وادار می کند که زحمت و دشواری پایبندی به وظایف الهی را بر خود هموار سازد. البته این حالت اگر به سهولت و آسانی در انسان تحقق یابد، به آن «صبر» و هرگاه فرد خود را با زحمت و مشقت بدان وادار سازد، «تصبر» می گویند.

بر مبنای مفهوم عام و گسترده ای که برای صبر بیان شد، عالمان اخلاق از جهات مختلف انواع متعددی برای صبر بیان داشته اند که مهم ترین آنها به اختصار بیان می گردد.

از جهت مفهوم: بر طبق تعاریف پیش گفته، گاهی مراد از صبر، ایجاد هر نوع محدودیت در جاذبه ها و دافعه های نفسانی است که مفهومی عام است و گاهی مراد از آن صرفا بازداشتن نفس از اظهار بی تابی و عدم رضایت نسبت به امور ناخوشایند و سختی ها است. بنابراین صبر دارای دو مفهوم است که گاهی در مفهوم خاص به کار می رود.

از جهت موضوع: صبر در مفهوم عام خود، از حیث موضوع دارای انواع متعددی است:

صبر بر مکروهات گاهی صبر بر سختی ها و مصیبت ها و عدم اضطراب و پریشانی و حفظ سعه صدر در مقابل آنها است، که به آن «صبر بر مکروهات» می گویند و در مقابل آن «جزع» و بی قراری وجود دارد.

صبر بر سختی ها نوع شایع و رایج آن همین قسم است. صبر بر دشواری های جنگ شجاعت نام دارد و در مقابل آن «جبن» و ترس قرار دارد. گاهی در مقابل سرکشی و طغیان غضب و خشم است، که حلم و کظم غیظ نام دارد. گاهی صبر، در انجام عبادت است که در مقابل آن فسق قرار داد و به مفهوم عدم پایبندی به عبادات شرعی است.

صبر بر معصیت گاهی صبر در برابر شهوات شکم و غریزه جنسی است که عفت نام دارد و در مقابل غریزه دنیاطلبی و زیاده خواهی است که زهد نام دارد و در مقابل آن حرص قرار می گیرد. گاهی نیز صبر بر کتمان اسرار است که رازداری نام دارد. ۹ و هم چنین برخی از عالمان اخلاق، صبر را از این جهت به صبر بر متاع دنیا (سراء) و صبر بر بلا (ضراء) تقسیم کرده اند. ۱۰

پاداش صبر بر مصیبت پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله می فرماید: صبر سه قسم است: ۱. صبر به هنگام دیدن مصیبت ۲. صبر بر طاعت خدا ۳. صبر به هنگام معصیت. بنابراین هرکس بر مصیبتی صبر کند و سختی آن را به نیکویی تحمل نماید خدای متعال برای وی سیصد درجه می نویسد بطوری که ما بین هر درجه فاصله ای هست به مقدار فاصله موجود میان آسمان و زمین. و هرکس بر طاعت خدا صبر نماید خدای متعال برای وی ششصد درجه عطا می کند که ما بین هر درجه فاصله ای هست مثل فاصله موجود میان پائین ترین نقطه زمین تا عرش خدا. و هرکس بر معصیت خدا صبر کند (معصیت خدا را انجام ندهد) خدای متعال برای وی نهصد درجه عنایت می فرماید که ما بین هر درجه فاصله ای هست مثل مقدار فاصله موجود از پائین ترین نقطه زمین تا منتهای عرش خدا.
از جهت حکم

صبر به اعتبار حکم تکلیفی اش به پنج نوع تقسیم می شود: صبر واجب که در مقابل شهوات و گرایش های حرام است و صبر مستحب که بر دشواری های انجام مستحبات، است. صبر حرام که بر بعضی آزار و اذیت ها است؛ مانند صبر در مقابل تجاوز دیگران بر مال، جان و ناموس انسان. صبر در مقابل امور مکروه و ناخوشایند، مانند صبر بر سختی روزه گرفتن در روز عاشورا که مکروه می باشد. در غیر این موارد صبر مباح است. بنابراین «صبر» همواره امری پسندیده نیست، بلکه گاهی حرام و مکروه هم می شود.

ارزش صبر در آیات

در آیات دیگر در تعیین مقدار پاداش صابران می فرماید: اولئک یؤتون اجرهم مرتین بما صبروا و یدروُن بالحسنة السیئة و مما رزقناهم ینفقون ۱۱ (قصص / آیه ۵۴)

آنان اند که به (پاس) آنکه صبر کردند و (برای آنکه) بدی را با نیکی دفع می نمایند و از آنچه روزی شان داده ایم انفاق می کنند، دوبار پاداش خواهند یافت.

در جای دیگر اعلام می دارد که اجر و پاداش صابران از حد و شمارش خارج است و آنها بدون حساب، پاداش دریافت می دارند:

انما یوفی الصابرون اجرهم بغير حساب ۱۲ (زمر، آیه ۱۰).

همچنین خداوند به صابران وعده همراهی داده است: و اصبروا ان الله مع الصابرين ۱۳

(انفال / آیه ۴۶)

و صبر کنید که خداوند با شکیبایان است

بلی ان تصبروا و تتقوا و یاتوکم من فورهم هذا یمددکم ربکم بخمسة آلاف من الملائكة مسومین ۱۴

(ال عمران / آیه ۱۲۵)

نصرت و پیروزی را تنها در سایه صبر و شکیبایی میسر می داند.



اولئك عليهم صلوات من ربهم ورحمة و اولئك هم المهتدون ۱۵ (بقره / آیه ۱۵۷)
 هدایت، درود و رحمت پروردگار را به صابران ارزانی می‌دارد.
 واللّٰه یحب الصّٰبرین ۱۶ (ال عمران / آیه ۱۴۶) صابران را در زمره دوستان و محبوبان خود یاد می‌کند.
 فاصبر کما صبر اولوا العزم من الرسل ۱۷ (احقاف / آیه ۳۵)
 بارها و بارها به فرستادگان خود و همه انسان‌ها سفارش به صبر می‌نماید.

از بندگان خاص خود نقل می‌کند که همواره از خداوند درخواست توفیق صبر و شکیبایی می‌کرده‌اند ۱۸، ۱۹. (بقره / آیه ۲۵۰ و اعراف / آیه ۱۲۶).

ارزش صبر در روایات
 امام صادق علیه‌السلام نیز می‌فرماید: صبر برای ایمان به منزله سر برای بدن است؛ همچنان که اگر سر برود بدن هم از بین می‌رود، اگر صبر از کف رود، ایمان نیز از کف می‌رود ۲۰

از امام باقر علیه‌السلام در باب اهمیت صبر نقل شده است: بهشت در پوششی از ناملایمات و بردباری است؛ پس هر که در دنیا بر ناملایمات صبر کند به بهشت رود. و دوزخ در پوشش لذت‌ها و خواهش‌های نفس است؛ پس هر که لذت و خواهش نفس را برآورد، به دوزخ می‌رود ۲۱

یقین :

ارزش یقین در کلام امیرالمومنین (ع) :

(صدای مردی از حروراء را شنید که نماز شب می‌خواند و قرآن تلاوت می‌کرد) فرمود:
 خوابیدن همراه با یقین، برتر از نمازگزاردن با شک و تردید است. ۲۲

با یقین می‌توان به برترین جایگاه معنوی، دسترسی پیدا کرد ۲۳

در لغت

علم است که نقطه مقابل «شک» می‌باشد و طبق آنچه از اخبار و روایات استفاده می‌شود به مرحله عالی ایمان «یقین» گفته می‌شود ۲۴
 و در اصطلاح، یقین اعتقاد و باور محکم و استواری است که مطابق با حقیقت باشد و به هیچ وجه امکان زوال و احتمال خلاف در او راه ندارد. ۲۵
 به طوری که انسان همه چیز را از مسبب‌الاسباب بداند و به اسباب توجه نکند بلکه واسطه‌ها را مسخر حَق و فاقد هر حکم و قدرت بداند و کسی که بر این اعتقاد باشد دارای یقین است. ۲۶

نظر علامه طباطبایی

«یقین به معنی قوت ادراک ذهنی است، به طوری که قابل زوال و ضعف نباشد» ۲۷

مورد و متعلق یقین یا مربوط است به چیزی که از لوازم و اجزاء ایمان است مانند اعتقاد به وجود خداوند تبارک و تعالی و بعثت انبیا و عالم آخرت، و یا مربوط به اموری است که دخالتی در ایمان ندارد و آنچه در کمال انسان و رسیدن او به سعادت نقش دارد، قسم اول است و آن یقین داشتن به این است که تمام امور هستی به دست خداست و او مسبب‌الاسباب می‌باشد؛ هیچ‌گونه توجهی به غیر او نداشته بلکه همه اسباب و وسائط را مسخر فرمان و حکم خدا بداند. بداند که خدا ضامن روزی اوست و هر چه را او مقدر کرده می‌رسد، و در نتیجه طمعی به دیگران نداشته باشد.
 بداند که نتیجه تمامی اعمال خوب و بد خود را می‌بیند و خدای شاهد و ناظر بر اعمال، خود حاکم روز قیامت است. و حتی از خاطرات قلبی انسان نیز آگاه است. این حقیقت یقین است.

کسی که دارای چنین یقینی باشد به لوازم آن نیز ملتزم می‌شود، زیرا تفاوت میان ایمان و یقین به همین است که چه بسا انسان ایمان به چیزی دارد ولی بعضی از لوازم آن را فراموش می‌کند و در نتیجه، عمل منافی با ایمانش انجام می‌دهد، به خلاف یقین که دیگر با فراموشی نمی‌سازد، زیرا اگر کسی عالم و مؤمن به روز حساب باشد و همواره به یاد آن روزی باشد، که به حساب کوچک و بزرگ اعمالش می‌رسند، مرتکب گناهان نگردیده بلکه نزدیک فرق‌گاه‌های خدا هم نمی‌شود. ۲۸

در آیات قرآن یقین در چند معنی استعمال گردیده است:

- ۱- به معنی علم و آگاهی کامل. ما لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَ مَا قَتَلُوهُ یَقِینًا ۲۹ (نساء / آیه ۱۵۷). یعنی و ما قتلوه من غیر شک
 - ۲- به معنی مرگ. وَ اَعْبُدْ رَبَّکَ حَتّٰی یَاتِیَکَ الْیَقِینُ ۳۰ (حجر / آیه ۹۹). یعنی حَتّٰی یَاتِیَکَ الموت
 - ۳- به معنی آشکار و روشن. کَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْیَقِینِ ۳۱ (تکواثر / آیه ۵). یعنی اگر حادثه بزرگ عالم آخرت برای شما روشن و آشکار می‌شد
- عدل :

تعریف عدل در کلام امام علی (ع)

عدل آن است که او (خدا) را متهم نسازی ۳۲.

عدل، همان انصاف است ۳۳

عدل الهی در کلام ایشان : میان مخلوقات به عدل و داد رفتار کرد و در اجرای احکام عادلانه فرمان داد ۳۴



قاطعیت و ضرورت در اجرای عدالت از منظر ایشان :

در عدالت گشایش برای عموم است، و آن کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم برای او سخت تر است ۳۵

شناخت عدل و بخشش در کلام امیر:

از امام پرسیدند عدل یا بخشش، کدام یک برتر است، فرمودند :

عدالت: هر چیزی را در جای خود می نهد، در حالی که بخشش آن را از جای خود خارج می سازد.

عدالت تدبیر عمومی مردم است، در حالی که بخشش گروه خاصی را شامل است، پس عدالت شریف تر و برتر است. ۳۶

در لغت

العَدَالَةُ و «المُعَادَلَةُ» لفظی است که در حکم و معنی مساوات است و به اعتبار نزدیک بودن عدل به مساوات در آن مورد هم به کار می رود. «عَدْلٌ» در چیزهایی که با بصیرت و آگاهی درک می شود، به کار می رود مثل احکام و عَدْلٌ و «عدیل» در چیزهایی است که با حواس درک می شوند مثل اوزان، اعداد و پیمانها. ۳۷ «عدل» ضد ظلم و جور و هم معنی قسط است، ریشه و مشتقات عدل نزدیک به سی بار در قرآن ذکر شده و این تکرار اشاره دارد به اینکه قرآن درباره عدل توجه فراوانی دارد.

معنای عرفی

«عدل» به معنای رعایت حقوق دیگران در برابر ظلم و تجاوز به کار می رود از این رو عدل را به معنی «اعطاء كل ذي حق حقه» گرفته اند، و برخی در معنای عدل توسعه داده اند و آن را به معنای «هر چیزی را در جای خود نهادن یا هر کاری را به وجه شایسته انجام دادن» به کار برده اند. ۳۸

عدالت خداوند

عدالتی که جزء اصول مذهب است یکی از صفات خداست و در اصل خداشناسی که نخستین اصل از اصول دین است مندرج می باشد، ولی ممتاز ساختن آن بسیار پرمعنی است به همین دلیل در مباحث اجتماعی اسلام روی هیچ اصلی به اندازه عدالت تکیه نشده است. خدای متعال، نسبت به هیچ کس ظلم و ستم نمی کند و کاری را که عقل سالم آن را زشت می شمارد، انجام نمی دهد. خداوند عادل است و جهان را بر مبنای عدالت آفریده است روزی مردم را اندازه گیری فرموده و از روی عدالت به هر کدام نصیبی از وسعت رزق و تنگدستی داده است، جز به عدالت فرمان نمی دهد و به ستم پاداش کسی را ضایع نخواهد کرد.

عدالت در اخلاق

افعال انسان در عدالت، به میانه روی و اعتدال انجام می شود و این از شریف ترین و برترین فضیلت هاست، زیرا جامع همه فضایل و ملازم آنهاست، عدالت اخلاق، در حقیقت شامل تعادل و عدالت میان قوای درونی انسان و انعکاس آن بر رفتار ظاهری است و مصداق آن انبیاء علیهم السلام می باشند.

عدالت از نظر فقهی

عدالت عبارت است از ملکه و نیرویی که سبب می شود انسان واجبات را انجام دهد و محرّمات را ترک کند. اسلام برای ترویج این صفت، امتیازات و شخصیت هایی به افراد داده است، مثل رهبریت، مرجعیت قضاوت، شهادت، امامت جماعت و... عدالت یا متعلق به اخلاق و افعال یا به تقسیم اموال یا به معاملات و دادوستد یا به احکام و سیاست ها مربوط شود، عادل در هر یک از این موارد برای برقراری تساوی و تعادل افراط و تفریط را به اعتدال و میانه باز می گرداند، عادل حقیقی باید به قوانین الهی، عالم باشد تا بتواند در امور، حفظ مساوات کند.

عدالت در قرآن

عدالت به همراه مشتقات، وجوه و نظایرش به دو گونه فعلی و اسمی در قرآن آمده است. «تعدیل کردن، به عدالت و مساوات رفتار کردن، به عدالت حکم کردن، انصاف دادن، عوض دادن و...» از وجوه فعلی و «برابر، مقدار، دادگری، فدیة، تحریف ناپذیری، زوال ناپذیری و...» از وجوه اسمی آن می باشد. ۳۹

عدالت اساس تقوا

عدالت به عنوان مهمترین رکن تقوا نیز مورد تأکید قرار گرفته است، گاهی ظلم و ستم به خاطر هواپرستی و حفظ منافع شخصی است، نه به خاطر حب و بغض دیگران، بنابراین ریشه واقعی انحراف از عدالت همان پیروی از هوای نفس است. نکته دیگر اینکه صرف عدالت نظری و تئوریک تنها مورد توجه اسلام نیست، آنچه مهمتر است اجرای عدالت است. ۴۰

ارزش عدالت

عدل دارای جاذبه ای فطری است و نزد وجدان عمومی بشریت، ارزش گرانقدر دارد، زیرا در سایه عدل، هر کسی به حق خویش می رسد، تعدی و تجاوز از جامعه رخت برمی بندد و امنیت و آرامش بر همه جا حاکم می شود. به همین جهت مردم، بی عدالتی را نکوهش می کنند و عدالت را می ستایند.

امام صادق علیه السلام درباره این حقیقت که بی عدالتی عیب، و عدالت خوشایند همگان است فرموده است:

(اِتَّقُوا اللَّهَ وَاعْدِلُوا فَانْكُمْ تُعَيِّنُونَ عَلَى قَوْمٍ لَيَعْدِلُونَ؛

از خداوند پروا کنید و به عدالت رفتار کنید، چرا که شما به قومی که عدالت نکند خرده می گیرید.

همچنین فرموده است:

العَدْلُ أَحْلَى مِنَ الشَّهَادَةِ وَآلَيْنٌ مِنَ الزَّيْدِ وَاطْيَبُ رِيحًا مِنَ الْمَشْكِ؛

عدل از عسل شیرین تر، از کره نرم تر و از مشک خوشبو تر است. (۴۱)

آری همچنان که عسل به کام هر کسی شیرین و بوی خوش مشک خوشایند همگان است، رایحه عدل نیز نزد همگان پسندیده و خوشایند است.

این سخن اشاره به این است که مردم تشنه عدالتند و انجام یک کار عادلانه، هر چند قلیل، موجب گشایش کارهای بسیار می شود.



عوامل انحراف از مسیر عدالت

با فطری بودن جاذبه عدل، این سؤال مطرح است که عامل انحراف بشر از مسیر عدل چیست؟ از برخی آیات قرآن استفاده می‌شود که «امیال نفسانی» و نیز «حب و بغض» های بیجا از جمله انگیزه‌های بشر در سرپیچی از اجرای عدل است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَن تَعْدِلُوا؛ ٤٢ (نساء / آیه ١٣٥).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، کاملاً قیام به عدالت کنید، برای خدا گواهی دهید؛ اگرچه بر ضرر خود یا پدر و مادر و خویشان شما باشد، چه فقیر باشند و یا توانگر، پس (در هر حال) خداوند سزاوارتر است (که جانب او را مراعات کنید) پس پیروی هوای نفس نکنید که از حق منحرف خواهید شد. «

آری پیروی از هوا و هوس، روحیه عدالت‌خواهی را تضعیف می‌کند. دیده خدایین را کور می‌نماید و روزنه خودبینی را می‌گشاید و سرانجام انسان را وا می‌دارد تا به ملاحظه پدر و مادر و خویشان و اقوام، پا روی حقیقت بگذارد و از اجرای عدل سرباز زند.

کینه با دشمنان نیز از دیگر عواملی است که فرد را وا می‌دارد تا عدالت را نادیده انگارد. از این رو قرآن کریم تاکید فرموده است تا مؤمنان از بازگو کردن سخن حق در هیچ شرایطی خودداری نکنند و رعایت عدالت را بر هر چیز دیگر مقدم دارند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ؛ ٤٣ (مائده / آیه ٨٠).

ای مؤمنان، برای خدا قیام کنید و به عدالت گواهی دهید و دشمنی قومی، شما را وادار نکند که عدالت نکنید، عدالت کنید که به تقوا نزدیکتر است.

کاربردهای عدالت

در این بخش به برخی از کاربردهای عدل که به طور معمول در زندگی روزمره با آنها روبه‌رو هستیم، اشاره می‌کنیم؛

شهادت به حق

عدالت ایجاب می‌کند که یک فرد مسلمان در داوری‌های رسمی و خودمانی همواره طرفدار «حق» و «اهل حق» باشد و اگر او را به گواهی دادن طلبیدند، صادقانه گواهی دهد، گرچه به زیان خودش باشد

چنانکه آیه یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَن تَعْدِلُوا؛ بر این مطلب تصریح دارد و حضرت صادق (علیه‌السلام) نیز آن را از حقیقت ایمان شمرده است:

إِنَّ مِنْ حَقِيقَةِ الْإِيمَانِ أَنْ تُؤَيَّرَ الْحَقُّ وَإِنْ مَرَّكَ، عَلَى الْبَاطِلِ وَإِنْ تَفَعَّكَ...؛ ٤٤

از حقیقت ایمان (این) است که حق را - گرچه به زیان باشد - بر باطل - گرچه به سودت باشد - مقدم بداری.

قضاوت به حق

ممکن است کسانی گاه و بیگاه ما را به داوری بخوانند مانند داوری میان دو همسایه، دو همکار، دو فرزند، زن و شوهر و... در این‌گونه موارد، عدالت حکم می‌کند که آنچه را حق تشخیص می‌دهیم، اظهار کنیم و ملاحظه و رودریایی سبب حق‌کشی ما نشود، چنین کاری ممکن است در ابتدا برای ما آسان بنماید، ولی هنگام عمل خواهیم دید که چندان هم آسان نیست، به‌ویژه اگر یک طرف دعوا دوست، و طرف مقابل، دشمن باشد. در این‌گونه موارد خواهیم یافت که حق‌گویی و داوری به حق، سخت و سنگین است.

چنانکه رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله وسلم می‌فرماید:

الْحَقُّ ثَقِيلٌ مُرٌّ وَالْبَاطِلُ خَفِيفٌ حُلُوٌّ...؛ ٤٥ حق سنگین و تلخ، و باطل سبک و شیرین است!

و اگر کسی این سنگینی را تحمل کند و آن تلخی را بچشد، شایسته آن است که امام علی (علیه‌السلام) درباره‌اش بفرماید:

أَفْضَلُ الْخَلْقِ إِقْضَاهُمْ بِالْحَقِّ؛ ٤٦ بهترین مردم کسی است که بیش از دیگران به حق، داوری کند.

حق‌طلبی و حق‌دهی

گرفتن حق و دادن حق نیز از لوازم عدالت است. حال، این حق، کوچک باشد یا بزرگ، فردی باشد یا اجتماعی، دینی باشد یا سیاسی، اقتصادی باشد یا فرهنگی و...

شخص عادل، هم درصدد احقاق حقوق خود و دیگران برمی‌آید، (حق‌طلبی) و هم حقوق دیگران را به آنان باز می‌گرداند. (حق‌دهی) امیرمؤمنان (علیه‌السلام) ضمن نامه‌ای به سران سپاه خود، از حق رهبر و رهروان، سخن به میان می‌آورد و گوشه‌ای از آن را شرح می‌دهد، سپس به آنان سفارش می‌کند که هم حق خود را از رده بالاتر دریافت کنند و هم، حقوق آنان را بپردازند.

انجام فرائض و ترک گناهان چنین عدالتی در مرجع تقلید، امام جماعت، قاضی، گواه در دادگاه و مانند آن شرط است، حضرت امام خمینی (قدس سره) در معنای آن فرموده است:

حالتی است نفسانی که صاحب خود را بر پایبندی به تقوا وا می‌دارد و مانع ارتکاب گناهان کبیره و با احتیاط، گناهان صغیره می‌شود... همچنین از انجام کارهایی که در عرف، بی‌مبالاتی در دین شمرده می‌شود، جلوگیری می‌کند ٤٨

در برابر چنین عدالتی فسق قرار دارد؛ یعنی کسی که مرتکب گناه کبیره شود یا برگناه صغیر اصرار بورزد، فاسق است که از مرجعیت، امامت جماعت، گواهی دادن بر دادگاه و مانند آن محروم می‌شود، مگر آنکه از گناه توبه کند.

احترام به اموال و حقوق مردم مصداق دیگر عدالت، احترام به جان، آبرو، مال و حقوق دینی و اجتماعی مردم است که باید مراعات گردد، این دادگری نیز حساس و ارزشمند است که بایستی به آن آراسته باشیم؛ اهمال یک پزشک در نجات جان بیمار، کوتاهی نیروی نظامی و انتظامی در ایجاد امنیت داخلی و خارجی، سستی یک قاضی در اعمال قانون، بی‌تفاوتی هر مسؤولی در برابر حقوق مردم و... از اموری است که عدالت را خدشه‌دار می‌کند و مرتکبین چنین کارهایی هرگز عادل شمرده نمی‌شوند.



جهاد:

ارزش جهاد در راه خدا، و ره آورد آن از منظر امیر مومنان علی (ع):
پس از ستایش پروردگار، جهاد در راه خدا، دری از درهای بهشت است، که خدا آن را به روی دوستان مخصوص خود گشوده است. جهاد، لباس تقوا، و زره محکم، و سپر مطمئن خداوند است، کسی که جهاد را ناخوشایند دانسته و ترک کند، خدا لباس ذلت و خواری بر او می پوشاند، و دچار بلا و مصیبت می شود و کوچک و ذلیل می گردد، دل او در پرده گمراهی مانده و حق از او روی می گرداند، به جهت ترک جهاد، به خواری محکوم و از عدالت محروم است. ۴۹

بهترین نوع مبارزه و جهاد در کلام ایشان :

«ای مؤمنان» هر کس تجاوزی را بنگرد، و شاهد دعوت به منکری باشد، و در دل آن را انکار کند خود را از آلودگی سالم داشته است، و هر کس با زبان آن را انکار کند پاداش آن داده خواهد شد، و از اولی برتر است، و آن کس که با شمشیر به انکار برخیزد تا کلام خدا بلند و گفتار ستمگران پست گردد، او را رستگاری را یافته و نور یقین در دلش تابیده. ۵۰

شرایط جهاد اسلامی در کلام حضرت

نیت خویش را در جهاد با دشمن راست بدارید ۵۱
در لغت :

جهاد، جنگ مشروع در راه خدا و عنوان یکی از ابواب فقه اسلامی. جهاد واژه‌ای عربی است از ریشه جه د به معنای مشقت، تلاش، مبالغه در کار، به نهایت چیزی رسیدن و توانایی. ۵۲

در اصطلاح

مهم‌ترین مفهوم اصطلاحی این واژه در متون دینی، همانند کاربرد عام آن، گونه‌ای خاص از تلاش است یعنی مبارزه کردن در راه خدا با جان، مال و دارایی‌های دیگر خود در نبرد با کافران و باغیان، با هدف گسترش و اعتلای اسلام و برپا داشتن شعائر یا دفاع از آن. ۵۳

معنای دیگر

در متون دینی، علاوه بر این معنای خاص و اصطلاحی، جهاد به مفهوم لغوی و عام خود نیز بسیار به کار رفته است، مانند کاربرد تعبیر جهاد اکبر در باره مجاهدت و تلاش نفس در برابر شیطان و هوای نفس. ۵۴

مثابه‌های جهاد

در احادیث برخی از کارها به مثابه جهاد شمرده شده‌اند، که ظاهراً برای ارج نهادن به این کارها بوده است، مانند امر به معروف و نهی از منکر، سخن گفتن به عدالت در برابر سلطان ستمگر، تلاش مرد برای زنده کردن سنتی نیکو در جامعه، خوب شوهرداری کردن زن و تلاش مرد برای کسب روزی حلال برای خانواده. ۵۵

جهاد در قرآن

جهاد از برترین اعمال و دری از درهای بهشت و از ارکان مهم اسلام است و در قرآن و احادیث برای جهاد و مجاهدان فضایل بسیاری ذکر شده است. ، چون حکم جهاد در مدینه تشریح شده، واژه جهاد و مشتقات آن در آیات مکی در معنای عام و لغوی آن به کار رفته است. ۵۶ (عنکبوت / آیه ۶۸/۸۷ و لقمان ۱، آیه ۱۵)

نخستین آیه راجع به تشریح جهاد، به جهاد دفاعی اختصاص دارد که در سال اول هجری نازل شد و به مسلمانان اجازه داد که در برابر هجوم مشرکان به دفاع از خود بپردازند. ۵۷ (حج / آیه ۳۹-۴۰)

آیات متعددی در بسیاری از سوره‌های مدنی، به ویژه بقره، انفال، آل عمران، توبه و احزاب، به جهاد و مباحث متعلق به آن اختصاص دارد

در تحلیل این آیات نباید شأن نزول آنها و اهداف اساسی پیامبر اکرم را، به ویژه در زمینه فلسفه جنگ و صلح، از نظر دور داشت، پس از فتح مکه در سال هشتم هجری، آیاتی نازل شد که به حسب ظاهر، بر جنگ با همه مشرکان، در هر مکان و زمان، دلالت دارد.

فضائل دنیوی و اخروی جهاد

در آیات و احادیث فضائل دنیوی و اخروی جهاد مطرح شده است. ۵۹ (نساء / آیه ۹۵ و عنکبوت / آیه ۶۹ و توبه / آیه ۲۰). به موجب آیات قرآن، کسانی که جان و مالشان را در راه خدا فدا کنند در درگاه الهی از دیگر مسلمانان برترند و خداوند به آنها مژده بهشت و دستیابی به مقام شهادت داده است. ۶۰

(توبه / آیه ۲۱ و آل عمران / آیه ۱۶۹).

قرآن کریم ۶۱ (توبه / آیه ۲۴) مهم‌ترین مانع انسان برای جهاد را وابستگی به خانواده، مال و خانمان شمرده است. همچنین کسانی را که از جهاد رویگردان‌اند فاسق خوانده و به آنها کیفر الهی را وعید داده است. بنابراین قرآن، پیروزی تنها به دست خداست ۶۲ (انفال / آیه ۱۰ و آل عمران / آیه ۱۲۶).

و پیروی از فرمان خدا و پیامبر اکرم، دوری از نزاع و تفرقه، صبر و استقامت و فرار نکردن از دشمن، از مهم‌ترین احکام جهاد به شمار رفته است. ۶۳ (انفال / آیه ۱۵/۱۶ و آیه ۴۴/۴۶).

به موجب آیات قرآن، ۶۴ انفال / آیه ۶۵ / ۶۶ و آل عمران / آیه ۱۲/۳۱/۲۵). مجاهدان به میزان صبر و استقامت خود از امدادهای غیبی برخوردار می‌شوند. ۶۵

(احزاب / آیه ۱۰/۹ و توبه / آیه ۲۶)

از جمله امدادهای غیبی الهی، آرامش بخشیدن به مجاهدان و افکندن ترس و وحشت در دل کافران است. ۶۶ (آل عمران / آیه ۱۲۶ و انفال / آیه ۱۲ و احزاب / آیه ۲۶).

بنا بر احادیث، جهاد در راه خدا از برترین کارهاست و پاداش اخروی مجاهد شهید چنان است که وی نیل به جهاد و شهادت را دوباره آرزو می‌کند. ۶۷

جهاد در فقه

در منابع جامع فقه شیعه، گاه مباحث مربوط به جهاد در ضمن مباحث دیگر، مانند حدود و امر به معروف و نهی از منکر، مطرح شده است. ۶۸. همچنین برخی از فتاوی‌های جهادی علمای شیعه، به خصوص در مواجهه با هجوم استعمارگران، از جمله در جنگ‌های ایران و روسیه در قرن سیزدهم، که نقش عمده‌ای در دفاع از سرزمین‌های اسلامی داشته، در مجموعه‌هایی گردآوری شده است. در پاره‌ای مقاطع تاریخی دعوت به جهاد در میان علمای اهل سنت نیز دیده می‌شود، مانند تشویق ابن‌عساکر (متوفی ۵۷۱) به جهاد در جریان جنگ‌های صلیبی، با گردآوری چهل حدیث در این باره.

اقسام جهاد

فقها در کتاب‌هایشان جهاد را به دو قسم ابتدایی و دفاعی تقسیم کرده‌اند. ۶۹. البته این تقسیم‌بندی در کتاب‌های فقهی متقدم صریحاً ذکر نشده و آنان معمولاً احکام جهاد ابتدایی را به گونه‌ای مبسوط و احکام جهاد تدافعی را به طور ضمنی بیان کرده‌اند. ۷۰. و برخی، نام جهاد بر قسم دوم نهادن را مجاز دانسته و گفته‌اند: جهاد ثابت در شرع که دارای احکامی ویژه است، همان جهاد ابتدایی است و قسم دوم از اقسام دفاع است.

نتیجه گیری :

پژوهشگر حاضر به شناخت پایه‌های ایمان در نهج البلاغه و قرآن پرداخته است با بررسی‌های انجام شده به این نتیجه رسیده است که هر فردی که بتواند بر مصائب صبر کند و با عدالت رفتار کند و دارای روحیه‌ای جهادی باشد و همچنین یقین و قوت ادراک ذهنی داشته باشد در برابر ناملایمات و سختی‌ها ایستادگی میکند و بر خداوند تبارک و تعالی توکل کرده و به سوی او پناه میبرد زیرا که او خالق است و صلاح بنده اش را میداند

پی نوشت

۱. امام علی (علیه السلام) ، نهج البلاغه / حکمت ۳۱ ، ص ۴۴۷
۲. شرح پیام امیرالمومنین (مکارم شیرازی) ،
۳. امام علی (علیه السلام) ، نهج البلاغه / حکمت ۱۱۳ ، ص ۴۶۳

۴. همان / حکمت ۱۸۹ ، ص ۴۷۶

۵. همان / حکمت ۱۵۳، ص ۴۷۲

۶. راغب اصفهانی، مفردات، ص ۲۷۳

۷. جوهری، صحاح اللغة، ج ۲، ص ۷۰۶

۸. راغب اصفهانی، مفردات، ص ۴۷۴

۹. نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، ج ۳، ص ۲۸۰-۲۸۱

۱۰. همان، ج ۳، ص ۲۹۳

۱۱. قصص / سوره ۲۸، آیه ۵۴

۱۲. زمر / سوره ۳۹، آیه ۱۰

۱۳. انفال / سوره ۸، آیه ۴۶

۱۴. آل عمران / سوره ۳، آیه ۱۲۵

۱۵. بقره / سوره ۲، آیه ۱۵۷

۱۶. آل عمران / سوره ۳، آیه ۱۴۶

۱۷. احقاف / سوره ۴۶، آیه ۳۵

۱۸. بقره / سوره ۲، آیه ۲۵۰

۱۹. اعراف / سوره ۷، آیه ۱۲۶

۲۰. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۸۹، ح ۵

۲۱. همان، ج ۲، ص ۸۹، ح ۷

۲۲. امام علی (علیه السلام) ، نهج البلاغه / حکمت ۹۷ ، ص ۴۵۹

۲۳. همان / خطبه ۱۵۷ ، ص ۲۰۷

۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۲۸۴

۲۵. طوسی، خواجه نصیرالدین، اوصاف الاشراف، ج ۱، ص ۷۷

۲۶. فیض کاشانی، ملاحسن، المحجه البيض، ص ۲۷۳

۲۷. طباطبائی، محمد حسین، المیزان، ترجمه مصباح، ج ۴، ص ۴۰

۲۸. طباطبائی، محمد حسین، ترجمه المیزان، انتشارات اسلامی، ج ۱، ص ۷۳

۲۹. نساء / سوره ۴، آیه ۱۵۷

۳۰. حجر / سوره ۱۵، آیه ۹۹

۳۱. تکوین / سوره ۱۰۲، آیه ۵

۳۲. امام علی (علیه السلام) ، نهج البلاغه / حکمت ۴۷۰ ، ص ۵۳۱

۳۳. همان / حکمت ۲۳۱ ، ص ۲۱۹

۱. امام علی (علیه السلام) ، نهج البلاغه / حکمت ۳۱ ، ص ۴۴۷
۲. شرح پیام امیرالمومنین (مکارم شیرازی) ،
۳. امام علی (علیه السلام) ، نهج البلاغه / حکمت ۱۱۳ ، ص ۴۶۳
۴. همان / حکمت ۱۸۹ ، ص ۴۷۶
۵. همان / حکمت ۱۵۳ ، ص ۴۷۲
۶. راغب اصفهانی ، مفردات ، ص ۲۷۳
۷. جوهری ، صحاح اللغة ، ج ۲ ، ص ۷۰۶
۸. راغب اصفهانی ، مفردات ، ص ۴۷۴
۹. نراقی ، محمد مهدی ، جامع السعادات ، ج ۳ ، ص ۲۸۰-۲۸۱
۱۰. همان ، ج ۳ ، ص ۲۹۳
۱۱. قصص / سوره ۲۸ ، آیه ۵۴
۱۲. زمر / سوره ۳۹ ، آیه ۱۰
۱۳. انفال / سوره ۸ ، آیه ۴۶
۱۴. ال عمران / سوره ۳ ، آیه ۱۲۵
۱۵. بقره / سوره ۲ ، آیه ۱۵۷
۱۶. ال عمران / سوره ۳ ، آیه ۱۴۶
۱۷. احقاف / سوره ۴۶ ، آیه ۳۵
۱۸. بقره / سوره ۲ ، آیه ۲۵۰
۱۹. اعراف / سوره ۷ ، آیه ۱۲۶
۲۰. کلینی ، کافی ، ج ۲ ، ص ۸۹ ، ح ۵
۲۱. همان ، ج ۲ ، ص ۸۹ ، ح ۷
۲۲. امام علی (علیه السلام) ، نهج البلاغه / حکمت ۹۷ ، ص ۴۵۹
۲۳. همان / خطبه ۱۵۷ ، ص ۲۰۷
۲۴. مکارم شیرازی ، ناصر ، تفسیر نمونه ، ج ۲۷ ، ص ۲۸۴
۲۵. طوسی ، خواجه نصیرالدین ، اوصاف الاشراف ، ج ۱ ، ص ۷۷
۲۶. فیض کاشانی ، ملاحسن ، المحجه البيض ، ص ۲۷۳
۲۷. طباطبائی ، محمد حسین ، المیزان ، ترجمه مصباح ، ج ۴ ، ص ۴۰
۲۸. طباطبائی ، محمد حسین ، ترجمه المیزان ، انتشارات اسلامی ، ج ۱ ، ص ۷۳
۲۹. نساء / سوره ۴ ، آیه ۱۵۷
۳۰. حجر / سوره ۱۵ ، آیه ۹۹
۳۱. تکاثر / سوره ۱۰۲ ، آیه ۵
۳۲. امام علی (علیه السلام) ، نهج البلاغه / حکمت ۴۷۰ ، ص ۵۳۱
۳۳. همان / حکمت ۲۳۱ ، ص ۲۱۹
۳۴. همان / خطبه ۱۸۵ ، ص ۲۵۵
۳۵. همان / خطبه ۱۵
۳۶. همان / حکمت ۴۳۷ ، ص ۵۲۷
۳۷. راغب اصفهانی ، حسین بن محمد ، مفردات ، ج ۱ ، ص ۳۲۵
۳۸. فوادیان دامغانی ، رمضان ، سیمای عدالت در قرآن و حدیث ، ص ۲۷
۳۹. خرمشاهی ، بهاء الدین ، دانشنامه قرآن در قرآن پژوهشی ، ج ۲ ، ص ۱۴۴۲
۴۰. مکارم ، ناصر ، تفسیر نمونه ، ج ۴ ، ص ۳۰۳-۳۰۰
۴۱. کلینی ، محمد بن یعقوب ، فروع کافی ، ج ۳ ، ص ۲۱۷
۴۲. نساء / سوره ۴ ، آیه ۱۳۵
۴۳. مائده / سوره ۵ ، آیه ۸
۴۴. مجلسی ، محمد باقر ، بحار الانوار ، ج ۷۰ ، ص ۱۰۷
۴۵. همان ، ج ۷۷ ، ص ۸۴
۴۶. آمدی ، ابوالفتح ، شرح غررالحکم ، ج ۱ ، ص ۲۱۴
۴۷. امام علی (علیه السلام) ، نهج البلاغه ، فیض الاسلام ، نامه ۵۰ ، ص ۲۸۸
۴۸. خمینی ، سید روح الله ، ترجمه تحریر الوسیله ، ج ۱ ، ص ۴۹۹
۴۹. امام علی (علیه السلام) ، نهج البلاغه ، خطبه ۲۷ ، ص ۵۱
۵۰. همان ، حکمت ۳۷۳ ، ص ۴۹۷
۵۱. همان ، خطبه ۱۹۷ ، ص ۲۹۵



۵۲. الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربيّه ، چاپ احمد عبدالغفور عطار
۵۳. محمدحسن بن باقر نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۱، ص ۳
۵۴. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۶۱.
۵۵. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۲۵۹
۵۶. عنکبوت / سوره ۲۹، آیه ۶/۸/۶۹ و لقمان / سوره ۳۱، آیه ۱۵
۵۷. حج / سوره ۲۲، آیه ۳۹-۴۰
۵۸. توبه / سوره ۹، آیه ۵. ۴۱/۳۶
۵۹. نساء / سوره ۴، آیه ۹۵. -- عنکبوت / سوره ۲۹، آیه ۶۹-- توبه / سوره ۹، آیه ۲۰.
۶۰. توبه / سوره ۹، آیه ۲۱. --- آل عمران / سوره ۳، آیه ۱۶۹.
۶۱. توبه / سوره ۹، آیه ۲۴
۶۲. انفال / سوره ۸، آیه ۱۰. و آل عمران / سوره ۳، آیه ۱۲۶.
۶۳. انفال / سوره ۸، آیه ۱۵/۱۶ و انفال / سوره ۸، آیه ۴۴۴۶.
۶۴. انفال / سوره ۸، آیه ۶۵/۶۶. و آل عمران / سوره ۳، آیه ۱۲/۳۱/۲۵.
۶۵. احزاب / سوره ۳۳، آیه ۱۰/۹ و توبه / سوره ۹، آیه ۲۶
۶۶. آل عمران / سوره ۳، آیه ۱۲۶. و انفال / سوره ۸، آیه ۱۲. و احزاب / سوره ۳۳، آیه ۲۶.
۶۷. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۳
۶۸. محمدبن محمد مفید، المقنعه، ج ۱، ص ۸۱۰/ ۸۱۲
۶۹. تذکره الفقهاء ج ۹، ص ۱۹-۲۰
۷۰. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۲۲۳.

منابع

نهج البلاغه

- سایت اهل البيت (موسسه تحقیقات و نشر معارف)
سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «صبر در قرآن»
سایت پژوهه، برگرفته از مقاله «عدالت»
سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «عدالت»
سایت پژوهه، برگرفته از مقاله «یقین»
سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «یقین»
دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، برگرفته از مقاله «جهاد»، شماره ۵۲۵۰.
فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۳، ص ۱۳۹-۱۴۵.

سایت ویکی فقه

دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم
دانشکده میبد



جنگ نرم و پدافند غیرعامل در حوزه سلامت روحی و روانی

معصومه سنجری

چکیده :

جنگ نرم، به جای ابزارهای جنگی متعارف چون توپ و تانک، از ابزارهای فرهنگ تاثیرگذار بر فکرواندیشه و عواطف و احساسات انسانی بهره گرفته می شود. جنگ نرم دارای ابزارهای گوناگونی است و تاثیرات آن از جنگ سخت که فقط بر جسم افراد آسیب می رساند بیشتر است و جنگ نرم بر روان و احساسات افراد تاثیر می گذارد و این جنگ نرم به این دلیل اهمیت دارد که حتی بر رفتار کودکان ما نیز تاثیر می گذارد بدون درگیری است. چون بهداشت روان از خانواده شروع می شود بنابراین خانواده به گونه ای الگوی فرزندان خود باشند و مدرسه خانه دوم فرزندان باید دنباله کار خانواده باشند اگر این خانه ها به طور منظم مواظب فرزندان خود نباشند جنگ نرم با انواع آسیب های خود بر زندگی کودکان و والدین آنها آسیب های خود را وارد می کند و هر فرد در جامعه به خاطر زنده بودنش مجبور است وارد اجتماع شود پس اطرافیان خود را تحت تاثیر قرار می دهد در این مقاله تلاش گردیده تاثیر جنگ نرم بر بهداشت روان با تاثیر پذیری ماهوارها و رسانه ها مورد بررسی قرار گیرد.

کلید واژه:

بهداشت روان- جنگ نرم- ماهوارها- رسانه ها

مقدمه

بیشتر روانشناسان امروزه صرف یافتن راهای مناسب برای حل مشکلات روانی است که انسانها در بر خورد با مسائل روزمره و علمی با آن روبرو هستند و هدف اصلی آن پیشگیری ناراحتی هاست مطالعاتی انجام داده اند. یکی از شیوه های جنگی، جنگ نرم است که جنگ روانی شاخه ای از آن به شمار می آید. در جنگ نرم، به جای ابزارهای جنگی متعارف چون توپ و تانک، از ابزارهای فرهنگ تاثیرگذار بر فکرواندیشه و عواطف و احساسات انسانی بهره گرفته می شود. جنگ نرم دارای ابزارهای گوناگونی است و تاثیرات آن از جنگ سخت که فقط بر جسم افراد آسیب می رساند بیشتر است و جنگ نرم به این دلیل اهمیت دارد که حتی بر رفتار کودکان ما نیز تاثیر می گذارد.

سخنان رهبر معظم: «امروزه جمهوری اسلامی و نظام اسلامی با یک جنگ عظیم مواجه است. لیکن جنگ نرم که دیدم همین تعبیر جنگ- نرم توی صحبت های شما جوان هاست والحمدلله به این نکات توجه دارید: این خیلی برای ما مایه ی خوش حالی است. خوب، حالا در جنگ نرم، چه کسانی باید به میدان بیایند؟ یعنی شما افسران جوان جبهه ای مقابله ای با جنگ نرمید.» (بیانات در دیدار دانشجویان، ۴ شهریور ۱۳۸۸)

مفهوم شناسی

بهداشت روانی در لغت: حفظ تندرستی و سلامت روان (فرهنگ معین)

بهداشت روانی در اصطلاح:

در دایره المعارف کلمبیا بهداشت روانی ارتقای سلامت روانی و پیشگیری از طریق به کارگیری روانپزشکی و روانشناسی است. (سا

لاری فر، محمد رضا، بهداشت روانی با نگرش با منابع اسلامی، ص ۱۱)

در فرهنگ بزرگ روانشناسی لاروس، بهداشت روانی را چنین تعریف می کنند:

«استعداد روان برای هماهنگی، خوشایند موثر کار کردن، برای موقعیت های دوشواران عطف پذیر بودن و برای بازیابی تعادل

خود، توانایی داشتن» (گنجی، دکتر حمزه، بهداشت روان، ص ۱۰۹)

سازمان جهانی بهداشت، روانی را چنین تعریف می کند:

توانایی کامل برای نقش های اجتماعی، روانی و جسمی. (صادقیان، احمد، قرآن و بهداشت روان، ص ۲۰)

اهمیت بهداشت روانی

بنابراین اهمیت نقش بهداشت روانی در زندگی فردی و اجتماعی، سازمان جهانی بهداشت، آن را به عنوان یکی از اولویت های کاری خود قرار داده و در صدد برنامه ریزی های کلان در این زمینه برآمده اند.

جنگ نرم در اصطلاح: استفاده دقیق و طراحی شده از تبلیغات و دیگر اعمالی است که منظور اصلی آن تاثیر گذاری بر

عقاید، احساسات، تمایلات و رفتار دشمن، گروه های بی طرف و یا گروه های دوست است به نحوی که برای برآوردن مقاصد و اهداف

ملی و پشتیبان باشد بنا بر این این جنگ نرم را می توان این گونه تعریف کرد که اقدامات نرم روانی و تبلیغاتی رسانه ها که جامعه

هدف را بدون درگیری و استفاده از زور به شکست وا می ردارد.

هدف اصلی از بهداشت روان پیشگیری از وقوع ناراحتی است. پیشگیری به معنای وسیع آن، عبارت است از به وجود آوردن عواملی

که مکمل زندگی سالم و طبیعی است؛ به علاوه، درمان اختلالات جزئی رفتار به منظور جلوگیری از وقوع بیماری های شدید

روانی. (صادقیان، احمد، قرآن و بهداشت روانی، ص ۲۵)

اهمیت بهداشت روان

اهمیت خانواده در بهداشت روان:

خانواده کودک را وادار می کند که آداب معاشرت را یاد بگیرد، برای خود ایده لوژی خاصی داشته باشد و در صورت لزوم احساسات

خود را بروز دهد یا پنهان نگه دارد. خانواده وظیفه دارد که نیاز های معنوی کودک را طوری فراهم آورد که بهداشت جسمی و روانی

او تضمین شود. خانواده، با الگو قرار گرفتن، به کودک یاد می دهد که چگونه باید رفتار کند و چگونه با اجتماع سازگار شود. همچنین

خانواده یاد می دهد که زن و مرد نقش های متفاوتی دارند و هر کس باید مطابق با جنس خود رفتار کند. خلاصه این که خانواده کودک

را یک موجود اجتماعی بار می آورد و می دانیم که سازگاری با اجتماع اولین شرط بهداشت روانی است. (گنجی، حمزه، بهداشت

روانی، ص ۱۶)

پنج قاعده کلی برای والدین جهت حفظ بهداشت روانی کودکان

فرزند خود را دوست داشته باشید: هیچ کسی به اندازه ی کودک به عشق و محبت و نوازش و توجه نیاز ندارد و نیاز های هر فرزند با بزرگ شدن او تغییر می کند و محبت به فرزندان یک نیاز دائمی است. عشق به فرزند به معنای آزاد گذاشتن او در انجام دادن آنچه در آن لحظه میخواهد انجام دهد نیست کودکان نباید احساس کنند که والدین آنها را درک نمی کنند و این به این معنی نیست که باید به تمام انتظارها حتی آنهایی که ناخواسته به جاست پاسخ دهند و بدهند. فرزندانشان گوش بدهند.

۲- برای فرزندان خود الگوی خوبی باشید: کودکان مموالا از روی الگو برداری یاد می گیرند نه از طریق که به میل خود به دنیا نیامده اند و این کودکان هستند که والدین خود را الگو قرار می دهند.

۳- فرزندان خود را آموزش دهید: بیشتر والدین فرزند خود را تنبیه می کنند زیرا تنبیه کردن کودکان آسان تر از آموزش دادن یا تربیت کودکان به زمان و حوصله نیاز دارد و مناسب ترین لحظه برای آموزش کودکان زمانی است که آنها سوال میکنند.

۴- فرزندان خود را با انضباط بار بیاورید: والدین فکر می کنند از بین فرزند و انضباط یکی را انتخاب کنند در صورتی که تربیت صحیح شامل فرزند و انضباط در یک جاست و یکی بدون دیگری سودی ندارد.

۵- به مسولیت های خود آگاه شوید: وقتی که والدین مطالعه می کنند و از مسولیت های خود در قبال فرزندان آشنا می شود و نیز به آنها عمل می کند. اهمیت مدارس در ارتقای بهداشت روان:

مدارس مانند شبکه ای امن از کودکان در برابر خطراتی که به یاد گیری رشت و سلامت روانی اجتماعی تاثیر می گذارند و انگیزه

حافظت می کند مدرسه همگام با خانواده نقش تعیین کننده ای در ایجاد یا تخریب عزت نفس کودک و احساس شایستگی آنان دارد توانایی و انگیزه کودکان برای ماندن در مدرسه و یاد گیری و استفاده از آموزه هایشان متاثر از سلامت روان آنها است. کار مدارس در واقع دنبال کار پرورش شخصیت در محیط خانواده است و در این محیط ها یاد می گیرند که چگونه رفتار اجتماعی داشته باشند و نقش خود در اجتماع ایفا کنند آنها می آموزند در چه محدوده ای بیندیشند و حس همکاری داشته باشند این محیط می تواند ارتباط دوستی با کودک برقرار کند او را آماده ی پذیرش مسولیت تصمیم گیری و حل مسائل زندگی سازد

اهداف مهم جنگ نرم، اهداف مختلفی را دنبال می کند و قاعدتا هدف نهایی آن تغییر کامل نظام سیاسی یک کشور است، که البته با اهداف محدود تر هم انجام می گیرد. در حقیقت، هدف اصلی جنگ نرم، اعمال کشور برای ایجاد تغییر در اصول و رفتار یک نظام و یا به طور خاص تغییر خود نظام است.

از دیگر اهداف جنگ نرم عبارتند از

۱- تضعیف فرهنگی یک جامعه در جهت تاثیر گذاری شدید بر افکار عمومی مورد هدف ابزار خبر و اطلاع رسانی هدفمند و کنترل شده.

۲- تضعیف سیاسی کشور مورد نظریه منظور نا کارآمد جلوه دادن نظام مورد هدف و تخریب و سیاه نمایی ارکان آن نظام.

۳- ایجاد رعب و وحشت در مواردی همچون فقر جنگ یا قدرت خارجی سرکوب گر.

۴- اختلاف افکنی در میان مردم و برانگیختن اختلاف میان مقام های نظامی و سیاسی کشور.

۵- ارائه روحیه یاس و ناامیدی در اجتماع به جای نشاط اجتماعی و احساس با زندگی از پیشرفت های کشور.

۶- بی تفاوتی کردن نسل جوان به مسائل مهم کشور

۳- کاهش روحیه و کارایی در میان نظامیان و ایجاد اختلاف میان شاخه های مختلف نظامی و امنیتی.

۸- ایجاد اختلاف در سا مانه های کنترلی و ارتباطی کشور هدف.

۹- تبلیغات سیاه به وسیله شایعه پراکنی و جو سازی از راه پخش شب نامه ها و...

۱۰- تقویت نا رضایتی های ملت به دلیل مسئله مذهبی، سیاسی و اجتماعی.

۱۱- تلاش برای بحرانی وحاد نشان دادن اوضاع کشور از راه ارائه اخبار نادرست و نیز تحلیل های نا درست و اغراق آمیز. انواع آسیب های جنگ نرم آسیب های اخلاقی:

۱- ترویج خشونت و وحشیگری: خشونت یکی از نا هماهنگی های روانی است برنامه های شبکه های ماهواره ای در گسترش رفتار های مختلف تاثیر اساسی دارند متاسفانه بیشتر فیلم های پخش شده از شبکه های ماهواره ای خشونت آمیز هستند و تاثیرات بدی بر روی افرادی به ویژه کودکان و نوجوانان دارد کودکانی که برنامه هایی میبینند که در آنها خشونت چهره ای طبیعی و نزدیک به واقعیت دارد در بیشتر موارد آن را تکرار می کنند و در صورتی که با واکنش اطرافیان روبرو نشود آن را به عنوان یک عادت می پذیرد.

امروزه برنامه های کودک در بسیاری از منازل به پرستار کودکان یا به جایگزینی برای رابطه فرزندان با والدین تبدیل شده است به گونه ای که این کودکان، رفتار های خود سرانه از والدین بلکه از تلویزیون می آوزند. (پایان-نامه شهریاری، فرانک، ص ۳۴)

خشونت و وحشیگری علا رغم زشتی باطن و نتایج تلخ آن ظاهری جذاب و روشن دارد و همین ظاهر جذاب و فریبنده فیلم های چند دهه ای اخیر را از خشونت و کشتار لبریز کرده است بینندگان این گروه از فیلم ها در حین تماشای صحنه های خشونت های حیوانی لبریز میشوند و در دل شخصیت های جنایت کار فیلم را تحسین میکنند این فیلم ها معمولا ظاهری مقبول و منطقی دارند و از قهرمان فیلم که طرفدار حق و عدالت است واکنش نشان میدهد و با خشونت مشابیه موجود شرور و هم داستان او را از بین می برد ولی در دو حالت این خشونت است که تقدیس می شود و تحسین مخاطب را بر می انگیزد بسیاری از فیلم های ظاهرا خشن و اجد گرایش سیاسی نیز هستند و در لایه های زیرین خود هدف و سیاست خاصی را دنبال می کنند. (صفحات، مجید، صهیونیسم و رسانه، ص ۹۰) ترویج فحشاء: اغلب فیلم هایی که از شبکه های ماهواره ای پخش می شوند فیلم های هالیوودی هستند که نوعی بر روان جوانان و نوجوانان ما اثر گذاشته و انجام گناه را در چشم او کوچک نشان می دهد.

در این فیلم ها روابط جنسی میان نوجوانان آمریکایی و به تبع آن فرزندان نامشروع و مشکلات اجتماعی ناشی از این پدیده سوزناک ای جذاب و در عین حال کاملا عادی تلقی می گردد. در این فیلم ها حتی والدین نوجوانان فریب خورده نیز از رفتار فرزندانشان چندان متعجب نمی شود و بیشتر نگران هزینه نگهداری از نوه های نامشروع خویش هستند امروزه صهیونیسم حاکم بر هالیوود هیچ حریمی را محترم نمی شمارند و مقدس ترین شئون اجتماعی را به تمسخر می گیرند. (مجید، صفحات، پیشین: ص ۹۸)

۳- سست شدن بنیان خانواده: ماهواره ها و رسانه با تاثیر گذاری بر فکر جوانان ما به طوری که ملاک جوانان ما برای ازدواج زیبایی شده و برای زیبا کردن خود و شبیه کردن خود شبیه بازیگران فیلم ها دست به هر کاری می زنند. عشق ها دوست داشتن ها تا حدود زیادی بر اساس شکل بدن ها رخ می دهد.

در همان آغاز شکل گیری خانواده، زیبایی و ابعاد جسمانی نقش تعیین کننده ای می یابد. تداوم روابط خانوادگی به میزان زیادی به کیفیت بدن ها در خانواده بستگی دارند. مراقب از بدن، آراستن بدن و داشتن بدن مطلوب، پیامدهای گسترده ای برای خانواده ها به دنبال دارد

پوششو آرایش در دنیا امروز بخش مهم هزینه های سبب خانواده ها را تشکیل می دهد و از دیگر پیامدهای منفی مهم شدن بدن ، بی ثباتی خانواده ها می باشد به این ترتیب که بدن ها لاچرم بعد از مدتی به هم عادت می کنند یا مطلوبیت خود را از دست می دهند. (پایان نامه شهریار ، فرانک ، ص ۳۹)

۴- ترویج هوس خواهی و تنوع طلبی: در فیلم ها از بازیگرانی که صرفا به خاطر زیبایی هایشان جلوی دوربین ها حاضر می شوند کمک می گیرند به گونه ای که محرک شهوت افراد باشد در طرف دیگر قضیه عموم سریال ها و فیلم هایی که برای مخاطب ایرانی و مسلمان ماهواره آماده سازی می شود، سعی می شود که در آن برای افراد حق چشیدن روابط دیگر علاوه بر روابط زناشویی را محفوظ بداند و مدده حتی برای تفریح هم که شده به دنبال رفع عطش تنوع طلبی شان باشند حتی اگر به دلایل خودداری از انجام اعمال خارجی ذهنشان را درگیر این مسئله می کنند. کمترین اثر این آسیب کم رنگ شدن رابطه ی عاشقانه بین زن ها و شوهر ها و عدم رضایت و تمایل جنسی خواهد بود. (پایان نامه شهریار ، فرانک ، ص ۳۹)

۵- اشاعه فحشاء و بی بند و باری : یکی دیگر از آسیب های رسانه ای بر روان و اخلاق افراد اشاعه فحشاء و بی بند و باری است این رذایل اخلاقی را به صورت نامحسوس در قالب فیلم های سرگرم کننده ای خانوادگی ، میان برنامه ها ، آگهی ها و موسیقی های مغرب ، زیبا ، نشانه تجرد و پیشرفت جلوه می دهند . بگونه ای که قبح بسیاری از اعمال غیر اخلاقی مانند رابطه ی نا مشروع در میان برخی افراد به ویژه جوانان از بین می رود و به تبع آن مشکلات فراوانی را به خانواده ها و جامعه تحمیل می کند. ارائه تصاویر مستهجن و مبتذل خلاف عفت عمومی از طریق ماهواره و نمایش آنها ، یکی از عوامل گسترش بی بند و باری و به فحشاء کشاندن جوانان از نوع جرایم جنسی .

قرآن کریم درباره خطر اشاعه زشتی ها در جامعه اسلامی هشدار می دهد و می فرماید: «إِنَّ أَلَّ ذِي نِ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي آلِ ذِي نِ آمْتُوا لَمْ يَكُنْ فِي آلِ ذِي نِ يَأْتُوا خَيْرًا وَاللَّيْءُ عَمَلٌ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (انور) همانا کسانی که دوست دارند زشتیها در میان مردم با ایمان شیوع یابد عذاب دردناکی برای آنها در دنیا و آخرت است و خداوند می داند و شما نمی دانید .

۶- بی حجابی و انحرافات جنسی: وقتب در خانواده ها هیچ محدودیتی بین فرزندان وجود ندارد و بچه ها هر شبکه ی ماهواره ای را می بینند و دوست دارند بنابر تبعیت مانند آن فیلم ها باشند و در واقع بر روان و ذهن افراد یک جامعه تاثیر گذاشته و کم کم افراد از بی حجابی شروع می کنند و گناهان بزرگ نیز برای آن ها عادی می شود و کم کم به یک جامعه بیمار تبدیل می شود ممنوعیت خلوت کردن با نامحرم ، حرمت نگاه به نامحرم و رعایت پوشش اسلامی از جمله عواملی هستند که می توانند زمینه وقوع اعمال فساد

انگیزا از بین ببرند . «وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ الَّذِي هُوَ كَأَنَّ فَا حِشَةً وَسَاءَ سَبِي لًا» (۲۲ اسراء) و نزدیک زنا نشوید که کار بسیار زشت و بد راهی است .

خداوند نمی فرماید زنا نکنید بلکه می فرماید به این عمل شوم نزدیک نشوید. این تعبیر اشاره ی لطیفی به این موضوع دارد که آلودگی به این فساد ، غالباً مقد مات و زمینه هایی دارد که کم کم آدمی را در این مفسد غرق می سازد (مکارم شیرازی ، ناصر ، ج ۱۲ ، ص ۱۲۱) دکتر پروان نیز می گوید : جوانان برای دستیابی به اطلاعات جنسی به رسانه های سرگرم کننده روی می آورند؛ زیرا نمی توانند چنین اطلاعاتی را از مکان های دیگر کسب کنند . متأسفانه رسانه ها آموزگار جنسی خوبی نیستند

رسانه ها به سه موضوع حیاتی نمی پردازند: تعهد ، جلوگیری از بارداری ، پی آمد هی آن (رجبی نبا ، داوود ، ۱۳۸۹ غروب از رویا تا واقعیت ، قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما اول ص ۱۰)

از این روست که برخی برنامه های شبکه های ماهواره ای سبب افزایش انحرافات جنسی در میان نو جوانان و جوانان شده است و حتی برای خود جوامع غربی که بسیاری ارزش ها پایبند نیستند مشکل ساز شده است چه رسد به جامعه ی ما که یک جامعه ی مذهبی می باشد. (پایان نامه فرانک شهریار پیشین: ص ۴۱)

۷- مد گرایی افراطی: استفاده از هر گونه مد ، تبلیغ افکار و ارزش های جمعیتی است که ارائه دهنده ی آن به جامعه بوده اند و به تدریج به صورت نا خودآگاه مد تاثیراتی روی بینش و منش مصرف کنندگان دارد. بنا بر این ، انسان باید در استفاد مد ، هوشیار باشد به خصوص مدهایی که از طریق دشمن ترین دشمنان ایران اسلامی به جوانان این مرز و بوم تحمیل می شود رسول اکرم (ص) نیز فرموده:

هر کس خودش را به گروه خاصی شبیه سازد ، جزو آنها شمرده می شود.

نسل بعد از انقلاب در کشور ما الگوهای مناسب و عینی برای رفتار و عمل را داشتند مانند الگو شدن شهدا و ایثار گران و تا حدود زیادی نیز از آن در شکل دادن به هویتشان استفاده کردند، اما در نسل بعد از انقلاب همانگونه که شاهد آن هستیم به ناتوی فرهنگی غرب توسط ابزارهای گوناگون به ویژه شبکه های ماهواره ای جوانان را به پذیرش ارزش هایی ترغیب کرده اند که ضد ارزش های اعتقادی و اجتماعی ما می باشند.

مد و تجددگرایی با هم نسبت دارند و شاید بتوان گفت مد زاینده تجددگرایی است. جریان تجددگرایی در جامعه ی ما از آنجا آغاز شد که روزی چشم باز کردیم و خودمان را دیدیم که از قافله ی پیشرفت و تمدن و علم باز مانده ایم . همه به فکر چاره افتاده اند ، معدودی از جان مایه گذاشتند و گثیری هم بیراهه را طی کردند. برخی که بر این باور بودند که مشکلات ما با لگدمال کردن ارزش های گذشته و با رنگ و لعاب و... حل شدنی نیست مهر اصل خوردند. تجددگرایی در همه جا بروز کرد. از حرف زدن گرفته تا هنر

، ادبیات ، صنعت ، ... (طباطبایی بافقی ، محمدتقی ، ۱۳۸۸ شبیخون فرهنگی ، یزد: مفاخر ، اول ، ص ۱۵۱-۱۵۲ در واقع با این کار نشان می دهیم که ارزش های جوامع غربی برای پیشرفت و داشتن یک زندگی سعادت مند کافی و لازم می باشد. (پایان نامه فرانک شهریار ص ۴۱)

۸- بی غیرتی مردان: برای اثبات تاثیر برنامه های شبکه های ماهواره در کم شدن غیرت مردان از تاثیر آن ها بر جوامع استفاده می کنیم.

نیل ملاموث و ادوارد ودانرشتین می گویند «نمایش دادن فیلم های در بر دانه ی خشونت جنسی ، ممکن است آثار بلند مدت وض اجتماعی داشته باشد»

در نتیجه گیری او آمده است اگر شما گروهی از مردان را جمع کنید و برای آنها تصاویر خشونت آمیز علیه زنان در فیلم های گروه R به نمایش بگذارند . تحقیق های می گویند که این مردان مرتکب اعمال خشونت آمیز علیه زنان خواهند شد. این تحقیق ثابت می کند که آنها حساسیت کمتری نسبت به خشونت علیه زنان خواهند داشت. (پایان نامه فرانک شهیار ی ص ۴)

آسیب های فرهنگی-اجتماعی:

از آنجا که هر فردی از دارای روان است و با تاثیرهای فراوانی که شبکه های ماهواره ای بر افراد گذاشته در واقع بر روان آن ها تاثیر گذاشته و افراد در جامعه به صورت جمعی زندگی می کنند و خواه و ناخواه بر یکدیگر تاثیر می گذارند.

-اتخریب هدفمند فرهنگ و هویت اسلامی: فرهنگ یک جامعه، یعنی تمامیت باورها و ارزش های آن جامعه و همچنین آداب و رسوم برآمده از آن باورها و ارزش ها، یکی از شگردهای جنگ نرم این است که هویت و فرهنگ اسلامی ما به صورتی هنرمندانه و نا محسوس، از میان بردارند و یا اینکه دست کم آن را خورد و نا چیز جلوه دهند. آن را عامل عقب ماندگی و ایزوله شدن معرفی کنند. مترقی ترین تعالی را به عنوان تعالیمی ضد بشریت معرفی کنند. اگر جهان بینی و نظام ارزش یک جامعه دست خوش تحول و دگرگونی شود، در آن صورت آداب و رسوم اجتماعی و شیوه زندگی آنها نیز دگرگون خواهد شد. (احمد حسین شریفی، پیشین ۱۴۵ص)

۲- تغییر در سبک زندگی: منظور از شیوه ی زندگی، یعنی مجموعه ای رفتارها و عملکردها می باشد که یک فرد و به منظور تامین نیازها و احتیاجات روزمره خود به کار می گیرد. افزون بر این، شیوه ی زندگی هر فردی بیانگر هویت شخصی و معرف شخصیت آن فرد است. (داوری ارکانی، رضا، عالمی دیگر آدمی دیگر، ماهنامه فرهنگی تحلیلی سوره اندیشه ج ۴۸ ص ۵۱)

فرماندهان و کارگزاران جنگ نرم، برای تغییر باورها و ارزش های جامعه اسلامی سعی می کنند، از راه دگرگونی کردن شیوه ی زندگی افراد، وارد شوند.

به تعبیر دقیق تر، رابطه باورها یا ارزش ها و سبک زندگی رابطه ای متقابل است. ابزارهای رسانه ای به ویژه برخی شبکه های ماهواره ای برای تغییر در سبک زندگی به خدمت گرفته می شوند و به صورت آرام و غیر مستقیم، اهداف پشت پرده را عملیاتی می کنند. برای مثال، تغییراتی، که در نوع معماری ایرانیان در سال های اخیر ایجاد شده است، همگی نشانه ای از تاثیر پذیری آنان از سبک زندگی غربیان است. (پایان نامه فرانک شهریاری، پیشین، ص ۴۵)

۳- ترویج زندگی اشرافی: برخی شبکه های ماهواره ای با تبلیغات بسیار بر فکر افراد تاثیر گذاشته و موجب ناراضی بودن مخاطبان نسبت به وضع موجودشان می شود به طوری که احساس کمبود می کنند، زندگی اشرافی و مدگرایی با جامعه دینی هیچ شخصیتی ندارد و ساده زیستی بسیار مورد تاکید اسلام می باشد.

۴- لطمه زبان: در کتابی با عنوان نبرد ایده ها در جنگ علیه تروریسم آمده؛ یکی از راه های مبارزه با حکومت های اسلامی این است که فرصت های آموزشی لازم با تاکید بر زبان انگلیسی در اختیار جوانان مسلمان قرار داده شود با این کار پنجره ی جهان عرب را به روی جوانان مسلمان گشوده ایم و آنان را شیفته ی جهان غرب و الگوی غربی نمود. با توجه به ارتباط تنگاتنگ زبان و فرهنگ، و همچنین ارتباط زبان و باورها و ارزش ها، اگر آموزش های زبان انگلیسی در کشور ما، به ویژه متون آموزشی و مراکز آموزشی زبانکده ها مورد نظارت قرار نگیرند، در بسیاری از موارد نا خودآگاه به مراکز برای تبلیغ ارزش ها و فرهنگ غرب تبدیل خواهد شد. (احمد حسین شریفی، پیشین: ص ۱۴۹-۱۴)

مهم ترین آسیبی که از لحاظ فرهنگی از طریق پخش برنامه های ماهواره ای به جامعه ای وارد می شود لطمه به زبان یک کشور است. زیرا که زبان حامل فرهنگ یک جامعه است که به نسل های آینده منتقل می شود زبان یک کشور زیر بنای اندیشه و تفکر یک ملت است چون که فکر یک ملت در زبان آن ملت نهفته است. پخش برنامه های ماهواره ای مورد حمله قرار گرفته است زیرا کسانی در این برنامه ها صحبت می کنند که از تخصص کافی بر خوردار نیستند یا حتی آشنایی کاملی به دستور زبان و واژه های فارسی نیز ندارند. این باعث از بین رفتن آن زبان جایگزینی یک زبان کوچک بازاری به جای زبان فاخر این کشور می شوند. (پایان نامه فرانک شهریاری، پیشین: ص ۴۹)

۵- افزایش طلاق: اختلالات روحی، روانی، جنسی، اقتصادی... از مهم ترین عوامل طلاق هستند. که به نظر می رسد شبکه های ماهواره ای در به وجود آمدن این وضعیت بی تاثیر نیستند و با ترویج شهوت پرستی، تنوع طلبی، مصرف گرایی، زندگی اشرافی، عشق های مثلثی و به طور کلی دادن الگوی غلط زندگی به خانواده ها بنیان خانواده ها را سست به تدریج طلاق را امری عادی جلوه دادند طلاق یک پدیده نا هنجار برای مرد، زن، فرزندان، و جامعه بوده و تاثیرات جبران ناپذیری عاطفی، روحی، روانی، اجتماعی، اقتصادی... را بر جا می گذارد.

۶- القای فرهنگ بیگانه: «اساسا فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می دهد؛ و با انحراف فرهنگ هر چیز جامعه در بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد، ولی پوچ و میان تهی است» (برگرفته از کتاب کلمات قصار، پندها و حکمت ها، چاپ موسسه تنظیم و نشر امام خمینی به نقل نفوذ و استعاله، معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در قرارگاه ثارالله تهران: ناشر معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در قرارگاه ثارالله، چهارم: ۱۳۷۸ ص ۲۱۵)

در اجتماعی که ارزش های فرهنگی آن جامعه فراموش شده و مفاخر فرهنگی به عنوان الگو و اسوه مورد توجه قرار نگیرند؛ در این صورت باورها و ارزش های دینی سست می گردند، ویژگی استقلال فرهنگی مانند دین، زبان، خط... از بین رفته یا تحقیر می شوند و روحانیت و رهبران دینی منزوی شده و زمینه برای پذیرش ارزش ها و الگوهای دیگران آماده می شود. در چنین جامعه ای به راحتی می توانی فرهنگ بیانه را ترویج داد. نگاهی به کشورهای همسایه یا مروری به وضع اجتماعی کشورمان در دوران پهلوی نشان می دهد که چگونه ارزش های غربی، به سهولت جانشین ارزش های اصیل اسلامی می شوند. (علی محمدی، محمد حسین، ۱۳۷۳ تحلیلی مقدمات بر تهاجم فرهنگی، مجموعه مقالات راهای مقابله با تهاجم فرهنگی دانشگاه آزاد واحد رودهن. به نقل ماهنامه مهندسی فرهنگی ص ۲)

آسیب های سیاسی:

۱- تضعیف روحیه نظامیان: ماهواره نقش اساسی در شکستن روحیه ی نیرو های مسلح ایفا نموده و قدرت رزمی و دفاعی آنان را کاهش می دهد.

همچنین روحیه ی ایثارگری و فداکاری آنان را زائل کرده، اراده آنان را در هم می شکند همان طور در جنگ نفت، اشغال کویت توسط عراق و تهاجم متحدین به رهبری آمریکا علیه ایکشور اساسی در شکستن روحیه مردم و نظامیان عراقی و خرد کردن سپر روانی را القا نموده اند. سردمداران آمریکا پیروزی بر عراق را پیروزی C.N.N و جنگ روانی حاصل از آن ملداد کرده اند. (داوود رجبی نیا، پیشین: ص ۷) ۱۰-۱۲ اقناع و متقاعد سازی: در فرآیند تبلیغات هدف از متقاعدسازی، ایجاد یا تغییر عواطف و احساساتی است که ممکن است بر رفتار دینی، سیاسی، اقتصادی، و... افراد تاثیر گذاری باشد عده ای از خبرگزاری ها و شبکه های تلویزیونی خبر ادام به انتشار خبرهایی میکنند که جنبه ی تبلیغی دارند که در شکل گیری افکار عمومی بر علیه دولت های خود نقش ایفا می کنند. در واقع اقدام به جنگ نرم و جنگ روانی سیاسی است



۳- دخالت سیاسی: یکی از آسیب‌هایی که جامعه‌ی ما با ورود ماهواره به آن دچار شده است دخالت سیاسی بیگانگان نظیر آمریکا و انگلیس در امر داخلی کشور می‌دانند. این قدرت‌ها با راه‌اندازی شبکه‌هایی که به ظاهر می‌خواهند اخلاق رسانه‌ای را حفظ کرده و اخبار را بی‌طرفانه گزارش کنند.

خیلی زیرکانه اخبار و اطلاعات را جهت‌دهی نموده و خواسته‌های خویش را به مخاطبین القا می‌کنند. برخی از شبکه‌های ماهواره‌ای نیز به شایعه‌سازی، ایجاد فضای بدبینی و کاهش اعتماد اجتماعی در جامعه مشغولند که صد البته بودجه آنها نیز از طرف سازمان سیاه و نهادهای مشابه آن تامین میشود.

آسیب‌های روانی: مخاطبان برنامه‌های ماهواره‌ای بی‌آنکه خود بخواهند؛ بر اثر تماشای برنامه‌ی موردعلاقه خود درگیر و دچار این تغییرات ذهنی خواهند شد. بای‌مثال می‌توان به نقش فیلم‌های ماهواره‌ای در ایجاد خشونت اطفال و نوجوانان اشاره کرد. (پایان نامه فرانک شهریاری ص ۵۵)

تبلیغات اگر حضوری قدرتمند داشته باشند از انسان‌ها سلب آرامش می‌کند. تبلیغات سیاسی مدام می‌خواند به فرد بگویند که آنچه تو قبلاً فکر می‌کرده‌ای نادرست بوده است، و تبلیغات بازرگانی نیز به رد القا می‌کند که سطح مصرف موجود تو به هیچ وجه رضایت‌آور نیست. این زاره‌ها رضایت نسبی فرد از شرایط موجود خویش را برهم می‌زنند و ثبات شخصیتی و اخلاقی فرد را خدشه دار می‌کنند. (محمدی، مجید، ۱۳۷۹، اخلاق رسانه‌ها، هران: نقش و نگار، ص ۹۲)

راهکارهای علمی:

۱- دشمن‌شناسی: یکی از راهکارهای مقابله با آسیب‌های شبکه‌های ماهواره‌ای این است که واقعیت‌اهداف از راه‌اندازی این شبکه‌ها را بشناسیم و در مقابله با ناتوی فرهنگی دشمن هوشیار بوده در برابر آن‌ها مقابله کنیم. هر چند که گروهی اهداف پنهان مجریان این شبکه‌ها را نپذیرند. جای تعجب نیست چرا که این موضوع در میان مسلمانان تازگی ندارد. پروردگار عالمیان پس از نهی مومنان از دوستی با بیگانگان می‌فرماید:

هَا أَنْتُمْ أَوْلَاءُ تَجِبُونَ لَهُمْ وَلَا يُجِبُونَ كُمْ وَتَوْتُونَ مَنْ بَالِ كِتَابِ اللَّهِ إِذَا لَقَوْكُمْ قَالُوا آمَنُوا إِذَا خَلَوْا عَضُوا عَلَىٰ آذَانِهِمْ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مَوْتُوا ذَاتِ الْمَوْتِ

ب

يَعْلَمُكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ مَا دَرَسْتُمْ دُونَ (آل عمران)

شما کسانی هستید که آن‌ها را دوست می‌دارید، اما آن‌ها شما را دوست ندارند، در حالیکه شما به همه کتابها آسمانی ایمان دارید (اما آنها به کتاب آسمانی شما ایمان ندارند) و هنگامی شما را ملاقات می‌کنند (به دروغ) می‌گویند ایمان آورده ایم، اما هنگامی که تنها میشوند از شدت خشم بر شما سرانگشتان خود را به دندان می‌گزند، بگو: بمیرید با همین خشمی که دارید، خدا از (اسرار) درون سینه‌ها آگاه است. به‌نظور مقابله با جنگ نرم به دشمنان در مرحله نخست باید ویژگی‌های آنان شناخته شود و به تبع آن چگونگی مقابله با آن تبیین گردد و سپس اقدام به تدوین راهبردهای مقابله شود. (هاشمیان فرد، زاهد، ۱۳۹۰، جنگ نرم از دیدگاه قرآن کریم، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی اول، ص ۱۷)

تقویت ایمان: حیات طیبه انسان در سایه‌ی حاکمیت دین خدا، وقتی حاصل شد که انسان‌ها دل خود را به یاد خدا زنده نگه داشته و به کمک آن بتوانند با همه‌ی جاذبه‌های شر و فساد مبارزه کنند.

(پیام رهبر به سمینار نماز در مشهد ۱۶ مهر سال ۱۳۷۰ به نقل از نفوذ و استحاله، معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در قرارگاه ثارالله، ناشر همان، تهران، چهارم: ۱۳۷۸، ص ۲۱۶)

انسان موظف است با تکیه بر پروردگار عالم و یاد او از طریق نماز، دعا، نیایش درمان کند و خود را از مهلکه‌های شیطان نجات دهد؛ چنانچه قرآن کریم می‌فرماید:

ث

الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (۲۸ رعد)

۸- آنها کسانی هستند که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن است، با یاد خدا دل آرامش می‌یابد. در این آیه نجات از انواع فساد نشان داده شده است؛ این راه عبارت است از اینکه انسان به یاد خدا باشد، عظمت خالق و کيفر گناه را همیشه در نظر بگیرد و با دعا و نیایش این روح را در خودش زنده کند. زیرا پرستش الهی و عبادت‌های واقعی شخص را به پیشگاه پروردگار عالم مقرب نموده و از هر نوع گناه و انحراف باز می‌دارد (اسماعیل بلالی، پیشین: ص ۲۴۲)

۳- آموزش و تربیت نخبگان فرهنگی: در دنیای امروز ارزشمندترین سرمایه در هر کشور نیروی انسانی کارآمد و متخصص و با همان نیروهای نخبه محسوب می‌شود به عبارت دیگر این فکر و اندیشه‌ی انسان است که می‌تواند حرکت آفرین و تحول آفرین باشد و می‌تواند دیگر امکانات را در راستای رسیدن به هدف سازمان دهی نماید. دنیای غرب سعی می‌کند برای تامین نیروی نخبه و متخصص در حوزه‌ی تکنولوژی و فناوری از دانشجویان و استعداد‌های دیگر کشورهای آسیایی آفریقایی استفاده کنند و نیروهای نخبه‌ی خود را در حوزه‌ی علوم انسانی را دارا باشد (پایان نامه فرانک شهریاری، ص ۵) همانگونه که بسیاری از استعداد‌های کشورمان بسوی علوم تجربی و مهندسی سوق داده شدند و ثمره‌ی آن را می‌چیند باید در حوزه‌ی هنر به ویژه هنرهای دراماتیک نیز این اتفاق رخ می‌دهد.

۴- آموزش‌های رسانه‌ای: خانواده‌ها: آموزش‌های رسانه‌ای برای خانواده‌ها در ارتباط با برنامه‌های ماهواره‌ای در مدرسه‌ها و نیز رسانه‌ها می‌تواند به میزان زیادی از آسیب‌های شبکه‌های ماهواره‌ای بر خانواده‌ها و جوانان بکاهد. منظور از سواد رسانه‌ای تجهیز کردن مخاطبان رسانه‌ها با توانایی‌ها و مهارت‌های تحلیل، نقد و ارزشیابی محتوای رسانه‌هاست تا بتوانند تشخیص دهند که همچون رژیم غذایی، چگونه رژیم رسانه‌ای داشته باشند. سواد رسانه‌ای به افراد توانایی می‌بخشد تا ضمن اینکه متفکرانه منتقد باشند، خود نیز به مولدان خلاق پیام‌ها تبدیل شوند. سواد رسانه‌ای با رسانه مخالف نیست بلکه هدف اصلی آن این است که از طریق مهارت‌هایش، به همه‌ی افراد بویژه کودکان و نوجوانان که در برابر محیط آلوده‌ی رسانه‌ای عصر حاضر بسیار آسیب پذیرند کمک کند تا در خصوص انواع رسانه‌ها نقاد، دقیق و تحلیل‌گر شد (عبدالله بیچرانلو، پیشین: ص ۱۲)

راهکارهای علمی: قرآن قدرت‌نمایی و تظاهر به غنی بودن را به عنوان موثر در حوزه جنگ سخت و نرم معرفی می‌کنند؛ و به نقش بازدارنده آن تاکید دارد، روشن است که آمادگی در همه‌ی جهات می‌تواند کارگزاران و موسسان شبکه‌های ماهواره‌ای را نسبت به نتیجه کارشان مردد کند. چنانکه که قرآن کریم می‌فرماید:

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ أَلْحَىٰ لِيَلْتَنَّهُمْ رِهْبَةٌ بَهِعٍ دَوَّالٍ وَعَدُوٌّ كَمَا وَآخِرِ نِيْمٍ نُّدُونِهِمْ لَأَلَّيْ عِلْمُهُمْ لَأَلَّيْ عِلْمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ

لَيْكٍ

شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لِيُؤْتِيَهُمْ وَالْفَتْحَ وَمَا أَنْتُمْ بِمَلَائِكَةٍ مُرْسَلِينَ (۱۶۰ انفال)

در برابر آنها (دشمنان) آنچه توانایی دارید از نیرو آماده سازید (و همچنین) اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد) تا بوسیله آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید و گروه دیگری غیر از اینها را که شما نمی‌شناسید و خدا می‌شناسد و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) اتفاق کنید، به شما بازگردانده می‌شود و به شما ستم نخواهد شد. دنیای غرب از همه‌ی ابزارها و از تمام ظرفیت‌های خود، در مقابله با جمهوری اسلامی استفاده می‌کند. ما نیز اگر بخواهیم در مقابل این جنگ ایستادگی کنیم و به پیروزی امیدوار باشیم باید با تمام توان، هنر را به خدمت بگیریم و بهره‌برداری کنیم





امر به معروف ونهی از منکر: هر گاه افرادی بخواهند ارزش های اعتقادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جامعه را زیر پا بگذارند بخشی از قدرت جامعه مانع آنها می گردند. خداوند نیز می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَموتُنَّ إِلَّا وَأنتُمْ مسلمون (آل عمران)

ای کسانی که ایمان آورده اید آنچنان که حق تقوی و پرهیزگاری است، از خدا پرهیزید و از دنیا نروید، مگر اینکه مسلمانان باشید (باید گوهر ایمان را پایان عمر حفظ کنید)

امر به معروف، نهی از منکر دو شیوه ی صالحان است که در آمدها بدن حلال می شود و ستم ها بدن دفع می شود و زمین آباد می شود و از دشمنان انتقام گرفته می شود (پایان نامه فرانک شهرپاری ص ۶۳)

از این رو به مردم سفارش می شود که با قلب هایشان، منکر را زشت بشمارند و با زبانیشان آن را بیان کنند، و در این راه از سرزنش هیچ کسی بیمی به خود راه ندهند (کلینی ۱۳۶۵ ج ۵، طوسی ۱۳۶۵ ج ۱۸ ص ۶)

استفاده از ظرفیت دانشجویی: در حال حاضر حدود سه میلیون ونیم در کشور در مقاطع مختلف مشغول به تحصیل هستند در مدل برنامه ریزی استراتژیک این تعداد دانشجو به دلیل عدیده از نقاط قوت محسوب می شوند و همین نکته باعث شده است بیشترین حجم جنگ نرم دشمن با هدف خنثی سازی این ظرفیت متراکم برنامه ریزی شود (پایان نامه فرانک شهرپاری ص ۶۴)

مقام معظم رهبری در بیان نقش دانشجویان در جنگ نرم می فرماید: «... ما با جنگ نرم، با مبارزه ی نرم از سوی دشمن مواجه ایم در این جنگ نرم شما جوان های دانشجو، افسران جوان این جبهه اید» و در جای دیگر می فرماید: «در همه جای دنیا دانشجویان یکی از قشرهای پیشرو هستند؛ علت هم واضح است. روح نآلوده ی جوانان، هنگامی که با فکر و ذهن روشن ناشی از تحصیل و با دید بصیر و آگاه همراه می شود، ترکیب خیلی ممتاز و فاخری به وجود می آورد. آن ترکیب همان دانشجو است. به همین خاطر است که دانشجویان همیشه از قشر پیشتازند». (بیانات مقام معظم رهبری، اول بهار سال ۱۳۶۶)

نتیجه گیری:

پس طبق مطالعات نشان داده می شود جنگ نرم بر روان و احساسات افراد تاثیر می گذارد و این جنگ بدون درگیری است. چون بهداشت روان از خانواده شروع کرده پس خانواده باید بگوانه ای الگوی فرزندان خود باشند و مدرسه خانه ی دوم فرزندان ما است و دنباله ی کار خانواده است اگر این خانه ها به طور منظم مراقب فرزندان خود نباشند جنگ نرم با انواع آسیب های خود بر زندگی کودکان و والدین آنها آسیب های خود را وارد می کند و هر فرد در جامعه به خاطر زنده بودنش مجبور است وارد اجتماع شود پس اطرافیان خود را تحت تاثیر قرار می دهد. ما افسران جنگ نرم با شناخت دشمنان خود از دوستان و تقویت ایمان و آموزش افراد نخبه ی کشورمان و آموزش اینکه رسانه ها را چه مدت و چگونه باید استفاده کرد می توانیم به جامعه خود بسیار کمک کرد

منابع

۱. قرآن

۲. بیانات مقام معظم رهبری

۳. داوری ارکانی، رضا، عاملی دیگر آدمی دیگر، ماهنامه فرهنگی تحلیلی سوره اندیشه ج ۴۸

۴. رجیبی نیا، داوود، غرب از رویا تا واقعیت، قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما اول ۱۳۸۹

۵. سالاری فر، محمد رضا، محمد صادق شجاعی، سید مهدی موسوی اصل، محمد دولت خواه، بهداشت روانی با نگرش به منابع

اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، چاپ دوم، تابستان ۱۳۹۰

۶. شهرپاری، فرانک، پایان نامه آسیب شناسی شبکه های ماهواره ای و رهکارهای مقابله با آن از نظر اسلام، گروه کارشناسی

رشته ی تفسیر قرآن، دانشکده علوم قرآنی میبد، بهار ۱۳۹۱

۷. صادقیان، احمد، قرآن و بهداشت روان، قم انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، چاپ دوم، سال ۱۳۸۷

۸. صفا تاج، مجید، صهیونیسم و رسانه ها، قم: سیقر اردهانل، دوم: ۱۳۸۸

۹. طباطبایی، بافقی، محمد تقی، ۱۳۸۸ شبیخون فرهنگی، یزد: مفاخر، اول

۱۰. علی محمدی، محمد حسین، تحلیلی مقدماتی بر تهاجم فرهنگی، مجموعه مقالات راه های مقابله با تهاجم فرهنگی دانشگاه آزاد واحد

رودهن، ۱۳۷۳ به نقل ماهنامه مهندسی فرهنگی

۱۱. گنجی، دکتر حمزه، بهداشت روانی، تهران، نشر اسباران، چاپ هشتم، تابستان ۱۳۸۶

۱۲. مکارم شیرازی، ناصر، ج ۱۲

۱۳. هاشمیان فرد، زاهد، ۱۳۹۰ جنگ نرم از دیدگاه قرآن کریم، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی اول

